صبح صادق

ولادت حضرت زینب(س)
و روز پرستار مبارک باد

۱۵ پاسدار

سرلشکر سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
در کنگره ۱۵ هزار شهید استان فارس اعلام کرد

پاسخ غیرقابل تصور در انتظار صهیونیست‌ها

هفته‌نامه | سیاسی، فرهنگی و اجتماعی | سال بیست و سوم | شماره ۱۱۶۳ | دوشنبه ۱۴ آبان ۱۴۰۳ | ۲ جمادی‌الاول ۱۴۴۶ | ۴ اکتبر ۲۰۲۴ | ۱۶ صفحه

۲ سرمقاله — دکتر یدالله جوانی — پاسخ پشیمان کننده

۲ نگاه — هادی محمدی — شوک راهبردی

۳ دیدگاه — علی قاسمی — شفافیت بودجه

هشدار فرمانده معظم کل قوا به واشنگتن و تل‌آویو در دیدار هزاران نفر از دانش‌آموزان و دانشجویان

پاسخ دندان شکن

התשובה שומטת לסתות

مطمئن باشید هیچ حرکت دشمن از جانب کسانی که به عنوان نماینده ملت ایران در حال تلاش برای مقابله با آن هستند، بی‌پاسخ گذاشته نمی‌شود و فراموش نخواهد شد و دشمنان چه رژیم صهیونیستی و چه ایالات متحده آمریکا در خصوص آنچه در قبال ملت ایران و جبهه مقاومت انجام می‌دهند، قطعاً پاسخ دندان‌شکنی دریافت خواهند کرد.

اینکه در جمهوری اسلامی یک روز را به‌عنوان روز مبارزه با استکبار معین کرده‌اند این برای آن است که ملت ایران از این تجربه تاریخی غفلت نکنند. وَالا مبارزه با استکبار که مال یک روز نیست، یک امر دائمی است؛ شما باید مبارزه با استکبار را، مبارزه با نشانه‌های ظلم و تعدی با نظم ظالمانه جهانی را متن زندگی خودتان قرار بدهید و بدانید.

مبارزه ملت ایران با استکبار آمریکایی ناشی از سلطه‌گری ظالمانه و قیحانه دولت آمریکا بر ملت عزیز ما و کشور ایران عزیز ما بود. سعی تاریخ‌نویسان منحرف‌کننده حقایق این است که بگویند اختلاف بین ایران و آمریکا از روز سیزده آبان ۵۸ شروع شد. این دروغ است. آمریکایی‌ها از اول انقلاب و از پیش از انقلاب و از سالها قبل از انقلاب با ملّت ایران درافتادند.

۲ نگاه — محاسبات غلط!

۱۱ خرد — اراده معتبر

شماره ۱۱۶۳ | دوشنبه ۱۴ آبان ۱۴۰۳
صبح صادق

اراده ملی

چگونه خطای محاسباتی دشمن را تغییر دهیم؟

نیم نگاه

محاسبات غلط!

سعدالله زارعی
عضو شورای سیاست‌گذاری صبح صادق

«خطای محاسباتی» به معنای ندیدن عنصر یا عناصری است که سبب خطای اساسی در دیدن شیء می‌شود. در واقع، در اینجا شیء دیده نمی‌شود؛ در حالی که بیننده گمان می‌کند آنچه می‌بیند، همان شیئی است که باید دیده شود. در چنین وضعیتی، احکامی که ذهن ـ دستگاه محاسباتی ـ صادر و احیاناً به اقداماتی وادار می‌کند، بدون تردید خطا خواهد بود.

خطای محاسباتی رژیم غاصب در مواجهه با کنش و واکنش نظامی ایران چیست؟

اول اینکه، به‌نظر می‌آید پیش از اقدامات مستقیم و علنی نظامی ایران علیه رژیم غاصب، عناصر زیر از جمله شکل‌دهنده به دستگاه محاسباتی رژیم صهیونیستی بوده است؛

۱ـ ایران یک قدرت نظامی منطقه‌ای متوسط در اندازه ترکیه است؛

۲ ـ ایران در عین اینکه توان ضربه‌زدن دارد، به‌دلیل ضربه‌پذیربودن زیرساخت‌های اقتصادی آن، در اعمال قدرت نظامی علیه دشمنان خود بسیار محتاط است؛

۳ـ تئوری ایران برای پیش‌بردن سیاست‌های خود در منطقه، تکیه به هم‌پیمان‌های خود است و از این‌رو پروژه‌های دفاع از منافع خود را واگذار می‌کند و اگر ناگزیر به ورود مستقیم به دفاع از منافع خود شود، این ورود بسیار محدود خواهد بود.

رژیم غاصب با این دستگاه محاسباتی در مواجهه با ایران به این رویکرد رسیده است؛

۱ـ می‌توان به‌صورت محدود با ایران وارد درگیری نظامی شد بدون آنکه این درگیری از کنترل خارج شده و به جنگ گسترده ـ با ایران یا با منطقه ـ منجر شود؛

۲ـ درگیری محدود با ایران، ابهت نظامی آن را از بین می‌برد و نقطه اتکای جنبش‌ها و دولت‌های انقلابی ـ مقاومتی را از بین می‌برد؛

۳ـ با گرفتن نتایج اولیه از درگیری محدود با ایران، می‌توان اتحادی را که به‌دلیل ترس علیه ایران به‌وجود نیامده است، به وجود آورد؛

۴ـ موفقیت درگیری محدود علیه ایران، آمریکا را که به‌دلیل آسیب‌پذیربودن نیروها و پایگاه‌هایش تمایلی به ورود به درگیری نداشته است، به تجدیدنظر در سیاست نظامی‌اش نسبت به ایران وادار خواهد کرد.

دستگاه محاسباتی رژیم صهیونیستی از مقدمات غلط، نتیجه غلط ارائه کرده است. در علم منطق می‌گویند نتیجه تابع اخس مقدمتین است.

دستگاه محاسباتی رژیم غاصب، ایران را یک قدرت نظامی متوسط منطقه‌ای ارزیابی کرده است؛ در حالی‌که در سطح بین‌الملل و نه فقط منطقه، ایران برترین قدرت نظامی منطقه و یک قدرت نظامی مطرح بین‌المللی خوانده می‌شود.

دوم اینکه، اگر بحث ضربه‌پذیری زیرساخت‌های اقتصادی باشد، تأسیسات اقتصادی رژیم به دلیل مجتمع بودن در یک محدوده حدود ۶۰۰۰ کیلومتر مربعی ضربه‌پذیرتر از تأسیسات اقتصادی ایران است که در جغرافیای حدود ۶/۱ میلیون کیلومتر مربعی است. از سوی دیگر، ضربه به زیرساخت‌های اقتصادی و تجاری، رژیم صهیونیستی را با مشکل بقا مواجه می‌کند؛ چرا که کل معیشت آن را به خطر می‌اندازد و این در حالی است که ضربه متقابل به بعضی زیرساخت‌های مالی و تجاری، ایران را با خسارت‌های قابل ترمیم مواجه می‌گرداند. نکته دیگر در این میان این است که زیرساخت‌های اقتصادی رژیم به طور کامل الکترونیک و به صورت یک زنجیره به هم پیوسته است که اخلال در یک جزء به اخلال در کل آن منتهی می‌شود؛ در حالی که زیرساخت‌های تکنولوژیک ایران، ترکیبی از تأسیسات مدرن و سنتی است و عمدتاً کارکردی زنجیروار ندارد. موضوع دیگر در این باب این است که تأسیسات مالی و تجاری رژیم، به کشورهای پیشرفته صنعتی وابسته است و لذا رفع آسیب‌های آن به حمایت کشورهای مزبور مربوط است و هزینه‌بر و نیز زمان‌بر خواهد بود؛ در حالی که تأسیسات اقتصادی و تجاری ایران خودبنیاد و خوداتکاست و لذا بازسازی آن در زمانی به مراتب کوتاه‌تر و با هزینه بسیار کمتر امکان‌پذیر است.

بنابراین در صحنه تبادل درگیری، طرفی که ناچار است دست به عصا راه برود، «رژیم صهیونیستی» است.

سوم اینکه، برخلاف تحلیل صهیونیست‌ها، ایران هیچ گاه دفاع از جمهوری اسلامی را به دوستان خود در منطقه و بین‌الملل واگذار نمی‌کند و خود مستقیماً به تهدید علیه خود پاسخ می‌دهد و البته مانع پاسخ هم‌زمان یا غیر هم‌زمان دوستان به شرارت دشمن علیه جمهوری اسلامی هم نخواهد شد. تردیدی نیست که قدرت واکنش جمهوری اسلامی به شرارت‌ها علیه خود از تک تک و از مجموع دوستانش در منطقه بیشتر است کما اینکه عمق ایران هم از عمق همه آنان بیشتر است.

پس این انگاره دشمن که پاسخ خود ایران به شرارت‌هایی که علیه آن می‌شود، محدود خواهد بود، غلط است. کما اینکه عملیات «وعده صادق ۲» بزرگ‌تر از اقدام روز شنبه رژیم در زدن بعضی از مراکز ایران بود.

چهارم اینکه، هیچ تضمینی برای رژیم صهیونیستی وجود ندارد که درگیری با ایران به یک جنگ در منطقه علیه آن منجر نمی‌شود. رژیم صهیونیستی از مرکز، جنوب، شرق و شمال در محاصره عملیاتی اضلاع مقاومت است که همان طور که تا کنون نشان داده‌اند، وحدت جبهه دارند. این در حالی است که هیچ یک از اضلاع مقاومت در چنین حصاری قرار ندارند.

پنجم اینکه، خود درگیری نظامی ابهت‌زا یا ابهت‌زدا نیست و نتیجه آن ابهت‌زا یا ابهت‌زداست. ورود به درگیری برای رقم زدن نتیجه به نفع خویش است؛ بله هیچ کشوری هر چند بسیار قدرتمند از حمله به خویش استقبال نمی‌کند؛ ولی آنگاه که مورد حمله قرار گیرد، کمترین تردیدی در واکنش سنگین به خود راه نمی‌دهد مخصوصاً وقتی که طرف مقابل وقیح باشد و پاسخ ندادن به شرارتی که مرتکب شده است، به حساب ضعف بگذارد.

ششم اینکه، رژیم صهیونیستی پیش از جنگ اخیر و مشخص شدن ضعف‌های فاحش آن در حمله و دفاع هم با وجود سعی بسیار نتوانست اتحادی حول محور خود پدید بیاورد. اکنون که دستش به خون کودکان عرب و مسلمان در غزه و در لبنان آغشته است، چگونه قادر به ایجاد اتحادی عربی ـ اسلامی علیه کشوری است که از آغاز تجاوز رژیم غاصب به غزه و لبنان در کنار این دو ملت عربی ـ اسلامی قرار گرفته است؟

هفتم اینکه، آمریکا کماکان خود را در موقعیت آسیب‌پذیر در برابر ایران و در برابر اضلاع جبهه مقاومت می‌بیند؛ از این رو بلافاصله پس از اقدام متجاوزانه رژیم صهیونیستی علیه ایران، طی نامه رسمی به مسئولان ایرانی یادآوری کرد که نقشی در اقدام اسرائیل نداشته است. این موضع هر چند ریاکارانه و دروغ است، در عین حال از نگرانی ایالات متحده در زمینه واکنش جبهه مقاومت علیه خود هم پرده بر می‌دارد.

سرمقاله

پاسخ پشیمان‌کننده

دکتر یدالله جوانی
مدیر مسئول

رژیم صهیونی با یک خطای راهبردی مبتنی بر اشتباه محاسباتی، اقدام به تهاجم نظامی به ایران کرد و مراکزی را هدف قرار داد. به طور قطع، اگر صهیونیست‌ها واقع‌بین بودند، هرگز به چنین شرارت احمقانه‌ای دست نمی‌زدند؛ چرا که آنها در آینده نه چندان دور، باید هزینه‌های سنگین این اشتباه خود را بپردازند. این اتفاق مبارک به زودی رخ می‌نماید و افزون بر غافلگیری گرگ‌های خون‌آشام و درنده‌خوی صهیونی، دنیا و به‌ویژه حامیان اشغالگران کودک‌کش هم شگفت‌زده خواهند شد. پیش از اشاره به چگونگی برهم خوردن محاسبات غلط صهیونیست‌ها درباره ملت ایران، اشاره به دو نکته در زمینه وضعیت منطقه و رویارویی جبهه مقاومت با رژیم صهیونی بر اساس روندها با نگاه راهبردی ضروری است. نکته اول، آنچه در سیزده ماه نبرد جبهه مقاومت با رژیم صهیونی، از آغاز عملیات طوفان‌الاقصی تا کنون مشاهده‌شد، تمامی صاحب‌نظران علوم راهبردی با هر گرایشی در جهان را به این باور رساند که نابودی رژیم غاصب و ظالم و خون‌آشام صهیونیستی، یک امر حتمی و گریزناپذیر است. البته با نگاه توحیدی و بر اساس سنت‌های الهی هم هرگز نباید نسبت به این امر نزدیک‌الوقوع دچار تردید شد. نکته دوم، رژیم صهیونی در سیزده‌ماه گذشته، با وجود جنایت‌های بی‌شمار و عبور از بسیاری از خطوط قرمز، نه‌تنها شکست‌های اولیه ناشی از عملیات طوفان‌الاقصی را نتوانست ترمیم کند؛ بلکه چندین شکست راهبردی دیگر بر شکست اولیه‌اش افزوده شد؛ به‌گونه‌ای که هرگز قادر به ترمیم این شکست‌ها نخواهد بود؛ شکست‌هایی که زوال موجودیت نامشروعش را شتاب می‌بخشد. اما در پاسخ به پرسش اصلی این نوشتار باید گفت:

۱ـ برهم زدن محاسبه غلط صهیونیست‌ها، امر صریح رهبر حکیم انقلاب اسلامی و فرمانده معظم کل قوا به تمامی ملت و خصوصاً مسئولان نظام و در رأس همه، نیروهای مسلح است. تجربه نشان داده است، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، در اجرای فرمان ولی‌فقیه زمان به‌عنوان نایب امام زمان روحی فدا، لحظه‌ای تردید نخواهند کرد.

۲ـ تجربه نشان داده است، فرمان فرمانده معظم کل قوا به نیروهای مسلح برای اجرای مأموریت، مبتنی بر داشته‌ها و توانایی‌های موجود است. بنابراین، فرمان حضرت امام خامنه‌ای(مدظله‌العالی) در دیدار با خانواده معظم شهدای امنیت در تاریخ ششم آبان‌ماه سال جاری، مبنی بر اینکه «بایستی خطای محاسباتی رژیم صهیونیستی به‌هم بخورد»، یک فرمان برای اجرای یک امر ممکن است. برهم زدن خطای محاسباتی دشمن امری کاملاً ممکن و در توان ملت ایران است.

۳ـ دلیل اصلی خطای محاسباتی صهیونیست‌ها، یکی تصور برخوردارشدن از فرصت و بهانه پس از عملیات پرافتخار وعده صادق ۲ برای حمله به ایران، و دیگری نشناختن ملت ایران از جهات گوناگون است. رهبر حکیم انقلاب اسلامی در ادامه فرمان برهم‌زدن خطای محاسباتی رژیم صهیونیستی، به اساس قدرت برای اجرای این فرمان اشاره کرده و فرمودند: «اینها ایران را نمی‌شناسند. جوانان ایران را نمی‌شناسند، ملت ایران را نمی‌شناسند، قدرت و توانایی و ابتکار و اراده ملت ایران را هنوز نتوانسته‌اند درست بفهمند؛ این را ما باید به اینها بفهمانیم.»

۴ـ تجربه و کارنامه چهل‌وپنج ساله ملت ایران پس از انقلاب اسلامی، به‌وضوح نشان می‌دهد، از توانایی‌های بسیار بالا و توأم با اراده‌های پولادین برای شکست توطئه‌های دشمنانش برخوردار است. اگر جز این بود، هرگز انقلاب اسلامی با وجود این همه دشمنی‌ها و توطئه‌ها، ماندگار و چهل‌وپنج ساله نمی‌شد. انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی، افزون بر ماندگاری با وجود دشمنی‌ها، اکنون به یک قدرت تعیین‌کننده در منطقه و یک قدرت نوظهور و مؤثر در عرصه بین‌الملل تبدیل شده است.

۵ـ از ابتدای استقرار جمهوری اسلامی در ایران، هرگاه دشمن توطئه‌ای را علیه کشور ما انجام می‌داد و سپس با شکست مفتضحانه روبه‌رو می‌شد، حضرت امام خمینی(ره) با صراحت می‌فرمودند: «اینها ملت ما و جوانان ما را نشناخته‌اند!» امروز نیز در مقابل شرارت رژیم صهیونی در تجاوز به سرزمین ایران اسلامی، رهبر معظم انقلاب اسلامی همین استدلال را برای خطای محاسباتی دشمن بیان داشته، اعلام کردند، باید عظمت ملت ایران و قدرت ملت ایران را به صهیونیست‌ها بفهمانیم. آری، ملت ایران یک ملت عاشورایی با مردمانی برتر از مردم صدر اسلام و به تعبیر سیدالشهدای جبهه مقاومت «حاج قاسم سلیمانی» ملت امام حسین(ع) و ملت شهادت است. این ملت با برخورداری از جوانان برومند عاشورایی، خلاق و مبتکر، با تکیه بر قدرت لایزال الهی، نه تنها با پاسخی محکم و پشیمان‌کننده به صهیونیست‌ها به دلیل شرارتی که انجام دادند، خطای محاسباتی آنها را برهم خواهد زد؛ بلکه با پشتیبانی و همراهی همه‌جانبه با ملت مظلوم فلسطین و جبهه مقتدر مقاومت، فرمان الهی رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی(ره) را تحقق خواهد بخشید که فرمودند: «اسرائیل یک غده سرطانی است و باید از صفحه روزگار محو شود.» البته کیفیت و چگونگی پاسخ به شرارت صهیونیست‌ها از نظر عملیاتی و تاکتیکی، همیشه بر اساس تشخیص فرماندهان نظامی و مسئولان عالی‌رتبه کشور و تصویب رهبر حکیم انقلاب اسلامی در جایگاه فرمانده کل قواست و پس از انجام کار، ابعاد و جزئیات آن مشخص می‌شود. معظم‌له در ادامه فرمان برای برهم زدن خطای محاسباتی صهیونیست‌ها، فرمودند: «کیفیت کار را مسئولین ما باید تشخیص بدهند و درست بفهمند و آنچه صلاح این کشور و این ملت است، آن را انجام‌دهند.»

شوک راهبردی

هادی محمدی
تحلیلگر ارشد بین‌الملل

پیروزی انقلاب اسلامی، پیش از هر چیز، یک خسارت و شکست استراتژیک برای رژیم صهیونیستی و آمریکا و غرب بود که ظرفیت بسیار مهمی را در معادله قدرت در قبال بلوک شرق از یک‌سو و تحکیم سیطره رژیم صهیونیستی و هژمون آمریکا بر منطقه غرب آسیا را از آنان سلب کرد.

حتی اگر انقلاب اسلامی در جوهر اعتقادی خود، مبارزه با دیکتاتوری و ظلم و استکبار و حمایت از مظلومان را نداشت، این خسارت راهبردی، انگیزه دشمنی رژیم صهیونی و آمریکا و غرب علیه جمهوری اسلامی را به‌خوبی بیان می‌کرد. شاهد این مدعا، همه پروژه‌های کودتایی، تروریستی، آشوب‌سازی، فتنه‌های سیاسی و قومیتی و مذهبی و جنگ‌افروزی و تحریک صدام علیه ایران و بسیاری دیگر از اقدامات آنان در بیش از چهار دهه گذشته است.

براندازی، تضعیف، فرسایش توان ملی و مانع‌تراشی در مسیر تعاملات جمهوری اسلامی با محیط منطقه‌ای و جهانی، سرلوحه اصلی دشمنی با انقلاب و جمهوری اسلامی از طرف صهیونیست‌ها و استکبار غربی است.

جمهوری اسلامی نه تنها در چهار دهه گذشته به نوعی موازنه قدرت دست یافته، بلکه موفق به شکست و بی‌اثر کردن و فرسایش جبهه شرارت استکباری ـ صهیونی شده است. تحولات یک سال اخیر نقطه عطف جدیدی در تقابل جبهه مقاومت و جبهه شرارت شیطانی غربی ـ صهیونی است که بنا به برخی شواهد و اطلاعات، رفتاری پیش‌دستانه و مؤثر و راهبردی در راستای شکسته برنامه جدید این جبهه شرارت است که نه تنها، برای منطقه غرب آسیا و ایران، بلکه برای بازیابی و استحکام سیطره و هژمونی جهانی خود، رویکرد هجومی با ماهیت بی‌قاعدگی و عبور از تمامی قوانین و عرف‌های جهانی را دنبال می‌کند.

اگر امروز تمامی استکبار جهانی خود را در کنار رژیم صهیونیستی قرار داده و بر تمامی جنایات و نسل‌کشی مکرر و روزانه در فلسطین و لبنان سرپوش می‌گذارد و آن را مجاز می‌داند، صرفاً برای نجات رژیم صهیونی از فروپاشی و نابودی نیست، بلکه نجات راهبرد بزرگ و جهانی و منافع منطقه‌ای و جهانی جبهه شرارت و شیطانی غربی را نیز مدنظر دارد.

این به معنای آن است که حجم و اهمیت و بزرگی شرایط و الزامات برای اقدام و راهبردهای مرحله‌ای و میان‌مدت را به‌خوبی درک کنیم. در واقع، مسئله امروز فقط پاسخ به گستاخی و تعرض به امنیت ملی و حاکمیت سرزمینی ایران از سوی رژیم صهیونیستی با مساعدت و مباشرت آمریکا و غرب نیست و باید در کنار موازنه قدرت و بازدارندگی در این مرحله، با نگاه به راهبرد بزرگ استکبار و صهیونیسم که باقی ماندن در سیطره جهانی و نظام بین‌الملل را دنبال می‌کند، لایه‌های اقدام تکمیلی در استراتژی ملی و منطقه‌ای نیز در میان‌مدت مدنظر باشد تا در قبال رفتار هجومی جبهه شرارت غربی ـ صهیونی غافلگیر نشویم. شرایط و سرعت تحولات جهانی و نظام بین‌المللی که در مرحله انتقالی به‌سر می‌برد، به نحوی است که جبهه شرارت غربی ـ صهیونی، نمی‌تواند با موازنه‌سازی قدرت با رویه‌های گذشته، جایگاه و موقعیت گذشته خود را حفظ کند و ناچار به ریسک‌های بزرگ و فرار رو به جلوست و همه سرمایه‌های ۷۵ سال گذشته‌اش در جهان را، اعم از مؤسسات بین‌المللی، قوانین و قواعد بین‌المللی، شعارهای رنگارنگ حقوق بشر، دموکراسی، حقوق ملت‌ها و تمدن غربی را به حراج گذاشته و از آن عبور کرده است. بنابراین، مسئله جبهه شرارت غربی ـ صهیونی به لبنان و غزه محدود نمی‌شود و ناچار به استمرار و گسترش بحران‌آفرینی، جنگ‌افروزی و تحمیل اراده بر دیگران است.

اثرگذاری بر محاسبات جبهه شرارت، در سقف یک پاسخ پشیمان‌کننده به رژیم صهیونی نمی‌تواند و نباید تصور شود، هرچند این پاسخ قانونی و مشروع می‌تواند برنامه و راهبرد جبهه شرارت را با اختلال، تعویق و خسارت و شکست روبه‌رو کند. آنچه باید در هدف‌گذاری تغییر محاسبات دشمن صهیونی برنامه‌ریزی شود، دارای دامنه‌ای فراتر از این رژیم و اثرگذاری بر محاسبات جبهه شرارت غربی و استکباری است؛ به همین دلیل نیازمند یک استراتژی فوری و میان‌مدت با ارکان متفاوت و در عرصه‌های گوناگون داخلی و خارجی، منطقه‌ای و بین‌المللی و سطوح سیاسی، دیپلماتیک، امنیتی، اطلاعاتی، نظامی، رسانه‌ای و توسعه صنعتی و صنایع نظامی و... است. این به معنای این نیست که اقدام فوری و مشروع علیه رژیم صهیونی، منوط به آماده‌سازی مؤلفه‌های لازم در راهبرد میان‌مدت باشد؛ چرا که بنیه فرسوده رژیم صهیونی در یک سال گذشته و آسیب‌پذیری‌های راهبردی جبهه شرارت غربی ـ استکباری در شرایطی است که اگر عزم بی‌قاعده و بزرگ در پاسخ مشروع جمهوری اسلامی و جبهه مقاومت را احساس و پیامدهای این پاسخ بر آنان آوار شود، نه تنها پروژه منطقه‌ای آنان، بلکه محاسبات و ریل‌گذاری جهانی آنان با شوک راهبردی مواجه می‌شود. پاسخ قاعده‌مند و تکرار دو وعده صادق گذشته، با تمامی نتایج و پیامدهای آن بر پیکر جبهه شرارت استکباری ـ صهیونی در محاسبات آنان قابل پیش‌بینی است؛ ولی همان‌گونه که یک جنگ نامتقارن، سامانه‌های راهبردی آنان را مختل می‌کند، پاسخ بی‌قاعده به رژیم صهیونی با ابعادی فراتر از رژیم، عقبه اصلی استراتژی‌های جبهه شرارت را از مسیر خود خارج می‌کند.

پاسخ فوری و قبل از انتخابات ریاستی آمریکا، بسیار مؤثرتر و کم‌هزینه‌تر و نتیجه‌بخش‌تر از اقدام پس از انتخابات ریاستی آمریکاست و شیشه عمر غرب، در اقتصاد انرژی پایه آنان است که هم تمامی ارکان اجتماعی و اقتصادی رژیم و بخش اعظم صنایع و ماشین نظامی آنان را متوقف می‌کند و در کنار منابع انرژی رژیم، خطوط امداد انرژی به سمت رژیم را باید هدف قرار دهد. این پاسخ در بخش انرژی و چند مؤلفه بندری و صنعتی در این رژیم، جنگ در غزه و لبنان را همان‌گونه که ایام پایانی جنگ ۳۳ روزه برای آنان کابوس کرد و سراسیمه به توقف جنگ سرازیر شدند، خاتمه خواهد داد. بدیهی است که زنجیره‌ای از اقدامات گوناگون دیپلماتیک، ائتلاف‌سازی منطقه‌ای اسلامی، عربی، بین‌المللی و اقدامات رسانه‌ای، مجازی و سایبری و امنیتی - اطلاعاتی، در داخل و خارج از کشور، گام اول یک استراتژی بزرگ‌تر را فراهم خواهد کرد.

شفافیت بودجه

تغییرات بنیادین در بودجه ۱۴۰۴ با نگاه انبساطی

علی قاسمی
کارشناس ارشد اقتصادی

دکتر پزشکیان، رئیس‌جمهور کشور و رئیس دولت چهاردهم در روز اول آبان بخش اول لایحه بودجه سال۱۴۰۴ را تقدیم مجلس شورای اسلامی کرد و قرار شد، بخش دوم بودجه را که شامل جداول تفصیلی درباره ارقام بودجه است، حداکثر ۱۰ بعد به مجلس ارسال کند. در نهایت، پس از هشت روز، در روز سه‌شنبه ۸ آبان‌ماه رئیس‌جمهور در سخنانی از کلیات لایحه بودجه ۱۴۰۴ در مجلس شورای اسلامی دفاع کرد و سپس نوبت به اظهارات مؤافقان و مخالفان کلیات لایحه بودجه رسید. در پایان نمایندگان مجلس پس از استماع سخنان رئیس‌جمهور و موافقان و مخالفان، با ۱۴۶ رأی موافق، ۹۶ رأی مخالف و ۴ رأی ممتنع از مجموع ۲۴۹ نماینده حاضر در مجلس با کلیات لایحه بودجه ۱۴۰۴ موافقت کردند تا در کمیسیون تلفیق جزئیات بودجه رسیدگی شود.

بودجه مهم‌ترین سند مالی است که دخل و خرج یک سال کشور را بر اساس درآمدها و هزینه‌ها تنظیم می‌کند. آنچه در بودجه مهم به نظر می‌رسد، میزان تغییرات در مقایسه با سال قبل در رابطه با پایه مالیاتی، نرخ تسعیر ارز، افزایش حقوق و مزایا، تأمین کالاهای اساسی، میزان فروش نفت و شیوه تقسیم منابع نفت، یارانه‌ها و فروش اوراق و... است. پیش از ورود به بحث جا دارد نگاهی به جدول کلان بودجه و میزان تغییرات آن داشته باشیم، سپس بعضی از موضوعات را تحلیل کنیم. جدول (۱)

تغییرات مهم در بودجه ۱۴۰۴ عبارتند از:

الف- سه تغییر بنیادین در ارقام بودجه؛ مهم‌ترین اقدام دولت در لایحه بودجه سال ۱۴۰۴ افزودن سه رقم اصلی زیر به ارقام جداول کلان بودجه است که پیش از این در تبصره‌ها درج می‌شد، اما در ارقام کلان بودجه محاسبه‌نمی‌شد:

۱ـ منابع و مصارف هدفمندسازی یارانه‌ها؛ ۲ـ نفت تحویلی به نیروهای مسلح با موضوع تقویت بنیه دفاعی؛ ۳ـ بازپرداخت بدهی سازمان تأمین اجتماعی از طریق تهاتر و بدهی به بانک‌ها از طریق اوراق بهادارسازی بدهی آنها. به‌عبارت بهتر، دایره شمول منابع و مصارف عمومی در لایحه ۱۴۰۴ در مقایسه با سال‌های گذشته با تغییرات گسترده‌ای همراه بوده است که مقایسه آن با قانون و عملکرد مالی دولت در سال ۱۴۰۳ دشوار است. این سه اقدام افزون بر حذف موارد خاص فرابودجه‌ای به نوعی شفافیت بودجه را ارتقا داده است.

ب ـ واگذاری دارایی‌های مالی؛ یکی از بخش‌های عمده تغییرات در بودجه که بازتاب رسانه‌ای و تحلیلی زیادی را به‌دنبال داشت، رشد ۳۳۳ درصدی انتشار اوراق بود. در همین زمینه، «خانم خانلو» سخنگوی بودجه در توضیح این رقم بالا گفت: «سال آینده عملاً ۵۰۰ همت اوراق جدید منتشر خواهد شد و ۲۰۰ همت مربوط به بهادارسازی مطالبات بانک‌هاست. همچنین ۴۷۰ همت از بدهی دولت از محل انتشار اوراق سال‌های قبل صورت می‌گیرد.» ناگفته نماند که افزایش این میزان اوراق با همه توجیهاتی که پشت سر آن است، فشار مضاعفی به بازار سرمایه وارد می‌کند. برای کاهش هرگونه آسیب مجدد به بازار سرمایه، دولت باید تصمیمات مضاعف کمکی دیگری برای این بازار در نظر بگیرد. جدول (۲)

ج ـ واقعی‌سازی ارقام در متناسب‌سازی‌ها؛ در بخش هزینه‌ها اقلام مهم و مرتبط با اجرای احکام قانون برنامه هفتم پیشرفت عبارتند از: متناسب‌سازی حقوق بازنشستگان ۱۰۴ همت، پاداش پایان خدمت ۸۵ همت، مجموع یارانه نقدی، مستمری خانوارهای تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی(ره) و سازمان بهزیستی کشور ۴۰۵ همت و یارانه نان ۲۵۰ همت (ذیل ردیف سازمان هدفمندی). همچنین بابت پرداخت سود اوراق مالی اسلامی ۲۰۰ همت در نظر گرفته شده است که در مقایسه با سال‌های قبل غیر از شفافیت، ارقام واقعی دیده شده و برای عملیاتی کردن دست متولیان امر بازتر و دچار کسری کمتری می‌شود.

با اینکه لایحه بودجه ۱۴۰۴ اولین لایحه دولت چهاردهم و اولین سال اجرای برنامه هفتم و در شرایط خاص منطقه‌ای نوشته شده است، به جز یک‌سری ضعف‌ها همچون تورم‌زا بودن بودجه، انتشار اوراق بالا، پایین بودن بهره‌وری و تورم‌زا بودن بودجه نقاط قوتی دارد که از جمله آنها می‌توان به افزایش یکپارچگی منابع در لایحه بودجه، پیشبرد اصلاحات به‌صورت تدریجی، پرهیز از شوک درمانی، رشد اعتبارات سرمایه‌گذاری، افزایش شفافیت متن، شناسه‌دهی و رهگیری تبصره‌ها، همسان‌سازی در حقوق بازنشستگان، معافیت‌های مالیاتی، افزایش بودجه عمرانی، درنظرگرفتن بدهی‌های دولت به شهرداری‌ها، نیروهای مسلح و تأمین اجتماعی اشاره کرد.

جدول (۱) سقف منابع و مصارف لایحه بودجه سال ۱۴۰۴ کل کشور
مبالغ به هزار میلیارد تومان (یک همت)

منابع		مصارف	
درآمدها	۲۲۷۵	هزینه‌ها	۴۰۸۱
واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای	۲۳۳۲	تملک دارایی‌های سرمایه‌ای	۱۱۹۶
واگذاری دارایی‌های مالی	۱۳۸۰	تملک دارایی‌های مالی	۷۱۰
جمع منابع عمومی دولت	۵۹۸۷	جمع مصارف عمومی دولت	۵۹۸۷
درآمد اختصاصی	۴۲۰	مصارف از محل درآمد اختصاصی	۴۲۰
منابع بودجه عمومی دولت	۶۴۰۷	مصارف بودجه عمومی دولت	۶۴۰۷

جدول (۲) سقف واگذاری دارایی‌های مالی در سال ۱۴۰۴
مبالغ هزار میلیارد تومان (یک همت)

عنوان	مصوب ۱۴۰۳	برآورد ۱۴۰۴	درصد رشد
فروش، تحویل و واگذاری انواع اوراق مالی اسلامی*	۲۵۵	۷۰۰	٪۱۷۵
واگذاری شرکت‌های دولتی	۶۰	۱۳۵	٪۱۲۵
سایر واگذاری دارایی‌های مالی	۴۰	۴۰	۰
استقراض از منابع صندوق توسعه ملی	-	۵۴۱	-
جمع واگذاری دارایی‌های مالی	۳۱۹	۱۱۳۸۰	٪۳۳۳

وضعیت غیرقابل پیش‌بینی

رضا صارمی
دکترای امنیت ملی

همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد، در کمترین فاصله به انتخابات سه‌شنبه، پانزدهم آبان باز هم نمی‌توان به‌صورت قاطع گفت «دونالد ترامپ» برنده انتخابات است یا «کاملا هریس» جواز ورود به کاخ سفید را به‌دست می‌آورد! رأی‌گیری زودتر از موعد در بسیاری از ایالت‌ها شروع شده است و تاکنون بیش از شصت میلیون نفر، آرای خود را از طریق پست یا به شکل حضوری به صندوق رأی انداخته‌اند. با توجه به اینکه تعداد کل حائزان شرایط برای رأی دادن در دویست‌وسی‌میلیون نفر است، بنابراین عدد شصت میلیون نفر قابل توجه است. در صحنه فعالیت‌های انتخاباتی، دو کاندیدا کماکان در ایالت‌های نوسانی در حال تلاش هستند. شاید مهم‌ترین اتفاق این روزها به‌کاربردن کلمه «زباله» درباره طرفداران ترامپ از سوی «جو بایدن» بوده است. این موضوع، فضا را به شدت به ضرر هریس کرده است. عده‌ای معتقدند رئیس جمهوری فعلی آمریکا به عمد این سخنان را به‌ک ار برد تا ضرب شستی به هریس نشان دهد. این موضوع به اختلافات ستادهای انتخاباتی هریس و بایدن برمی‌گردد. هریس برای خنثی‌کردن سخنان بایدن مجبور به عکس‌العمل شد و اعلام کرد درصورتی که رئیس جمهور شود، رویکرد و اقداماتش با بایدن متفاوت خواهد بود. ترامپ هم از سخنان بایدن به بهترین شکل استفاده کرد و با پوشیدن لباس کارکنان حمل زباله سوار ماشین‌های آنها شد. در ایالت‌های نوسانی هم می‌توان گفت، ترامپ در ایالت‌های «نوادا» و «پنسیلوانیا» با اختلاف کمتر از یک درصد، در «کارولینای شمالی» با یک درصد، در «جورجیا» با دو درصد و در «آریزونا» با سه درصد پیشتاز است. هریس هم در ایالت‌های «ویسکانسین» و «میشیگان» با اختلاف کمتر از یک درصد در صدر قرار دارد. در سطح ملی، هریس دو درصد جلو است؛ در حالی که در دوره قبل بایدن هشت درصد در سطح ملی جلو بود. در مقایسه پانزده نظرسنجی از مؤسسه‌های معتبر در این حوزه در هفت نظرسنجی ترامپ و در پنج نظرسنجی هریس و در سه مورد هر دو مساوی هستند. در بالاترین فاصله ترامپ سه درصد از هریس پیش است؛ حال آنکه در انتخابات ۲۰۲۰ در همین روز بایدن هفت و نه دهم درصد پیش بود و برنده شد. در انتخابات ۲۰۱۶ کلینتون یک‌ونیم درصد پیش بود و باخت. در هر حال، در انتخابات سه‌شنبه رقابت بسیار نزدیک است و درصورت شکست ترامپ به‌دلیل شخصیت خاص او و اینکه از هم‌اکنون هم زمزمه تقلب در ایالت پنسیلوانیا را سر داده است، زمینه ناآرامی وجود دارد. در حوزه سیاست خارجی هم تلاش‌های بایدن برای برقراری آتش‌بس در غزه و لبنان و استفاده تبلیغاتی از آن در انتخابات ریاست جمهوری با شکست روبه‌رو شد. اعلام جمهوری اسلامی مبنی بر پاسخگویی حتمی به شرارت‌های رژیم صهیونی و به‌دنبال آن افزایش قیمت نفت، وضعیت را برای دموکرات‌ها سخت‌تر کرده است و حتی آنها نگران این هستند که ایران ظرف روزهای مانده به انتخابات اقدام خود را عملی کند و شانس هریس را برای پیروزی کاهش دهد. در روزهای باقی‌مانده تا انتخابات هر اتفاقی می‌تواند صحنه انتخابات را تغییر دهد.

اگر آراء مساوی شود!

انتخابات آمریکا چه روزی برگزار می‌شود؟
- سه‌شنبه؛ بعد از اولین دوشنبه نوامبر.

رأی‌گیری چه زمانی است؟
- زودترین زمان بسته‌شدن صندوق‌ها ساعت شش عصر و دیرترین زمان ساعت یک بامداد چهارشنبه.

چرا انتخابات بیش از یک روز طول می‌کشد؟
- انتخابات در برخی ایالت‌ها، مانند «واشنگتن»، «اورگن» و «یوتا» کم‌وبیش به روش پستی انجام می‌شود و هفته‌ها طول می‌کشد.

نامزدهای انتخابات امسال چه کسانی هستند؟
- به جز «کاملا هریس» و «دونالد ترامپ»، نامزدهای دیگری هم حضور دارند و گزینه‌ها براساس ایالت، متفاوت است؛ مانند «رابرت اف. کندی»؛ «جونیور» هم نامزد مستقل است؛ البته او پیشتر از ترامپ حمایت می‌کرد.

چه زمانی پیروز انتخابات مشخص می‌شود؟
معلوم نیست. مشخص‌شدن نتیجه انتخابات ممکن است مدتی طول بکشد. در انتخابات سال ۲۰۲۰ تا چهار روز بعد از برگزاری انتخابات، نتیجه قابل پیش‌بینی نبود.

موضوعات اصلی کاندیداها چیست؟
مهاجرت از موارد مهم ترامپ است که وعده داده میلیون‌ها مهاجر غیرقانونی را اخراج خواهد کرد و مرزهای ایالات متحده را می‌بندد. موضوع مهم هریس سقط جنین کلیدی است. هریس حقوق باروری را به‌عنوان «آزادی شخصی» مطرح کرده و گفته از آن محافظت خواهد کرد. البته بیش از سه‌چهارم آمریکایی‌ها معتقدند دموکراسی کشورشان در معرض خطر قرار دارد.

درصورت محکوم شدن ترامپ تکلیف چیست؟
او پیشتر در پرونده دادن حق‌السکوت به بازیگر فیلم‌های غیراخلاقی محکوم شناخته شد؛ اما صدور حکمش به پس از انتخابات ریاست‌جمهوری موکول شده است. با این حال، محکومیت‌های او یا حتی احتمال زندانی‌شدنش، موجب عدم صلاحیتش برای سمت ریاست‌جمهوری نمی‌شود.

اگر حالت تساوی پیش بیاید، چه می‌شود؟
تعداد کل آرای الکترال ۵۳۸ و یک عدد زوج است که احتمال تساوی قابل‌تصور است. قبلاً یک بار در سال ۱۸۰۰ این اتفاق افتاده است. اگر هیچ نامزدی به ۲۷۰ رأی لازم برای پیروزی در انتخابات آمریکا نرسد، کنگره جدید رئیس‌جمهور و سنا معاون او را انتخاب می‌کند.

روزنه

انقلاب فرهنگی

فاطمه سیروس
فعال فرهنگی

مفهوم «انقلاب فرهنگی» برای ما تازگی ندارد؛ چراکه در سال ۱۳۵۹ انقلابی به همین نام برای اصلاح نظام آموزشی کشور رخ داد که متأسفانه اثربخشی کافی نداشت.

پس از شکست مفتضحانه رژیم بعث عراق و متحدان غربی و شرقی آن در جنگ هشت ساله با کشورمان، بین نظام جمهوری اسلامی ایران و بلوک غرب، «جنگ سرد» به وقوع پیوست. جنگ سرد شامل درگیری غیرمستقیم بین دو یا چند کشور است که از طریق روش‌های غیرنظامی، مانند رقابت فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، ایدئولوژیکی، تبلیغاتی و روانی انجام می‌شود و هدف از آن کسب نفوذ و شکست رقیب بدون توسل به رویارویی مستقیم نظامی است. از جنگ سرد، با نام‌هایی مانند «تهاجم فرهنگی»، «ناتوی فرهنگی» و «جنگ هیبریدی» نیز نام برده می‌شود.

حضرت امام خامنه‌ای(مدظله‌العالی) در بیانیه گام دوم انقلاب در این‌باره می‌فرمایند: «تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیان‌های غیرقابل‌جبران اخلاقی، اقتصادی، دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است؛ مقابله با آن، جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه می‌طلبد که باز چشم امید در آن به شما جوان‌هاست.»

ایشان همچنین می‌فرمایند: «ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته و فراگیر، امکان بسیار خطرناکی در اختیار کانون‌های ضدّ معنویت و ضدّ اخلاق نهاده است و هم‌اکنون تهاجم روزافزون دشمنان به دل‌های پاک جوانان و نوجوانان و حتی نونهالان با بهره‌گیری از این ابزارها را به‌چشم خود می‌بینیم.» ایشان در ادامه فرمان تنظیم برنامه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت جامع و اجرای آن را صادر کردند و این وظیفه سنگین را بر دوش دستگاه‌های مسئول حکومتی و غیرحکومتی نهادند.

بیان رهبر فرزانه انقلاب برای مقابله با مضامین فرهنگ غربی، در راستای قاعده اسلامی «نفی سبیل» قرار دارد و باید تلاش کنیم وظیفه اسلامی و انقلابی خود را به نحو احسن انجام دهیم.

البته مقصود ما در این مجال ابطال و انکار گذشته فرهنگی نیست؛ اما در سیاست‌های فرهنگی گذشته، لایه‌های غیردفاعی هم وجود دارد و این امر ذهنیت جمعی را نسبت به رویکرد فرهنگی انقلاب واکنشی و تدافعی کرده است.

به نظر می‌رسد، چنین مقاومت و مقابله‌ای، طبیعی و منبعث از سنگ‌بنای غلطی است که جریان چپ در انقلاب گذاشت و براساس آن انسداد فرهنگی و اختناق معرفتی ایجاد کرد و درنهایت این انسداد فرهنگی به‌نام انقلاب تمام شد. متأسفانه نگاه غلط درخصوص مسائل فرهنگی، به انقلاب چهره‌ای خشن، غضبناک و بازدارنده داد. اکنون با جامعه‌ای مواجه هستیم که در گرداب این واقعیت‌ها و روایت‌های فرهنگی افتاده و سرشار از نقد، نفی و مخالفت است. باوجود این، «منِ فرهنگی» جامعه «ما» است. بددلی و بی‌اعتمادی مانعی بنیادی است که امکان تفاهم و تعاون را ستانده و ما را در جدال و معارضه و ستیزه‌گری متوقف کرده است.

برای درمان این نقیصه مزمن، بنابه رهنمودهای رهبر حکیم انقلاب، باید با بازسازی انقلابی در ساختار فرهنگی، این منِ فرهنگی را بهبود داد.

نگاهی به ماجرای تجاوز رژیم صهیونی به حریم جمهوری اسلامی

هوش مصنوعی در میدان نبرد!

نوید کمالی
دبیر گروه راهبرد

هفته گذشته رژیم صهیونی در قالب عملیاتی که نام آن را «روزهای پاسخ» گذاشته بود، به اهدافی در کشورمان حمله کرد. این حمله و ابعاد آن مورد توجه افکار عمومی جهان قرار گرفت؛ اما آنچه پرداختن به آن از نگاه راهبردی ضروری است، بررسی این حمله از نظر تحول فناورانه‌ای است که در عرصه جنگ‌های مدرن و امروزی جهان رخ داده است. در این یادداشت بر آن شدیم تا این موضوع و چرایی توجه به آن در عرصه‌های دفاعی و امنیتی را بررسی کنیم.

با نگاهی به تحولات روز جهان و آنچه در جنگ‌های اوکراین، غزه و لبنان در جریان است، به‌خوبی درمی‌یابیم که عرصه‌های نظامی و دفاعی پیوسته شاهد تحولات بنیادین و فناورانه‌ای هستند. فناوری هوش مصنوعی به‌مثابه یکی از ارکان اصلی این دگرگونی‌ها، نقش بی‌بدیلی در این زمینه ایفا می‌کند. در واقع، با دگرگونی صورت گرفته در حوزه فناوری، جنگ‌ها از ابعاد و ویژگی‌های سنتی فاصله گرفته و در مسیر تبدیل به نبردهای دیجیتال و هوشمند گام برداشته‌اند تا جایی‌که تصمیمات عملیاتی به جای انسان، از طریق سیستم‌های ماشینی مبتنی بر هوش مصنوعی و الگوریتم‌های پیشرفته اتخاذ می‌شوند. این دگرگونی در فناوری‌های جنگی نه‌تنها در بخش‌های تهاجمی، بلکه در پدافند و دفاع نیز نقش اساسی ایفا می‌کنند و دولت‌های بزرگ جهانی، به‌ویژه قدرت‌های غربی، سرمایه‌گذاری گسترده‌ای در توسعه و به‌کارگیری این فناوری‌ها برای دستیابی به برتری نظامی و دفاعی انجام داده‌اند.

اهمیت هوش مصنوعی در صحنه نبردهای امروزی زمانی آشکارتر می‌شود که به نقش آن در عملیات‌های هوایی و سامانه‌های پدافند هوایی بنگریم. یکی از مصادیق این امر، عملیات اخیر هوایی رژیم صهیونیستی علیه کشورمان است که در واکنش به عملیات غرورآفرین «وعده صادق ۲» انجام شد.

عملیات هوایی و موشکی اخیر رژیم صهیوی علیه کشورمان، که با استفاده گسترده از پهپادها و هواپیماهای پنهانکار «اف-۳۵» و فناوری‌های هدایت هوشمند مبتنی بر هوش مصنوعی انجام شد، نمونه‌ای از این دگرگونی‌ها در عرصه جنگ‌های هواپایه به شمار می‌رود. اگرچه با هوشیاری و آمادگی پدافند هوایی کشورمان، بخش قابل توجهی از این حملات خنثی شد، اما حداقل خسارت‌های وارد شده نیز به خوبی نشان می‌دهد، کشورمان باید برای مواجهه با گونه‌های جدید تهدیدات هوشمند آماده شود. از این رو، در چنین وضعیتی بررسی تأثیر هوش مصنوعی بر قابلیت‌های نظامی و دفاعی دشمن و تحلیل نیازمندی‌های کشورمان در مواجهه با این تهدیدات، امری ضروری و راهبردی به‌شمار می‌آید.

نسل جدید جنگ‌ها

با توجه به آنچه بیان شد، در جنگ‌های سنتی و کلاسیک، مانند آنچه در جنگ تحمیلی هشت ساله شاهد بودیم، نقش اصلی فرماندهان نظامی متخصص در تصمیم‌گیری و اجرای عملیات‌ها با تکیه بر تجهیزات و تسلیحات سنگین، همواره برجسته بوده است؛ اما با ورود به عصر دیجیتال و دگرگونی‌های فناورانه در حوزه دفاعی، بسیاری از این ابزارها و تکنیک‌های کلاسیک به مرور جای خود را به سیستم‌های هوشمند و خودکار می‌دهند.

هوش مصنوعی به‌مثابه یک فناوری محوری در این تحول، به واسطه سرعت بالای خود در پردازش و تحلیل داده‌های مرتبط با میدان نبرد، به سازمان‌های نظامی این امکان را داده است که اطلاعات وسیعی را در کمترین زمان ممکن پردازش کنند و تصمیمات بهینه و مناسب‌تری را بگیرند. به‌همین دلیل، دولت‌های غربی با درک اهمیت این موضوع، سرمایه‌گذاری‌های گسترده‌ای در زمینه توسعه کاربردهای نظامی هوش مصنوعی انجام داده‌اند. برای نمونه، ایالات متحده آمریکا از حدود یک دهه قبل، در آژانس‌های دفاعی و امنیتی خود بخش‌های تخصصی هوش مصنوعی را ایجاد کرده است که به‌ویژه در تحلیل و تفسیر داده‌های اطلاعاتی و جاسوسی و هدایت تسلیحات موشکی و هوایی کاربرد دارند. برای نمونه، «سازمان سیا» با تشکیل اداره ویژه هوش مصنوعی در ساختار خود در تلاش است با بهره‌گیری از هوش مصنوعی‌های پیشرفته، مأموریت‌های اطلاعاتی خود را با دقت و کارآمدی بیشتری به انجام برساند.

هوش مصنوعی و پدافند هوایی

تأثیرگذاری هوش مصنوعی در جنگ‌های مدرن نه‌تنها در بخش‌های تهاجمی، بلکه در بخش‌های پدافندی و دفاعی نیز مورد توجه قرار گرفته است. با این حال، کاربرد این فناوری در حوزه پدافند هوایی چالش‌های خاص خود را دارد. حمله هوایی اخیر رژیم صهیونیستی علیه کشورمان از چند جهت تأمل‌برانگیز است؛ از یک سو، این عملیات با وجود استفاده گسترده از فناوری‌های مدرن، ناکامی‌هایی نیز داشت و اهداف پیش‌بینی‌شده را به‌طور کامل محقق نکرد. از سوی دیگر، این عملیات ضعف‌های احتمالی را نیز در سامانه‌های دفاعی ما آشکار کرد. کاربرد فناوری هوش مصنوعی در تجهیزات نظامی دشمن، به‌ویژه در هواپیماهای پنهانکار و پهپادهای هدایت‌گر هوشمند، به این کشورها این امکان را داده است که توانایی حمله و قدرت تهاجمی خود را به طرز چشمگیری ارتقا دهند و به سطحی از آمادگی برسند که بتوانند بدون نیاز به حضور انسانی در میدان نبرد، تصمیم‌گیری‌ها و تاکتیک‌های پیچیده‌ای را پیاده‌سازی کنند. در این زمینه، ارتقای پدافند هوایی کشورمان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

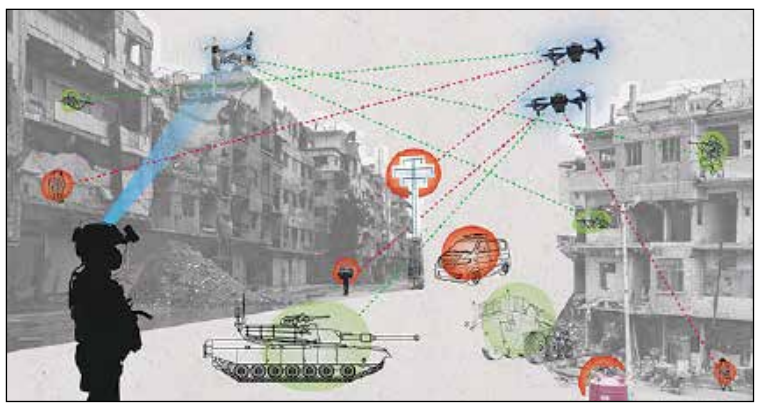

باتوجه به ماهیت تهدیداتی که امروز در منطقه با آنها مواجه هستیم، لازم است سامانه‌های پدافند هوایی به قابلیت‌های پیش‌بینی و تشخیص هوشمند مجهز شوند.

یکی از کاربردهای مهم هوش مصنوعی در پدافند هوایی، استفاده از آن در شناسایی و تحلیل تهدیدات هوایی و هدایت سامانه‌های خودکار دفاعی است. با کمک الگوریتم‌های یادگیری ماشینی و شبکه‌های عصبی، سامانه‌های دفاعی کشورمان می‌توانند به‌طور هوشمند، مسیرهای احتمالی پرواز دشمن، سرعت، ارتفاع و زوایای حمله آنها را شبیه‌سازی و تحلیل کنند و با دقت بیشتری از حریم امن کشورمان دفاع کنند. هوش مصنوعی همچنین می‌تواند در ایجاد سامانه‌های راداری هوشمند به‌کار گرفته شود. استفاده از فناوری هوش مصنوعی، با کاهش نویز و حذف سیگنال‌های مخرب، توانایی شناسایی اهداف پنهانکار و رادارگریز را افزایش می‌دهد. از سوی دیگر، ترکیب این فناوری‌ها با پهپادهای دفاعی و سامانه‌های موشکی پدافند هوایی می‌تواند واکنش سریع‌تر و دقیق‌تری در برابر تهدیدات هوایی را ممکن کند و نقاط ضعف فعلی را پوشش دهد.

همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، پروژه‌های هوش مصنوعی در راستای کسب برتری اطلاعاتی و عملیات‌های جاسوسی در کشورهای غربی، به ویژه آژانس‌های اطلاعاتی و دفاعی ایالات متحده و متحدان اروپایی‌اش و همچنین در رژیم صهیونیستی، درحال توسعه هستند. سازمان «سیا» که به‌نوعی مهم‌ترین نهاد جاسوسی جهان غرب شناخته می‌شود، با اختصاص منابع قابل توجه به حوزه هوش مصنوعی، کاربردهای اطلاعاتی این فناوری را توسعه داده و با استفاده از سیستم‌های پیشرفته مبتنی بر یادگیری عمیق، به تحلیل داده‌های حجیم و شناسایی تهدیدات احتمالی در نقاط مختلف جهان دست می‌زند. این اقدامات به سازمان‌های امنیتی و نظامی غربی امکان می‌دهد با حداقل نیروی انسانی و حداکثر دقت، عملیات‌های اطلاعاتی پیچیده را مدیریت کنند. استفاده از این فناوری‌ها در هدایت تسلیحات و تجزیه و تحلیل محیط عملیاتی، سرعت و دقت عملیات‌ها را به میزان قابل توجهی افزایش داده و به‌نوعی جایگاه این کشورها را در صحنه بین‌المللی تقویت کرده است.

ظرفیت‌های مبتنی بر هوش مصنوعی

توسعه سامانه‌های دفاعی و امنیتی کشورمان براساس اصول و فناوری‌های نوین، ازجمله اولویت‌های ضروری است که باید مدنظر دلسوزان کشور قرار گیرد. سامانه‌های دفاعی کشورمان با ارتقای زیرساخت‌های هوش مصنوعی، می‌توانند توانایی‌های خود را در تحلیل و پیش‌بینی رفتار دشمن و واکنش سریع و دقیق به تهدیدات هواپایه بهبود بخشند. تشکیل واحدهای تخصصی هوش مصنوعی در سازمان‌های دفاعی و امنیتی و تجهیز این واحدها به پیشرفته‌ترین الگوریتم‌ها و تجهیزات پردازشی، گامی راهبردی در راستای افزایش قابلیت‌های پدافند هوایی و دفاعی کشور به شمار می‌آید. با توجه به آنچه در عملیات اخیر رژیم صهیونیستی رخ داد، واضح است که ضعف‌های پدافندی کنونی تنها با پذیرش تغییرات فناورانه و بهره‌گیری از فناوری‌های نوظهور جبران می‌شود. در پایان، می‌توان گفت عملیات اخیر رژیم صهیونیستی علیه کشورمان، با وجود ناکامی نهایی، نشان داد که روندهای حاکم بر جنگ‌های آینده به سمت هوشمندسازی و دیجیتالی شدن پیش می‌روند و ابزارهای جنگی جدید مبتنی بر هوش مصنوعی، با دقت و سرعت بالا می‌توانند حملات پیچیده‌ای را طراحی و اجرا کنند. از این رو، تحولات ساختاری و فناورانه در سامانه‌های پدافند هوایی کشور و توسعه قابلیت‌های مرتبط با هوش مصنوعی، گامی راهبردی در راستای حفاظت از مرزها و تأمین امنیت ملی به‌شمار می‌آیند. آینده‌نگری و تقویت سامانه‌های دفاعی براساس اصول فناوری‌های نوین و دیجیتال، نه‌تنها نیاز امروز است؛ بلکه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای مقابله با تهدیدات منطقه‌ای و بین‌المللی به‌شمار می‌آید.

دیگران

هوش مصنوعی در خدمت ارتش آمریکا

سرگرد مایکل زکیرا
درجه‌دار ارتش آمریکا

پیشرفت هوش مصنوعی (AI) دگرگونی‌های اساسی در زمینه‌های گوناگون ایجاد کرده است. حوزه نظامی نیز به استفاده از هوش مصنوعی توجه دارد. هرچند استفاده مؤثر از آن در جنگ هنوز به‌طور کامل عملی نشده، اما به‌طور خاص، استفاده از هوش مصنوعی به‌منزله ابزاری برای کاهش فشار بر کارکنان ارتش آمریکا مطرح شده است تا زمان بیشتری برای تمرکز بر جنبه‌های انسانی برنامه‌ریزی نظامی فراهم آید.

ارتش آمریکا سال‌هاست از هوش مصنوعی در سیستم‌هایی، مانند «رادار رهگیری پاتریوت» که برای ردیابی و طبقه‌بندی اهداف و پرتاب موشک‌های سطح‌به‌هوا طراحی شده، استفاده می‌کند. همچنین پروژه‌ای به نام «Maven» با استفاده از هوش مصنوعی، تجزیه و تحلیل تصاویر هوایی پهپادها را تسریع می‌کند. در کنار این فناوری‌ها، سامانه‌های جدیدی در حوزه تاکتیکی نیز در حال توسعه هستند و سعی دارند توانایی هوش مصنوعی را به ارتش و میان کارکنان نظامی وارد کنند. این فناوری‌ها به ارتش اجازه می‌دهند در عملیات‌های دفاعی و تهاجمی از توان هوش مصنوعی به‌مثابه یک تقویت‌کننده مؤثر استفاده کنند.

از آنجاکه فرآیند برنامه‌ریزی عملیات در ارتش بسیار پیچیده و زمان‌بر است، هوش مصنوعی می‌تواند نقش اساسی در تسهیل این فرآیند داشته باشد. یکی از بخش‌های مهم این فرآیند تحلیل مأموریت است که از تحلیل محیط و تهدیدها تشکیل شده و به جمع‌آوری و تحلیل حجم زیادی از داده‌ها نیاز دارد. با استفاده از هوش مصنوعی، اطلاعات آب‌وهوایی و جغرافیایی به سرعت پردازش شده و مسیرهای ممکن برای تهاجم و دفاع به‌طور خودکار شناسایی می‌شوند. این کار باعث می‌شود کارکنان نظامی زمان بیشتری برای تمرکز بر جنبه‌های تاکتیکی و انسانی برنامه‌ریزی داشته باشند و بهتر در مقابل تهدیدها تصمیم بگیرند.

به‌علاوه، تحلیل اطلاعات مربوط به تهدیدها با استفاده از مدل‌های هوش مصنوعی در شبکه‌های امن داخلی می‌تواند به‌صورت جامع‌تری انجام شود و نیاز به جست‌وجوی دستی اطلاعات کاهش یابد. این زمان‌بری کمتر در جست‌وجوی داده‌ها، فرصت بیشتری را برای توسعه استراتژی‌های عملیاتی مؤثرتر فراهم می‌کند.

یکی از مزایای عمده هوش مصنوعی، امکان تولید سریع گزارش‌های مختلف، مانند گزارش وضعیت تدارکات و آمادگی نیروهاست که به فرماندهان کمک می‌کند به سرعت تصمیم‌گیری کنند و اطلاعات لازم را به سایر واحدها انتقال دهند. هرچند این فناوری در حال حاضر تنها برای ستادهای فرماندهی ارتش در دسترس است، اما انتظار می‌رود با پیشرفت تکنولوژی، این قابلیت‌ها در سطح تاکتیکی نیز قابل اجرا شوند.

استفاده گسترده از هوش مصنوعی در برنامه‌ریزی نظامی با چالش‌ها و تهدیداتی نیز همراه است. ازجمله این خطرها، تکیه بیش‌ازحد به سیستم‌های هوش مصنوعی است که می‌تواند به کاهش مهارت‌های انسانی در تصمیم‌گیری منجر شود. به‌همین دلیل، کارکنان نظامی باید برای اطمینان از صحت داده‌ها تمرین‌های مداومی انجام دهند تا از اتخاذ تصمیمات نادرست جلوگیری کنند. از سوی دیگر، نبود زیرساخت‌های لازم در برخی شرایط عملیاتی می‌تواند اجرای مدل‌های هوش مصنوعی را دشوار کند و آموزش کارکنان برای عملکرد بدون کمک هوش مصنوعی ضروری است.

درنتیجه، هوش مصنوعی ظرفیت آن را دارد که فرآیندهای عملیاتی ارتش را بهبود بخشد و زمان بیشتری را برای آمادسازی نیروها فراهم کند. این فناوری می‌تواند به ارتش کمک کند تا با سرعت بیشتری به عملیات دست بزند و خسارات انسانی را به کمترین حد ممکن برساند.

پی‌نوشت: ترجمه اختصاصی هفته‌نامه صبح صادق

اندیشکده

بگین سادات (BESA)

فریدون حیدری حویق
کارشناس سیاسی

آشنایی با یکی از مهم‌ترین اندیشکده‌های صهیونی مؤثر در جنگ‌افروزی‌های رژیم

اندیشکده «مرکز مطالعات استراتژیک بگین سادات» موسوم به «BESA» یکی از مهم‌ترین نهادهای فکری در سرزمین‌های اشغالی فلسطین به شمار می‌آید که با تمرکز بر مسائل امنیت ملی رژیم صهیونی در حوزه پژوهش‌های راهبردی فعالیت می‌کند. این مرکز در سال‌های اخیر به دلیل دستاوردهای متنوع خود در راستای سیاست‌های امنیتی و نظامی رژیم صهیونیستی، به جایگاه ویژه‌ای در نظام حکمرانی فکری این رژیم دست یافته است. این اندیشکده در دانشگاه «بار ایلان» تأسیس شده و در چارچوب اصول ایدئولوژیک رژیم صهیونیستی عمل کرده و رویکردی عملی و کاربست‌محور به پژوهش‌های خود دارد. هدف اصلی این اندیشکده تقویت جایگاه رژیم صهیونیستی در منطقه غرب آسیا از طریق ارائه راهکارهایی است که امنیت و ثبات مورد نظر این رژیم را تضمین کند و در عین حال نقش این رژیم را به مثابه یک بازیگر کلیدی در تحولات منطقه‌ای و جهانی برجسته کند.

اندیشکده بگین سادات از همان ابتدا با رویکردی راست‌گرایانه و متمایل به نظامی‌گری، مدافع سیاست‌های امنیتی رژیم شناخته شده و با طرح موضوعاتی، همچون تهدیدات احتمالی از سوی کشورهای عربی و لزوم گسترش مناسبات با کشورهای دیگر نظیر ترکیه و هند، در راستای حمایت از اهداف امنیتی این رژیم حرکت کرده است. از مهم‌ترین مباحثی که این مرکز بر آن تأکید دارد، لزوم تحکیم موقعیت رژیم صهیونی در برابر تهدیدات منطقه‌ای و به‌ویژه مقابله با ایده تشکیل دولت مستقل فلسطین است. این اندیشکده در این زمینه به‌طور مکرر پیشنهادهایی را مطرح کرده است که از جمله می‌توان به پیشنهاد تقسیم مجدد اراضی اشغالی با مشارکت کشورهای همسایه، همچون مصر و اردن اشاره کرد. در این چارچوب کنترل بیشتر بر مناطق فلسطینی بدون اعطای حقوق واقعی به فلسطینیان مورد تأکید قرار گرفته است.

یکی از رویکردهای ویژه این اندیشکده در سال‌های اخیر، تلاش برای به چالش کشیدن گفتمان‌های بین‌المللی و نهادهای حقوق بشری است که از رژیم صهیونی به دلیل سیاست‌هایش در برابر فلسطینیان انتقاد می‌کنند. این اندیشکده با تولید محتوا و پژوهش‌های متعدد تلاش می‌کند روایت‌های متفاوتی از مسائل منطقه‌ای ارائه دهد که در آنها رژیم صهیونی نه به منزله یک نیروی اشغالگر، بلکه به مثابه نیروی حامی صلح و ثبات در منطقه معرفی شود.

به لحاظ ساختار، اندیشکده «بگین سادات» شبکه‌ای از محققان و تحلیلگران سیاسی و نظامی را دارد که با اتکا به تجربیات نظامی و آکادمیک خود، تحلیل‌های متفاوتی از تهدیدات منطقه‌ای و بین‌المللی ارائه می‌دهند. این محققان عمدتاً در پی تقویت سیاست‌های متجاوزکارانه رژیم صهیونیستی و ترویج ایده‌هایی هستند که بر حفظ برتری نظامی و سیاسی رژیم تأکید دارند. در این میان، روابط رژیم صهیونی با قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی نیز مورد توجه ویژه این اندیشکده است و با برجسته کردن تهدیدات احتمالی از سوی کشورهای اسلامی منطقه و بزرگ‌نمایی آنها در سطح بین‌المللی، سعی دارد همگرایی بین‌المللی بیشتری را در حمایت از رژیم ایجاد کند.

از سوی دیگر، این اندیشکده به دنبال تقویت ارتباطات رژیم با کشورهای دارای اهمیت راهبردی در منطقه است. یکی از اقدامات قابل توجه این مرکز، تلاش برای بهبود روابط رژیم صهیونی با ترکیه و هند به منزله دو کشور کلیدی و تأثیرگذار در سیاست‌های منطقه‌ای است. برقراری این نوع از ارتباطات به رژیم کمک می‌کند تا نفوذ خود را در مناطقی که اهمیت راهبردی دارند، گسترش دهد و همچنین به مثابه عاملی برای تضعیف جریان‌های مقاومت در منطقه به‌ویژه کشورمان عمل کند. این نوع تعاملات، بخشی از دیپلماسی عمومی رژیم صهیونیستی است که از سوی این اندیشکده به شکلی هدفمند پیگیری می‌شود تا این رژیم را یک قدرت مشروع و باثبات در منطقه معرفی کند.

در مجموع، اندیشکده بگین سادات با رویکردی راهبردی و همه‌جانبه، در تلاش است از طریق پژوهش‌های سیاست‌محور، جایگاه رژیم صهیونیستی را در سطح منطقه و جهان تقویت کند و افکار عمومی را به سوی حمایت از سیاست‌های این رژیم سوق دهد. این مرکز به مثابه یکی از عناصر مهم در حکمرانی فکری رژیم صهیونی، در همگامی با دیگر اندیشکده‌های راست‌گرای این کشور، نقش مهمی در ارائه راهبردهای سیاستی دارد که امنیت و بقای رژیم را مورد تأکید و توجه قرار می‌دهند و در عین حال، زمینه‌ساز مشروعیت‌بخشی به سیاست‌های نظامی‌گرایانه این رژیم در سطح بین‌المللی است.

انتخابات غیر اجتماعی آمریکا

شکاف یونگی‌ها

زهرا توحیدیان
دبیر گروه بین‌الملل

آمریکایی‌ها روز سه‌شنبه، ۱۵ آبان‌ماه پای صندوق‌های رأی می‌روند تا کاخ سفید را به رئیس‌جمهور بعدی بسپارند. آنچه رسانه‌های آمریکایی دوست دارند جهان از رقابت‌های انتخاباتی آمریکا بشنود، برگزاری مسابقه‌ای نفس‌گیر برای رسیدن نخستین زن به اتاق بیضی است. فارغ از آنکه چه کسی جانشین بایدن می‌شود، «کاملا هریس» دموکرات باشد یا «دونالد ترامپ» جمهوری‌خواه، موضوع مهم‌تر آن است که با جامعه‌ای از هم گسیخته و سرخورده روبه‌روست. بحران شکاف اجتماعی آمریکا هر سال تشدید می‌شود و ریشه و پیامدهای آن، از آنچه تصور می‌شود، بدتر است؛ انعکاس این بحران را می‌توان در آینه رقابت‌های انتخاباتی این روزها دید.

همان‌طور که به تازگی گزارش اندیشکده «چتم‌هاوس» می‌گوید، آمریکا به‌طور بی‌سابقه‌ای با طبقه‌بندی براساس «نظرات سیاسی و ایدئولوژیک» در جامعه خود روبه‌روست. به عبارت دیگر، آمریکایی‌ها «به‌طور فزاینده‌ای از طرفداران طرف مقابل خود منزجر شده‌اند و اگر کسی از حزب مقابل آنها به قدرت برسد، آن را نه تأسف‌بار، که غیرمشروع می‌دانند.» بر اساس این گزارش، مردم آمریکا چنان درگیر سلایق سیاسی و ایدئولوژیک‌شان هستند که تقریباً فقط با هم‌نظران خود حشر و نشر دارند و از دوستیابی، ازدواج و حتی معاشرت با افراد حزب دیگر به شدت بیزارند. این توصیف همان چیزی است که کارشناسان «بیماری فرقه‌گرایی» یک کشور می‌خوانند.

چاقویی که دسته خود را برید

جهان هرج‌ومرج فرقه‌گرایی را به‌خوبی در کشورهای غرب آسیا دیده است. سال‌ها برنامه‌های پنهان ایالات متحده برای یارگیری و تفرقه‌افکنی در این منطقه، از مسیر دامن‌زدن به اختلافات مذهبی رد شده و تأثیرات مخربی بر زندگی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی داشته است. صدها هزار نفر در سوریه، عراق، لبنان، بحرین، عربستان سعودی و لیبی به‌دلیل خشونت‌های مبتنی بر فرقه کشته و میلیون‌ها نفر از خانه‌های خود آواره شده‌اند. شاید آمریکا امروز از وقوع چنین سناریویی فاصله داشته باشد (چراکه در آمریکا سفارتخانه آمریکا وجود ندارد تا با موج سواری از این شکاف‌ها به کودتا برسد)، اما به زعم کارشناسان، علایم هشداردهنده اولیه‌ای وجود دارد که می‌گوید آنچه «ایروینگ هو» نظریه‌پرداز اجتماعی آمریکایی، «اقتدارگرایی معرفت‌شناختی» می‌نامد (یا احساس قاطعانه فرد که بازی حاصل صفر است)، در چشم‌انداز سیاسی آمریکا به وضوح قابل مشاهده است.

شاهد مثال ادعاهای نادرست ترامپ درباره اینکه ایالت‌های دموکرات نوزادان را پس از تولد اعدام کرده‌اند، یا اینکه مهاجران در حال خوردن حیوانات خانگی بوده‌اند، بدون توجه به صحت و سقم آنها به سرعت در رسانه‌های اجتماعی وایرال شد. حتی «جی دی ونس» نامزد معاونت ریاست جمهوری ترامپ، در واکنش به این موضوع استدلال کرد «حقیقت برای افشای تخلفات ضروری نیست.» پیروان ترامپ به حقیقت بها نمی‌دهند و تنها می‌کوشند موضع خود را درباره یک موضوع خاص توجیه کنند. این امر نشان می‌دهد تظلم ابزاری است برای تقویت انسجام درون‌گروهی و تحقیر جناح مقابل. در چنین شرایطی، جامعه آمریکا به اردوگاه‌هایی تقسیم شده که به یکدیگر بی‌اعتمادند و با نوعی قطبی‌سازی احساسی، که رنگ و بوی سیاسی به‌خود گرفته، از یکدیگر جدا شده‌اند؛ همان احساساتی که خصومت سیاسی و اجتماعی بر اساس آن بنا شده است.

در انتظار ناآرامی‌های پساانتخاباتی

اولین دستاورد این شکاف فزاینده، روز پس از انتخابات است. با به بن‌بست‌رسیدن نظرسنجی‌ها، آشوب و بی‌نظمی پس از برگزاری انتخابات دور از انتظار نیست. قطبی‌شدن شدید جامعه آمریکا، یعنی تقریباً نیمی از رأی‌دهندگان در صورت شکست نامزد مورد نظرشان از نتیجه انتخابات ناراضی خواهند بود. این احساسات می‌تواند به خشونت تبدیل شود، به‌ویژه با لحاظ حمله سال ۲۰۲۱ به ساختمان کنگره و موجی از حملات اخیر به شخصیت‌های سیاسی آمریکا.

مؤسسه «اکونومیک اینتلیجنس» وابسته به مجموعه رسانه‌ای اکونومیک در تحلیلی از سناریوهای پسا انتخاباتی نوشت که اگر ترامپ در انتخابات شکست بخورد، پیش‌بینی می‌شود نتیجه را نپذیرفته و با تهییج افکار عمومی و خشونت بالقوه آن را به چالش بکشد. او بارها اعلام کرده تنها تقلب است که می‌تواند سبب شکست او شود و این امر موجب شده است حامیانش و برخی قانون‌گذاران جمهوری‌خواه، حتی قبل از برگزاری انتخابات، پیروزی هریس را زیر سؤال ببرند. از سوی دیگر، اگر ترامپ با درصد کمی نسبت به هریس پیشتاز شود، دموکرات‌ها نیز احتمالاً نتایج را به چالش می‌کشند. به ویژه اگر اقدامات جدی در این زمینه روی دهد؛ مانند تخریب صندوق‌های رأی، همان‌طور که به تازگی در اورگان و واشنگتن رخ داده است.

تحلیل

ضربه بریکس

نظم جهانی تغییر می‌کند؟

«ایوانا استرادنر» پژوهشگر «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» در واشنگتن، در گزارش تحلیلی خود برای تارنمای نشریه بریتانیایی «تلگراف» نوشت: «در حالی که برخی در غرب ممکن است هدف پوتین در بهره‌برداری از بریکس را کاهش وابستگی به دلار آمریکا و سیستم سوئیفت بدانند؛ اما این موضوع اصلی نیست. شعار اجلاس، «تقویت چندجانبه‌گرایی برای توسعه و امنیت عادلانه در جهان» است که نشان‌دهنده تلاش‌های تازه مسکو برای ایجاد نظم جهانی چندقطبی جدید است.»

نویسنده با بیان اینکه بریکس نامی است که از حروف اول کشورهای بنیان‌گذار برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی گرفته شده است، افزود: «کشورهای بریکس تقریباً نیمی از جمعیت جهان و بیش از یک‌سوم تولید اقتصادی جهانی را تشکیل می‌دهند. با توجه به هدف اعلامی بریکس در زمینه چندقطبی‌گرایی و برای به چالش کشیدن دنیای تحت سلطه آمریکا، این گروه به یک بستر تبلیغاتی ایده‌آل برای گسترش سیاست‌های ضد غربی تبدیل شده است.»

در این گزارش آمده است: «مسکو نظم جهانی غربی را در حال فروپاشی می‌بیند و به دنبال ترویج یک موازنه جهانی جدید است که در آن نقش مرکزی داشته باشد. پوتین پی در پی به سلطه آمریکا انتقاد دارد و از دورنمای «جهان چندقطبی» جدیدی صحبت می‌کند. ناکامی کشورهای غربی در مقابله با تبلیغات روسیه، به این سازمان اجازه داده است تا تقویت شود. این بلوک همچنان به جذب اعضای جدید ادامه می‌دهد و این هفته ۱۳ کشور جدید را به‌عنوان کشورهای شریک به اتحاد خود افزود.»

این رسانه غربی با اشاره به حضور دبیرکل سازمان ملل در نشست اخیر بریکس نوشت: «در حالی که روسیه برای بازسازی نظم لیبرالی تحت رهبری غرب تلاش می کند، تصمیم آنتونیو گوترش برای شرکت در این اجلاس با انتقادات زیادی در غرب مواجه شد؛ زیرا گوترش درخواست کی‌یف در ژوئن سال گذشته را برای حضور در یک اجلاس جهانی صلح در سوئیس رد کرده بود.»

پنجره

سهم ۷۰ درصدی

نسل‌کشی در غزه چقدر برای دولت بایدن خرج برداشته است؟

اندیشکده «واتسون» دانشگاه «براون» در گزارشی مطرح کرد، آمریکا از آغاز جنگ غزه، بیش از ۲۲ میلیارد دلار کمک‌های نظامی به رژیم صهیونی ارائه کرده است که تسلیحات و تجهیزات و اعزام ناوهای هواپیمابر به نزدیکی اراضی اشغالی را شامل می‌شود. حدود ۱۷.۹ میلیارد دلار آن، به طور مستقیم صرف کمک‌های نظامی به رژیم صهیونی و ۴.۸۶ میلیارد دلار آن نیز صرف عملیات‌های نظامی آمریکا در این منطقه جنگی شده است.

در مقاله این اندیشکده با عنوان «هزینه‌های آمریکا در زمینه عملیات‌های نظامی اسرائیل و عملیات‌های مرتبط آمریکا در منطقه، از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ تا ۳۰ سپتامبر ۲۰۲۴» آمده است: «برای مردم آمریکا، روزنامه‌نگاران و اعضای کنگره، فهم دقیق میزان تجهیزات و کمک‌های نظامی ارائه شده دولت آمریکا به ارتش اسرائیل طی یک سالی که از این جنگ گذشته، دشوار بوده است. همچنین، آگاهی عمومی کمی از هزینه‌های ارتش آمریکا در عملیات‌های مرتبط به آن در منطقه، به‌ویژه در یمن وجود داشته است.»

طبق آمارهای رسمی بانک مرکزی رژیم صهیونیستی، هزینه کلی جنگ حدود ۲۵۰ میلیارد شکل (۶۵ میلیارد دلار) برآورد شده و برنامه‌های ارتش، از جمله عملیات‌ها، تجدید قوای آن و حمایت‌های لجستیکی از آن حدود ۱۱۸ میلیارد شکل (۳۱ میلیارد دلار) هزینه دارد. بنابراین، آمریکا هزینه حدود ۷۰ درصد از این جنگ را پرداخت کرده است.

این روزنامه در ادامه گزارش خود آورده است: «اگرچه این محاسبات دقیق نیست، به دلیل اینکه بدون کمک آمریکا، کسری بودجه اسرائیل در بازه ۲۰۲۴ تا ۲۰۲۵ به میزان بی‌سابقه‌ای می‌رسید، یعنی ۴.۳ درصد بیشتر از میزان تولید ناخالص داخلی، تردیدی نیست. از این رو، نمی‌توان با اطمینان گفت که این جنگ بدون کمک‌های آمریکا، با شدت و گستره فعلی آن انجام می‌شد.»

طبق این سند، رژیم صهیونیستی از زمان جنگ جهانی دوم، بیشترین کمک‌های نظامی آمریکا را دریافت کرده که طی ۶۶ سال، ارزش کل آن ۲۵۱.۲ میلیارد دلار است.

تاریک‌ترین لحظه

«وولکر ترک» کمیسر حقوق بشر سازمان ملل متحد هشدار داد، «تاریک‌ترین لحظه» جنگ در حال وقوع است. وی افزود: «وضعیت غیرقابل تصور روزبه‌روز بدتر می‌شود. شدیدترین ترس من این است که با توجه به شدت، گستردگی، مقیاس و ماهیت آشکار عملیات اسرائیل که در حال حاضر در شمال غزه در حال انجام است، این تعداد تلفات به طرز چشمگیری افزایش خواهد یافت. ما با اقداماتی که می‌تواند به جنایات وحشیانه تبدیل شود، از جمله جنایات علیه بشریت، روبه‌رو هستیم.» ترک هشدار داد، سیاست‌های رژیم صهیونی در شمال غزه «خطر خالی کردن منطقه از تمام فلسطینی‌ها» را به دنبال دارد.

راهبرد اشتباه

«پیتر سیجارتو» وزیر خارجه مجارستان گفت: «رهبران غربی فهمیده‌اند که راهبردی اشتباه در قبال اوکراین اتخاذ کردند.» وی افزود: «اوضاع در دنیای دو سوی اقیانوس اطلس دشوار است، زیرا رهبران سیاسی غرب فهمیده‌اند که راهبرد بسیار بد و اشتباهی را در قبال اوکراین اتخاذ کرده‌اند؛ اما شجاعت ندارند به طور علنی به آن اذعان کنند. این راهبرد مبتنی بر ارسال تسلیحات زیاد به اوکراین و تحریم‌های روسی است.» سیجارتو با تأکید بر اینکه راه برون‌رفت از مناقشه اوکراین، یک راهبرد صلح‌آمیز است، خاطرنشان کرد: «تحریم‌ها تأثیرگذار نیستند و تسلیحات نیز اوضاع میدان جنگ را تغییر نمی‌دهند.»

غیرقابل قبول

«آنتونیو گوترش» دبیرکل سازمان ملل، تصویب قانون جلوگیری از فعالیت آژانس امدادرسانی و کاریابی برای آوارگان فلسطینی در سرزمین‌های اشغالی (آنروا) در کنست (پارلمان رژیم صهیونی) را غیرقابل قبول خواند و گفت: «قانون اسرائیل علیه آنروا می‌تواند عواقب مخربی برای آوارگان فلسطینی داشته باشد.» وی افزود: «هیچ جایگزینی برای این آژانس وجود ندارد و ادامه فعالیت آن لازم و ضروری است. قانون تصویب شده از سوی کنست علیه آنروا برای حل مناقشه میان اسرائیل و فلسطین مضر است و به مشکلات بیشتری منجر خواهد شد. همچنین تهدیدی علیه صلح و امنیت در کل منطقه غرب آسیاست.»

پیشخوان

لکه ننگ انگلیس

نشریه «ویک» در گزارشی نوشت: «احکام حبس نامعین، احکام نامشخصی بود که توسط دادگاه‌های انگلستان و ولز بین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۲ برای مجرمانی صادر شد که احتمال می‌رفت می‌توانند به مردم آسیب جدی برسانند؛ این افراد تا زمانی که دیگر چنین خطری را نداشته باشند، به زندان می‌افتادند.»

به گزارش این نشریه، بین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۲، ۸ هزار و ۷۱۱ فرد در انگلیس که ۲۴۹ نفرشان زن بودند، احکام حبس نامحدود را دریافت کردند. از این میان، ۱۲۰۰ نفر به طور مداوم در زندان بودند و اکثریت افراد به دلایل متعدد به زندان فراخوانده شدند. نکته اینجاست که بسیاری از افرادی که به حبس نامحدود محکوم شدند، جنایات نسبتاً پایینی را مرتکب شده بودند؛ برای نمونه، «مارتین مایرز» در سال ۲۰۰۶، مردی را که از دادن سیگار به او خودداری کرده بود، تهدید کرد. او به ۱۹ ماه و ۲۷ روز حبس نامحدود محکوم شده و پس از گذشته ۱۸ سال همچنان در زندان است.

«دیوید بلانکت» وزیر کشور حزب کارگر که این قانون را ایجاد کرده، آن را «بزرگ‌ترین پشیمانی» زندگی کاری خود توصیف کرده و «لرد براون» قاضی سابق دیوان عالی، آن را لکه‌ای بر سیستم عدلیه بریتانیا خوانده است.

انبار خالی آمریکا

روزنامه «وال‌استریت ژورنال» نوشت: «آمریکا با کمبود برخی از موشک‌های پدافند هوایی مواجه شده و این موضوع در خصوص آمادگی پنتاگون برای پاسخ به استمرار درگیری‌ها در غرب آسیا و اروپا و درگیری احتمالی در دریای آرام شبهاتی را ایجاد کرده است. موشک‌های «استاندارد» که معمولاً از کشتی پرتاب می‌شوند و انواع گوناگون دارند، از رایج‌ترین موشک‌های رهگیری هستند که واشنگتن برای دفاع از اسرائیل در برابر حملات موشکی ایران استفاده کرده و برای توقف حملات انصارالله یمن به کشتی‌های غربی در دریای سرخ نیز حیاتی است.» وال‌استریت ژورنال ادامه داد: «پنتاگون هرگز آمار ذخایر نظامی خود را فاش نمی‌کند؛ اما استفاده زیاد از ذخیره محدود موشک‌های رهگیر، نگرانی‌ها را درباره توانایی آمریکا و متحدانش برای همگام شدن با تقاضای بالا و غیرمنتظره ایجاد شده به دلیل جنگ‌های خاورمیانه و اوکراین افزایش داده است.» به گفته این روزنامه، از طرف دیگر، افزایش تولید تسلیحات برای پنتاگون دشوار است؛ زیرا اغلب مستلزم آن است که شرکت‌ها خطوط تولید جدید باز کنند، امکانات را گسترش دهند و کارگران بیشتری را استخدام کنند. نگرانی در زمینه کمبود موشک‌های رهگیر سبب شده است مقامات ارشد پنتاگون به دنبال فناوری‌های جایگزین باشند.

بررسی بودجه ۱۴۰۴ در گفت‌وگوی صبح صادق با عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس

راه تأمین کسری بودجه مشخص نیست!

میلاد شکری
خبرنگار

کارشناس و تحلیلگر مسائل اقتصادی گفت: «در لایحه بودجه ۱۴۰۴ شاهد افزایش ۴۰ درصدی بودجه عمرانی هستیم، اما به نظر نمی‌رسد این بودجه محقق شود؛ چرا که اصولاً از بودجه عمرانی برای تأمین هزینه‌های جاری کسر می‌شود. متأسفانه در دولت‌های مختلف شاهد این روند منفی و پیامدهای آن بر پیکره اقتصاد ایران بوده‌ایم.»

«مرتضی عزتی» اقتصاددان و عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس در گفت‌وگو با صبح صادق با اشاره به این موضوع که «لایحه بودجه سال ۱۴۰۴ با وجود آنکه دولت چهاردهم ادعا می‌کند تورمی نیست، تورمی است» گفت: «بودجه سال ۱۴۰۴ حدود ۶۸ درصد افزایش یافته است؛ یعنی بدون در نظر گرفتن درآمدهای اقتصادی دستگاه‌ها مجموع بودجه تجمیع یافته دولت ۶۸ درصد افزایش یافته است که در مقایسه با تورم موجود، عدد بالایی به شمار می‌آید.»

وی در این باره خاطرنشان کرد: «بودجه جاری و عمومی دولت در سال آینده در مقایسه با سال جاری افزایش قابل توجهی یافته است؛ البته این بودجه با بودجه هدفمندی و مشابه آن در نظر گرفته شده و تجمیع شده، با این حال افزایش قابل توجهی داشته و اصطلاحاً وضعیتی انبساطی دارد.»

کارشناس و تحلیلگر مسائل اقتصادی و عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس گفت: «کسری قابل توجه در بودجه سال ۱۴۰۴ از جهاتی تأمل‌برانگیز است و این پرسش مطرح می‌شود که دولت با کدام منابع مالی می‌تواند کسری بودجه را پوشش دهد، با توجه به اینکه دولت امسال موفق به تأمین غیر تورمی کسری بودجه نشد! بنابراین با کسری قابل توجهی دست و پنجه نرم کرد که آثار تورمی خود را در فصل پاییز و تا اواخر سال نشان خواهد داد.»

این کارشناس و تحلیلگر مسائل اقتصادی درباره موضوع «مالیات» در بودجه سال آینده معتقد است: «آنچه مشخص است اینکه در لایحه پیشنهادی بودجه مالیات نزدیک به ۴۰ درصد اضافه شده است، یعنی میزان مالیات در نظر گرفته شده کمتر از ۶۸ درصد مجموع بودجه تجمیع یافته دولت است. حال این سؤال مطرح می‌شود که با اینکه قرار نیست درآمدها و صادرات نفت در سال آینده اضافه شود و بخش مالیات نیز قرار نیست منبع درآمد قابل توجهی برای دولت باشد با توجه به اینکه دولت نظری بر افزایش مالیات ندارد، لذا منابع مالی مورد نیاز دولت چگونه تأمین می‌شود؟ یعنی نه قرار است درآمدهای مالیاتی بیشتر شود و نه فروش نفت، اما هزینه‌های دولت به شدت افزایش داشته است، این افزایش هزینه‌ها قرار است از چه محلی تأمین شود؟»

وی در ادامه بحث خاطر نشان کرد: «از آن سو دولت اعلام کرده نرخ ارز نیمایی و ثنا را نیز افزایش نمی‌دهد، پس مشخص شد درآمدهای ارزی دولت اضافه نمی‌شود و قرار نیست سال آینده درآمدهای اقتصادی دولت افزایش چندانی داشته باشد، با این حال هزینه‌ها افزایش داشته‌اند که در این موضوعات با هم تناقض وجود دارد.»

مرتضی عزتی تأکید کرد: «با توجه به اینکه دولت بر این موضوع تأکید کرده که برنامه‌ای برای افزایش قیمت بنزین در سال آینده ندارد، پس در اینجا نیز قرار نیست منبع مالی جدیدی به منابع مالی دولت اضافه شود.»

عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس درباره میزان کسری بودجه سال آینده خاطر نشان کرد: «با توجه به اینکه سال جاری هنوز به پایان نرسیده و به طور مشخص نمی‌توانیم درباره میزان کسری بودجه امسال سخنی بگوییم، چرا که ارقام مشخص نیست حتی اگر کسری ۱۲ درصدی را که برای سال جاری پیش‌بینی شده بود، محتمل بدانیم و میزان آن را افزایش ندهیم، در سال آینده بیش از ۲۰ درصد کسری بودجه خواهیم داشت، یعنی دو برابر امسال کسری بودجه حتمی است.»

این استاد اقتصاد معتقد است: «اگر دولت کسری ۲۰ درصدی در بودجه سال آینده داشته باشد و سرنوشت درآمدهای نفتی و تحریم‌ها مشخص نباشد، به این معناست که دولت هیچ راهکاری به جز افزایش قیمت‌ها، اعم از قیمت ارز یا بنزین در سال آینده ندارد.»

وی در این باره توضیح بیشتری داد و گفت: «هر چند دولت اعلام کرده علاقه‌ای به افزایش نرخ ارز نیما و ثنا ندارد، اما به آرامی و به تدریج در سکوت خبری در حال بالا بردن قیمت ارز دولتی است، به شکلی که شاهد هستیم نرخ ارز نیمایی و سامانه‌های دولتی را حتی تا بیش از ۵۰ هزار تومان بالا برده است و صرفاً در حرف و بیان می‌گوید قصد چنین کاری نداریم! اما در واقعیت این اتفاق در حال رخ دادن است.»

این کارشناس اقتصادی در این باره تأکید کرد: «با توجه به اینکه نرخ ارز در بازار آزاد حدود ۱۵ هزار تومان از نرخ ارز دولتی بیشتر است، اینکه دولت دلار نیمایی را از حدود ۴۲ هزار تومان به بیش از ۵۰ هزار تومان رسانده و ارز با نرخ آزاد نیز به همین نسبت بالا رفته، نشان می‌دهد دولت از این راه منابع مالی مورد نیاز خود را تأمین می‌کند، اما مسئله افزایش نرخ تورم را که خط قرمز مردم است، نادیده گرفته است.»

عزتی افزود: «یکی از اصلی‌ترین مطالبات مردم از دولت یا همه دولت‌ها کاهش تورم و ثبات قیمت‌هاست، با این حال به نظر نمی‌رسد دولت آقای پزشکیان در تنش‌های سیاسی منطقه‌ای و کسری بودجه‌ای که مشهود است، موفق به جلوگیری از افزایش تورم یا کاهش آن شود! چرا که کسری بودجه بسیار زیاد و تلاش برای بالا بردن نرخ ارز مؤلفه‌های بسیار اثرگذاری در افزایش میزان تورم به شمار می‌روند که تا اینجای کار دولت چهاردهم نسبت به موضوعات معیشتی و مسئله تورم بی‌تفاوت بوده است.»

این کارشناس و تحلیلگر اقتصادی افزود: «در صورتی که نمایندگان در مجلس بتوانند در هزینه‌ها صرفه‌جویی کنند و بودجه بخش‌هایی که نباید بودجه بگیرند یا بخش‌های ناکارآمد را کم یا قطع کنند، شاید مقداری از کسری بودجه کم شود، اما با این حال رقم کسری بودجه به قدری است که نمی‌توان از آن چشم‌پوشی کرد.»

مرتضی عزتی خاطر نشان کرد: «افزایش قیمت ارز اثر بسیاری روی افزایش میزان تورم دارد و افزایش تورم نیز نرخ ارز را از خود متأثر می‌کند؛ یعنی هر کدام از دیگری تأثیر می‌پذیرند. در صورتی که وارد بازی افزایش نرخ ارز برای جبران کسری بودجه شویم، با توجه به اثری که روی بالا رفتن قیمت‌ها می‌گذارد و تأمین نشدن معاش مردم از سوی دولت و در نظر گرفتن راه‌های حمایتی از اقشار ضعیف جامعه بی‌شک دهک‌های آسیب‌پذیر، سال آینده فشار تورمی بیشتری متحمل می‌شوند.»

عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس درباره بودجه عمرانی نیز گفت: «با اینکه در لایحه بودجه ۱۴۰۴ افزایش ۴۰ درصدی برای بودجه عمرانی در نظر گرفته شده است، اما به نظر نمی‌رسد این بودجه محقق شود؛ چرا که اصولاً از بودجه عمرانی برای تأمین هزینه‌های جاری کسر می‌شود. متأسفانه، در دولت‌های مختلف شاهد این روند منفی و پیامدهای آن بر پیکره اقتصاد بوده‌ایم.»

وی در این باره خاطر نشان کرد: «کاهش بودجه عمرانی یا عملیاتی نشدن بودجه عمرانی به زیان کشور است؛ چرا که مانع توسعه زیرساخت‌هایی می‌شود که کارآفرین و ایجادکننده شغل و رفاه‌آفرین است. در صورتی که زیرساخت‌های اقتصادی توسعه نیابند و بنگاه‌های تولیدی فعالیت صددرصدی نداشته باشند یا حجم فعالیت آنها درخور نباشد، قطعاً نمی‌توان به ایجاد اشتغال و رفاه و افزایش درآمد مردم و کاهش نارضایتی‌ها امیدوار بود.»

یادداشت

تکرار ماجرای بودجه شرکت‌های دولتی

میثم مهرپور
کارشناس اقتصادی

کلیات لایحه بودجه سال ۱۴۰۴ روزهای گذشته در مجلس به تصویب رسید. لایحه‌ای که کل منابع بودجه در آن با رشدی ۶۸ درصدی همراه است و نشان می‌دهد، بودجه سال آینده انبساطی است. با وجود رشد ۶۸ درصدی بودجه، در بخش درآمدها در حوزه درآمدهای نفتی و مالیاتی ـ که دو رکن اصلی درآمدی دولت به‌شمار می‌آیند ـ تغییر چندانی رخ نداده است و به نظر می‌رسد عمده درآمدهای جدید دولت همچون گذشته از واگذاری دارایی‌ها و استقراض تأمین شود. این موضوع نگرانی‌های بسیاری را در زمینه تورمی بودن بودجه سال آینده ایجاد کرده است. افزون بر موضوعی که بیان شد، یکی از نکات عجیب و جالب این لایحه، موضوع همیشگی بودجه شرکت‌های دولتی است. اگرچه سهم بودجه شرکت‌های دولتی از کل بودجه همواره یکی از موضوعات چالش برانگیز بوده است، اما در لایحه بودجه ۱۴۰۴ مسئله افزایش ۵۰ درصدی بودجه این شرکت‌ها بدون پیش‌بینی رشد سودآوری آنها، بر ابهامات موجود افزوده است. به صورت خلاصه و ساده باید گفت، بودجه شرکت‌های دولتی همواره سهم قابل توجهی از بودجه کشور را به خود اختصاص می‌دهد. این در حالی است که رشد بودجه شرکت‌های دولتی در بودجه سال جاری حدود ۳۰ درصد و حتی کمتر از تورم بوده، اما در بودجه سال آینده این افزایش به حدود ۵۰ درصد رسیده است. ماجرای بودجه شرکت‌های دولتی در سال ۱۴۰۴ زمانی جالب‌تر می‌شود که بدانیم در کنار این افزایش بودجه قرار نیست این مجموعه‌ها رشدی در سودآوری خود داشته باشند. مسئله‌ای که بدون شک سه معنای مهم از آن فهم می‌شود:

۱ـ شرکت‌های دولتی با وجود افزایش هزینه‌های خود، سودآوری بیشتری نخواهند داشت و به‌نوعی این افزایش بودجه‌ها بناست سرپوشی بر ناکارآمدی و ضعف این شرکت‌ها و به تعویق انداختن ورشکستگی یا جبران‌کننده بدهی‌ها و زیان‌های آنها باشد و نمی‌توانیم حالت‌های دیگری را برای این موضوع تصور کنیم.

۲ـ افزایش بودجه شرکت‌های دولتی نه با کوچک‌سازی دولت، نه با کاهش هزینه‌ها و نه با افزایش واگذاری بنگاه‌های دولتی به بخش خصوص و... تناسبی ندارد و اصولاً هدف و انگیزه‌های دولت از این افزایش بودجه نه‌تنها مشخص نیست، بلکه با سیاست‌های کلی نظام و اسناد بالادستی که همواره مورد تأکید رئیس‌جمهور بوده است نیز تناسب و سنخیتی ندارد.

۳ـ بسیاری از مشکلات و پدیده‌هایی، چون مفاسد اقتصادی، اتلاف منابع و... در سال‌های گذشته در حوزه شرکت‌های زیرمجموعه دولت رخ داده است و متأسفانه بسیاری از این شرکت به محلی برای جبران خدمات افراد و گروه‌های سیاسی به دولت‌ها تبدیل شده‌اند. در غیر این صورت، افزایش ۵۰ درصدی هزینه‌ها بدون افزایش سودآوری عملاً شرکت‌های دولتی را به چاهی تبدیل کرده که منابع کشور بدون هیچ کارایی و ایجاد ارزش افزوده‌ای بلعیده می‌شود و ادامه این روند خسارات جبران‌ناپذیری برای اقتصاد کشور ایجاد خواهد کرد.

منهای نفت

ماهی‌های زینتی

«سیدحسین حسینی» معاون وزیر و رئیس سازمان شیلات ایران از افزایش ۴۴ درصدی وزن محصولات صادراتی طی شش ماه نخست سال جاری در مقایسه با مدت مشابه گذشته خبر داد و گفت: «در شش ماه نخست سال جاری، ۲۴۸.۴۴۱ کیلوگرم ماهی‌های زینتی به ارزش ۴۷۲.۳۳۱ دلار صادر شده است که در مقایسه با مدت مشابه، از لحاظ وزنی دارای افزایش ۲۱ درصدی و از لحاظ ارزشی دارای ارزش ۹۱ درصدی است. استان قزوین با تولید سالانه ۵۲ میلیون و ۴۶۰ هزار قطعه انواع ماهیان زینتی یکی از قطب‌های مهم صنعت آکواریوم و آبزیان زینتی کشور به شمار می‌آید.»

شاخص

تعطیلی پس از ۸۷ سال

نماینده ارشد کارکنان شرکت «فولکس واگن» اعلام کرد، این شرکت قصد دارد سه کارخانه را در آلمان تعطیل و ده‌ها هزار نفر را اخراج کند. این تعطیلی‌ها که هدف آن بازیابی جایگاه برتر فولکس واگن در اروپا در بحبوحه افت فروش و افزایش رقابت با چین عنوان شده است، اولین بار در تاریخ ۸۷ ساله این شرکت صورت خواهد گرفت و ضربه دیگری به اقتصاد راکد آلمان وارد خواهد کرد. «دانیلا کاوالو» در جمع کارگران کارخانه فولکس واگن در «ولفسبورگ» گفت: «تعطیلی‌های پیشنهادی بخشی از طرحی است که مدیران به شورای کار ارائه کرده‌اند.»

افزوده

روان‌شناسی بازار

احساس کلی که بازار در یک زمان مشخص تجربه می‌کند، «روان‌شناسی بازار» گفته می‌شود. حرص، ترس، انتظارات و شرایط، همه عواملی هستند که بر ذهنیت کلی سرمایه‌گذاری افراد تأثیر می‌گذارند. اگرچه نظریه‌های مالی شرایطی را توصیف می‌کنند که در آن همه بازیگران بازار به شکل عقلانی رفتار می‌کنند، اما حقیقت این است که بازار جنبه احساسی هم دارد و این جنبه که ممکن است به نتایج غیر منتظره‌ای منجر شود در نظر گرفته نمی‌شود. تحلیلگران تکنیکال از روندها، الگوها و سایر مشخصه‌ها استفاده می‌کنند تا حالت روان‌شناسانه فعلی بازار را برای پیش‌بینی تعیین کنند.

منبر

دین خدا محکم و پا برجاست

گفتاری از حجت‌الاسلام سیداحمد دارستانی

دین خدا اقامه‌اش به‌عهده افراد خاصی است؛ یعنی خدا دینش را به‌گونه‌ای درست کرده که اگر هیچ‌کس پای دین نایستد، دین زمین نمی‌خورد. برای نمونه کاروان اسرا که از کربلا حرکت کرد، احتمالاً دوازده نفر بودند، زیرا آقازین‌العابدین(ع) فرمود: «قبل از اینکه وارد کاخ یزید بشویم، دوازده نفر بودیم که به ریسمان بسته شده بودیم»؛ یعنی از این هشتاد و چهار نفر زن و بچه فقط دوازده نفر به ریسمان بسته شدند؛ زیرا قرار نیست تمام رسالت را این هشتاد و چهار نفر بردارند. اینها هر کدام در این مسیر رزقی دارند، برخی از خانواده‌های شهدای کربلا که اهل کوفه بودند، در کوفه شفاعت شدند و یکی یکی رفتند، قبول هم کردند بروند. فقط بنی هاشم ماند. تعدای از بنی هاشم هم در مسیر جان دادند و به خاک سپرده شدند.

اصل رسالت این کاروان به دوش یک نفر و آن هم شخصیتی بی‌نظیر و بی‌بدیل بعد از چهارده معصوم عقیله بنی‌هاشم، زینب کبری(س) بود. باید در کربلا تمام حواس‌ها به قتلگاه امام حسین(ع) باشد تا زینب کبری(س) حرکت کند. اگر حواس‌ها به زینب کبری بود که ایشان را از کربلا حرکت نمی‌دادند. پنجاه و پنج سال هیچ حرکتی از حضرت زینب(س) ظهور پیدا نکرد. در این پنجاه و پنج سال آنچه از زینب کبری(س) دیده شد، عفت و حیا و دوری از نامحرم است که دقیقاً همین اتفاق برای مادرش افتاد. قصه حضرت زینب(س) هم همین‌طور بود و دشمن دقیقاً اینها را نمی‌فهمد. آنها شناختی روی حضرت(س) نداشتند، حواس‌شان نبود کسی اینجاست که تربیت شده عصمت و طهارت است. عالمه غیر معلمه است. آمده تا تمام بار را به دوش بکشد و حکومت بنی‌امیه را متزلزل کند و ماهیت آنها را برای بشریت رو کند. از حضرت زینب کبری(س) غافل شدند. گاهی انسان در شخصیت حضرت(س) غور می‌کند، می‌خواهد به این برسد که خود امام حسین(ع) هم مدیون زینب(س) است، اما دقت که می‌کنی، می‌بینی این‌گونه نیست. تمام زحمات زینب کبری(س) مدیون قتلگاه اباعبدالله(ع) است. آقا تا قتلگاه نرود، اجازه اسارت به این خانواده داده نمی‌شود، اصلاً از مدینه آوردن‌شان اجازه می‌خواهد، کسی قدم از قدم بر نمی‌دارد مگر با اجازه ولی خدا.

مقایسه‌ای با زمان امیرالمؤمنین(ع) کنیم. در آن زمان سلمان تماشاچی شد، مقداد تماشاچی شد، ابوذر تماشاچی شد، آیا فکر می‌کنید مقداد دوست نداشت قربانی بشود؟ سلمان دوست نداشت در کوچه‌ها قربانی شود؟ چند بار سلمان در این نود و پنج روز کتک خورد، ابوذر را تا پای مرگ زدند، مقداد را چند بار تا لب مرگ زدند، اما اذن شهادت از امام نداشتند؛ از این رو نتوانستند کاری بکنند؛ ولی خدا به زینب کبری(س) اجازه داده است که به اسارت برود؛ و الّا زینب(س) نمی‌تواند قدم از قدم بردارد. حرف اول این است که دین خدا بر روی زمین نمی‌ماند؛ خداوند تبارک و تعالی وجودهای نازنینی را خلق کرده که اینها بار دین را به دوش می‌کشند و به من و شما نیازی نیست. نظری به این تقسیم کار کنید؛ از کوفه می‌روند به شام، در شام یک نفر دفن می‌شود؛ «آیت الله جواد آقای تبریزی» می‌فرماید: «اگر رقیه(س) در خرابه‌ها دفن نمی‌شد، امروز برای اثبات اسارت زینب(س) و رفتن به شام، باید دلیل اقامه می‌کردیم. دفن این کودک حقانیت اسارت این کاروان به شام است.»... دین خدا محکم و پا بر جاست. حضرت زینب کبری(س) اواخر خطبه‌اش به یزید گفت: «بیچاره هر چه می‌خواهی بکنی بکن، هر چه کم گذاشتی بیشتر کن، هر چه عذاب و شکنجه و ناراحتی کم بود، بیشتر کن، هیچ غلطی نمی‌توانی بکنی. برادرم عَلمی را برداشته که همه عالم هم اگر جمع شوند که آن را خاموش کنند، نمی‌توانند.»

مکتب

ایمان و علم منشأ قدرت و شجاعت

به مناسبت میلاد حضرت زینب(س) در پنج جمادی الاول سال ششم هجری

سیدحسین خاتمی خوانساری
دبیر گروه معارف

حضرت زینب(س) شخصیتی برجسته در تاریخ اسلام است که در واقعه عاشورا و پس از آن، نقش بسیار مهمی در حفظ و پاسداشت پیام امام حسین(ع) و ارزش‌های اسلامی ایفا کرده است. «شجاعت»، «بصیرت» و «استقامت» ایشان پس از شهادت برادرشان امام حسین(ع)، به‌منزله الگویی برای مسلمانان و همه آزادگان جهان تا قیامت شناخته می‌شود. حضرت زینب(س) پس از واقعه عاشورا و شهادت امام حسین(ع)، با شجاعتی مثال‌زدنی و بی‌نظیر به میدان آمد. ایشان در شرایطی سختی قرار داشت و به شدت از نظر روحی آسیب‌دیده بود و وضعیتی داشت که تحمل آن برای هیچ انسانی ممکن نبود. با این حال، ایشان نه تنها از ترس و وحشت دوری گزید، بلکه به مثابه رهبری قوی در برابر ظلم یزید، سربازان و تمام دسیسه‌های شیطانی آنان ایستاد. حضرت زینب(س) مانند یک قهرمان، با نگاهی قاطع و بی‌پروا به دشمنان، از ارزش‌های انسانی و اسلامی دفاع کرد. ایشان در موقعیت‌های گوناگون، از جمله در دربار یزید، با شجاعت و قاطعیت حقیقت را بیان و از ظلم و فساد حاکم بر آن زمان انتقاد کرد. این شجاعت در دفاع از ارزش‌های اسلامی باید مورد توجه ما قرار بگیرد. آنچه شخص اباعبدالله(ع) و یاران و پیروان ایشان به ما آموخته‌اند، این بود که در دفاع از ارزش‌های انسانی و اسلامی از به‌خطر افتادن جان، مال و آبروی خود نترسید و حق را هر آنچه لازم است و به هر روشی که موجب تعالی آن می‌شود، بیان کنید؛ محکم بایستید و روی آن پافشاری کنید. زندگی مؤمنانه حضرت زینب(س) نیز نشان می‌دهد ایشان عالم و آگاه به مسائل دینی بودند و حد و مرز دین را می‌شناختند و این علم و تسلط‌شان به مفاهیم دینی، قدرت ایشان را زیاد کرده بود. اینکه یک مسلمان و مؤمن بتواند بر روی اعتقادات دینی خود پافشاری کند و شجاعت داشته باشد، دلیلش قدرت اندوخته‌های اوست که به زبان و گفتارش نیرو می‌دهد. آن‌کسی که در دلش شک و تردیدی نیست، می‌تواند در تمام میدان‌ها حاضر شود. شناخت و آگاهی دینی عمیق، منبع قدرتمندی برای استحکام اراده و شخصیت انسان است. وقتی انسان به درک عمیقی از معارف دینی دست می‌یابد، نه‌تنها با اصول و مبانی دین آشنا می‌شود، بلکه فلسفه احکام و دستورات الهی را نیز درک می‌کند. این شناخت عمیق، به او اطمینان قلبی می‌بخشد و باعث می‌شود با اراده‌ای محکم‌تر در مسیر حق گام بردارد. عالم بودن و تسلط بر معارف دینی، قدرت کلام انسان را به‌طور چشمگیری افزایش می‌دهد؛ زیرا فرد عالم می‌تواند با استدلال‌های منطقی و محکم، حقایق دینی را برای دیگران تبیین کند. برای تبلیغ صحیح دین و دفاع از مرزهای اعتقادی و اخلاقی، باید ابتدا خود به درک درستی از دین رسیده باشیم. این امر مستلزم مطالعه عمیق منابع اصیل دینی، آشنایی با تفسیر قرآن، احادیث معتبر و سیره اهل بیت(ع) است. همچنین باید با مسائل روز جامعه و نیازهای مخاطبان آشنا باشیم تا بتوانیم پاسخ‌های دینی را متناسب با شرایط زمان ارائه دهیم. در دنیای امروز که شبهات و تردیدها نسبت به دین زیاد شده است، آگاهی دینی به ما کمک می‌کند تا با درایت و حکمت با این چالش‌ها مواجه شویم. باید بدانیم که دفاع از دین صرفاً با احساسات و تعصب امکان‌پذیر نیست، بلکه نیازمند استدلال منطقی و گفت‌وگوی سازنده است. یکی از مهم‌ترین اصول در تبلیغ دین، رعایت اخلاق و حکمت است. خداوند در قرآن می‌فرماید، مردم را با حکمت و موعظه نیکو به راه پروردگار دعوت کنید. این یعنی باید متناسب با ظرفیت و درک مخاطب سخن بگوییم و از تندروی و افراط پرهیز کنیم. عمل به آموزه‌های دینی نیز مهم‌ترین شیوه تبلیغ دین است. وقتی دیگران ببینند که ما به آنچه می‌گوییم عمل می‌کنیم، تأثیر کلام ما چندین برابر می‌شود. رفتار ما باید آینه‌ای از تعالیم دینی باشد تا بتوانیم دیگران را به سمت این تعالیم جذب کنیم. همچنین نباید به روز بودن و آشنایی با علوم مختلف را فراموش کنیم. در دنیای امروز، ترکیب دانش دینی با علوم روز می‌تواند به ما در تبیین بهتر معارف دینی کمک کند. این امر به‌ویژه در گفت‌وگو با نسل جوان که با سؤال‌ها و چالش‌های جدید مواجه هستند، اهمیت دارد. صبر و استقامت در مسیر تبلیغ دین ضروری است. نباید انتظار داشته باشیم که همه افراد به سرعت حرف ما را بپذیرند. باید با صبر و حوصله و البته با روشی منطقی و استدلالی، به شبهات پاسخ دهیم و حقایق دینی را تبیین کنیم. در نهایت، حفظ وحدت و همبستگی جامعه اسلامی در کنار دفاع از مرزهای دینی اهمیت دارد. نباید اجازه دهیم دفاع از دین به تفرقه و اختلاف منجر شود. باید با حفظ اصول و ارزش‌های اسلامی، راه وحدت و همدلی را پیش بگیریم. آگاهی دینی و عمل به آن، نه تنها فرد را در مسیر هدایت قرار می‌دهد، بلکه او را به الگویی برای دیگران تبدیل می‌کند. این همان چیزی است که امروز جامعه ما به آن نیاز دارد: افرادی آگاه، مستدل و عامل به دین که بتوانند چراغ راه دیگران باشند. حضرت زینب(س) تمام این ویژگی‌ها را داشتند و همین خصوصیات مؤمنانه بود که قدرت تبیین و نشر نهضت اباعبدالله(ع) را به ایشان داد.

سلوک

اگر خلوص نباشد

آیت‌الله علی سعادت‌پرور: در عبادت مقید باشید به کیفیت آن، نه کمیت؛ در هر عمل عبادی که انجام می‌دهید، توجه داشته باشید چه می‌گویید و با چه کسی سخن می‌گویید. عبادات ظاهری هر چند که انسان را از کارهای ناشایسته باز می‌دارد؛ ولی اگر خلوص آنها زیاد شود، تقرب زیادتر می‌شود و می‌تواند شما را به عبودیت برساند؛ اخلاص در اعمال را در پیشانی هر عملی قرار دهید. اگر عمری بی‌خلوص اعمال خود را انجام دهید، مثل حیوانی هستید که برای روغن‌کشی شب و روز دور خود بچرخد، اما راهی طی نکرده باشد.

احکام

مسّ آیات قرآن

پرسش: استفاده از تمبرهای پستی که بر روی آنها آیات قرآنی چاپ شده است، یا چاپ لفظ جلاله و اسماء خداوند (عزّ وجلّ) و آیات قرآنی یا چاپ آرم مؤسسه‌هایی که مشتمل بر آیاتی از قرآن کریم است، در روزنامه‌ها و مجلات و نشریاتی که همه روزه منتشر می‌شوند، چه حکمی دارد؟

پاسخ: طبع و نشر آیات قرآنی و اسماء جلاله و امثال آن اشکال ندارد، ولی بر کسی که به دستش می‌رسد، واجب است که احکام شرعی آنها را رعایت کند و از بی‌احترامی و نجس کردن و مسّ بدون وضوی آیات قرآن بپرهیزد.

(اجوبة‌الاستفتائات، آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، سؤال۱۵۹)

تاریخ نگار

غزوه بنی سُلیم

«بنی سلیم» بت‌پرست بودند و نزدیک مدینه سکونت داشتند. زمین‌های حاصل‌خیزی داشتند و چون در مسیر عبور کاروان‌های تجاری زندگی می‌کردند، ثروتمند بودند. «غزوه کُدر» یا «غزوه بُحران یا بَحران» در ۶ جمادی‌الاولی سال۳ قمری، در دفع فتنه این قبیله انجام شد. به پیامبر اسلام(ص) خبر دادند که گروهی از قبیله «غطفان» و «بنی سُلیم» در «قرارة الکُدر» گرد آمده و آماده نبرد با مسلمانان شدند. آن حضرت برای خاموش کردن فتنه مسلمانان را بسیج کردند و خود فرماندهی را برعهده گرفتند، ولی بنی‌سلیم متفرق شدند و مسلمانان بدون درگیری دشمنان به‌همراه غنایم جنگی به مدینه مراجعت کردند.

آیه

نحوه مواجهه با اشرار

سیدمحسن حجازی
کارشناس علوم دینی

مقابله با انسان‌های شرور و نیرنگ‌باز یکی از چالش‌های مهم در زندگی فردی و اجتماعی است. قرآن کریم به منزله مهم‌ترین منبع دینی مسلمانان، راهکارها و توصیه‌های متعددی را برای مواجهه با این افراد و گروه‌ها، که کارشان شرارت ورزیدن است، ارائه می‌دهد. یکی از توصیه‌های قرآن کریم به انسان‌ها این است که دسیسه‌ها، نیرنگ‌ها و اهداف انسان‌های شرور را بشناسند و هوشیاری خود را حفظ کنند؛ زیرا یکی از اصول ابتدایی در مواجهه با شرور، حفظ هوشیاری و مراقبت است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَکُمْ»؛ ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید، سلاح برگیرید و هوشیارانه، فوج فوج یا یکباره، به جنگ روید. (نساء/۷۱) یکی دیگر از مهم‌ترین راهکارهای مقابله با انسان‌های شرور، استفاده از حکمت و تدبیر است. قرآن در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «ادْفَعْ بِالَّتِی هِیَ أَحْسَنُ السَّیِّئَةَ»(مؤمنون/۹۶). این آیه به مؤمنان توصیه می‌کند که بدی‌ها را با نیکی دفع کنند؛ البته این «احسن» را باید بهترین تدبیر و روش و مقابله با دشمن معنا کنیم؛ یعنی طوری با آنان مقابله کنیم که حالت بازدارندگی هم داشته باشد. به عبارتی، این روش نیکو در پاسخ دادن باید متناسب با شرایط باشد که شناخت شرایط هم به آگاهی و علم و بررسی نیاز دارد. خالی کردن جامعه از بصیرت و آگاهی هم از نیرنگ‌های دشمنان است؛ در حالی که آیات متعددی در قرآن مسلمانان را به علم، آگاهی، بصیرت، عاقبت‌اندیشی، عبرت‌آموزی و... توصیه می‌کند. خداوند در قرآن می‌فرماید: «بگو این راه من است که با بصیرت به‌سوی خدا دعوت می‌کنم.» (یوسف/۱۰۸). این نشان می‌دهد، برای مقاومت در برابر شرارت‌ها باید آگاه باشیم و دشمن را بشناسیم. بصیرت به ما کمک می‌کند تا در وضعیت دشوار، تصمیم‌های صحیح‌تری بگیریم و فریب نخوریم. اینکه دشمن را دست کم بگیریم، سعی کنیم با او کنار بیاییم، وعده‌ها و قرارهای او را باور کنیم و...؛ یعنی ما نتوانستیم دشمن را بشناسیم.

توکل به خداوند یکی از اصول اساسی در مواجهه با شرارت‌هاست. قرآن کریم در آیه‌ای می‌فرماید: «وَمَن یَتَوَکَّلْ عَلَی اللّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ»(طلاق/۳). این آیه به مؤمنان یادآوری می‌کند که باید بر خداوند توکل کنند و از او یاری بخواهند. توکل به خداوند در مواجهه با چالش‌ها و تهدیدها به ما قوت قلب داده و ما را از ناامیدی نجات می‌دهد. استقامت و پایداری در برابر مشکلات نیز از دیگر توصیه‌های مهم قرآن برای مقابله با شرارت‌هاست. در آیه‌ای از سوره هود آمده است: «فَاسْتَقِمْ کَمَا أُمِرْتَ»(هود/۱۱۲). این آیه به ما یادآوری می‌کند که باید در برابر مشکلات و نیرنگ‌های شرورانه ایستاد و از اصول خود دفاع کرد. استقامت به ما این امکان را می‌دهد که در برابر فشارها و سختی‌ها مقاومت کنیم و از اصول خود دست نکشیم. افشای ماهیت شرور نیز یکی از راهکارهای قرآن برای مقابله با نیرنگ‌هاست. قرآن کریم به مؤمنان یادآوری می‌کند که باید به دیگران آگاهی دهند و از خطرهایی که دشمنان به وجود می‌آورند، صحبت کنند.. مؤمنان باید برای معرفی اشرار و بصیرت‌افزایی و آگاهی جامعه اطراف خود با تمام توان تلاش کنند؛ زیرا اگر لحظه‌ای غفلت کنند، دشمنان مردم را در شناخت حقیقت و ماهیت خود به گمراهی می‌کشانند.

کاپ ۲۹

بررسی ابعاد نشست کنوانسیون تغییر اقلیم در باکو

جهان منهای نفت

بررسی اجمالی پیامدهای کاپ ۲۹ باکو

علی نبائی
خبرنگار اقتصادی

کنوانسیون «تغییر اقلیم» که یکی از مهم‌ترین توافق‌های بین‌المللی در زمینه حفاظت از محیط زیست به شمار می‌آید، در سال‌های اخیر توجه بسیاری را به خود جلب کرده است. با این حال، این کنوانسیون و اجلاس‌های مرتبط با آن، به ویژه اجلاس کاپ ۲۹، که در باکو برگزار خواهد شد، ممکن است پیامدهای اقتصادی و اجتماعی عمیقی برای کشورهایی، مانند ایران که به شدت به منابع نفت و گاز وابسته هستند، به همراه داشته باشد. در این گزارش، این موضوعات و چالش‌های مرتبط با پیوستن ایران به توافق‌های بین‌المللی را در زمینه تغییر اقلیم بررسی خواهیم کرد.

پیامدهای اقتصادی

اجلاس کاپ ۲۹ در باکو، که یکی از مهم‌ترین رویدادهای بین‌المللی در زمینه تغییر اقلیم است، برای کشورهایی که به تولید نفت و گاز وابسته هستند، به‌ویژه ایران، پیامدهای اقتصادی جدی به همراه دارد. در این اجلاس، کشورهای تولیدکننده سوخت‌های فسیلی تحت فشار قرار می‌گیرند تا کاهش قابل توجهی در تولید و مصرف سوخت‌های فسیلی داشته باشند. این فشارها می‌تواند به کاهش درآمدهای نفتی ایران منجر شود که به نوبه خود تأثیرات منفی بر روی اقتصاد ملی و معیشت مردم خواهد داشت.

ایران به منزله یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان نفت و گاز در جهان، با مشکلات اقتصادی متعددی دست‌وپنجه نرم می‌کند. کاهش تولید نفت به‌دلیل تعهدات بین‌المللی ممکن است به بیکاری، کاهش سرمایه‌گذاری و افزایش میزان تورم منجر شود. افزون بر این، این موضوع به تضعیف موقعیت ایران در بازار جهانی انرژی و افزایش وابستگی به واردات انرژی خواهد انجامید.

حفاظت از محیط زیست

حفاظت از محیط زیست و کاهش استفاده از سوخت‌های فسیلی، موضوعاتی هستند که به‌شدت مورد توجه کارشناسان قرار دارند؛ اما باید توجه داشت که این اقدامات باید با تأکید بر منافع کشورهایی که به تولید سوخت‌های فسیلی وابسته هستند، همراه باشد. در واقع، کشورهای تولیدکننده نفت و گاز باید بتوانند در فرآیند انتقال به انرژی‌های تجدیدپذیر و کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی، منافع اقتصادی خود را حفظ کنند.

«توسعه پایدار» به معنای برقراری تعادل میان حفاظت از محیط‌زیست و تأمین نیازهای اقتصادی کشورهاست. در این راستا، ایران باید به فناوری‌های جدید دسترسی پیدا کند و از منابع طبیعی خود به شکل پایدار بهره ببرد؛ در غیر این صورت، فشارهای نظام سلطه به تهدیدی جدی برای امنیت اقتصادی کشور تبدیل خواهد شد.

چالش‌های تحریم

یکی از چالش‌های بزرگ ایران در زمینه پیوستن به توافق‌های بین‌المللی، مانند معاهده اقلیمی پاریس، مسئله تحریم‌هاست. ایران به دلیل تحریم‌های اقتصادی، از دسترسی به فناوری‌های لازم برای تولید انرژی هسته‌ای و انرژی‌های تجدیدپذیر محروم است؛ لذا این امر ممکن است به کاهش توانایی ایران در پیاده‌سازی تعهدات بین‌المللی منجر شود و به‌نوعی به امنیت ملی کشور آسیب برساند.

پیوستن به توافق‌های بین‌المللی در حالی که کشور تحت فشارهای اقتصادی و تحریمی قرار دارد، به معنای پذیرش تعهدات سنگین و غیرقابل اجراست. این موضوع ضمن آسیب رساندن به منافع ملی، ممکن است در طولانی‌مدت به نارضایتی عمومی و بی‌اعتمادی به حاکمیت منجر شود؛ بنابراین، تا زمانی که وضعیت تحریمی ایران ادامه دارد، پیوستن به چنین توافق‌هایی می‌تواند یک ریسک بزرگ تلقی شود.

با وجود اینکه برخی کارشناسان معتقدند، کنوانسیون تغییر اقلیم و اجلاس‌های مرتبط با آن، می‌تواند نتایج مثبتی برای حفاظت از محیط‌زیست جهان داشته باشد، اما برخی کارشناسان باور دارند که پیوستن بی‌قید و شرط ایران (که به تولید سوخت‌های فسیلی وابسته است) در معاهدات بین‌المللی، مانند اجلاس‌های مرتبط به تغییر اقلیم، پیامدهای منفی به همراه دارد. ضروری است، کشورهای تولیدکننده نفت و گاز در فرآیندهای بین‌المللی، به ویژه در زمینه تغییر اقلیم، منافع اقتصادی خود را در نظر بگیرند و از فشارهای غیرمنصفانه جلوگیری کنند.

ایران باید به دنبال راهکارهایی باشد که همزمان با حفظ محیط‌زیست، منافع اقتصادی خود را نیز تأمین کند. در این راستا، نیاز به دسترسی به فناوری‌های نوین و همکاری‌های بین‌المللی وجود دارد؛ اما تا زمانی که تحریم‌ها ادامه دارد، پیوستن به توافق‌های بین‌المللی ممکن است به تهدیدی برای امنیت ملی و منافع مردم ایران تبدیل شود. باید به این نکته توجه داشت که از محیط زیست باید با توجه به شرایط خاص هر کشور و منافع ملی آن حفاظت شود.

واقعیت تلخ

در دنیای امروز، اجلاس‌های بین‌المللی، مانند اجلاس‌های مقابله با تغییر اقلیم به محلی برای تبادل نظر و تصمیم‌گیری در زمینه چالش‌های جهانی تبدیل شده‌اند. با این حال، واقعیت این است که بسیاری از کشورها در این نشست‌ها به‌دنبال کسب منافع ملی خود هستند و اهداف بشردوستانه تنها برای تحقق این منافع به‌کار می‌روند. در واقع، کشورهای شرکت‌کننده در کنوانسیون تغییر اقلیم سازمان ملل متحد، با حضور در این نشست‌ها، تلاش می‌کنند منافع اقتصادی و سیاسی خود را در بیانیه‌ها و توافق‌ها گنجانده و از فشارهای بین‌المللی بکاهند و موقعیت خود را در عرصه جهانی تقویت کنند. این روند نشان‌دهنده پیچیدگی‌های روابط بین‌الملل و چالش‌های پیش روی تلاش‌های واقعی برای حفاظت از محیط‌زیست است.

کارشناس اقتصادی در گفت و گو با صبح صادق مطرح کرد

پنهان پشت نام محیط زیستی

آرزو نوروزجم
روزنامه نگار

«محمدمهدی مسعودیان» کارشناس اقتصادی با اشاره به اهمیت توجه به اجلاس‌های بین‌المللی و اثر آن بر توسعه ایران گفت: «در شرایطی که به‌نظر می‌رسد منافع برخی کشورها در اولویت قرار دارد و دنیا به‌طور یکجانبه تصمیم‌گیری می‌کند، ضروری است که ایران با یک راهبرد منسجم و مشخص در این اجلاس‌ها شرکت کند.»

اجلاس کاپ ۲۹ در باکو برگزار خواهد شد و نگرانی‌هایی درباره پیامدهای آن برای ایران و کشورهای تولیدکننده نفت و گاز در منطقه غرب آسیا وجود دارد. نظر شما در این‌باره چیست؟

اجلاس کاپ ۲۹ می‌تواند پیامدهای بسیار جدی برای ایران و دیگر کشورهای تولیدکننده نفت و گاز داشته باشد. در این اجلاس، تصمیم‌ها و سیاست‌هایی اتخاذ می‌شود که به محدودیت‌های جدی در خصوص استفاده از منابع نفت و گاز منجر می‌شود. این موضوع نه‌تنها بر اقتصاد ملی ما تأثیر منفی خواهد گذاشت، بلکه امنیت انرژی کشور را نیز به خطر می‌اندازد.

شما به محدودیت‌های ناشی از این اجلاس اشاره کردید. لطفاً بیشتر توضیح دهید که این محدودیت‌ها چگونه خواهند بود؟

به‌طور خاص، سیاست‌های مطرح شده در این اجلاس به‌دنبال کاهش انتشار کربن و محدودسازی تجارت بر مبنای تولید کربن است. این به معنای آن است که کشورهای تولیدکننده نفت و گاز باید به‌تدریج از این منابع فاصله بگیرند و این موضوع به کاهش درآمدهای نفتی و درنتیجه، آسیب به اقتصاد ملی منجر خواهد شد. ما در ایران، به‌منزله کشوری با منابع غنی انرژی، باید به این نکته توجه کنیم که این سیاست‌ها ممکن است به بحران‌های اقتصادی دامن بزنند.

آیا شما فکر می‌کنید که حفاظت از محیط زیست و کاهش استفاده از سوخت‌های فسیلی یک هدف مثبت نیست؟

قطعاً حفاظت از محیط زیست و کاهش استفاده از سوخت‌های فسیلی اهداف مهم و مثبتی هستند؛ اما این موضوع باید با تأکید بر منافع کشورهای تولیدکننده سوخت‌های فسیلی همراه باشد. ما نمی‌توانیم به سادگی از منابع خود چشم بپوشیم و در عین حال محیط زیست را حفظ کنیم. باید راهکارهایی پیدا کنیم که هم به حفظ محیط زیست کمک کند و هم منافع اقتصادی ما را تأمین کند.

با توجه به تحریم‌ها و محدودیت‌های موجود، چه نظری درباره پیوستن ایران به توافقات بین‌المللی، مانند «معاهده اقلیمی پاریس» دارید؟

پیوستن به هرگونه توافق بین‌المللی، به ویژه در وضعیت فعلی که ایران تحت تحریم قرار دارد و از به‌دست آوردن فناوری‌های لازم برای تولید انرژی هسته‌ای و انرژی‌های تجدیدپذیر محروم است، به امنیت ملی و منافع مردم ایران ضرر خواهد زد. ما باید به این نکته توجه کنیم که این تحریم‌ها نه تنها دسترسی ما به فناوری‌های نوین را دشوار کرده، بلکه مانع از سرمایه‌گذاری در پروژه‌های انرژی پاک نیز شده است. در نتیجه، پیوستن به توافقات بین‌المللی در این شرایط موجب تحمیل فشارهای بیشتر بر کشور خواهد شد.

شما به‌منزله یک پژوهشگر اقتصادی، چه اقداماتی را ضروری می‌دانید تا ایران بتواند در این وضعیت به بهترین روش عمل کند؟

اولین قدم، ایجاد راهبرد جامع و الگویی توسعه محور برای مدیریت منابع انرژی کشور است. ما باید با همکاری کشورهای همسایه و هم‌پیمان، به‌دنبال تقویت مواضع خود در مجامع بین‌المللی باشیم. همچنین، باید بر روی فناوری‌های نوین و انرژی‌های تجدیدپذیر سرمایه‌گذاری کنیم تا در آینده، در برابر فشارهای بین‌المللی مقاوم‌تر شویم. در نهایت، ضروری است که تصمیمات کلان در این زمینه با در نظر گرفتن منافع ملی و امنیت کشور اتخاذ شود.

به نظر شما رئیس‌جمهور باید در این اجلاس شرکت کند؟

حضور رئیس‌جمهور در این اجلاس ممکن است به تضعیف مواضع قبلی جمهوری اسلامی ایران در برابر رژیم صهیونیستی منجر شود. به ویژه در وضعیت کنونی که رژیم صهیونیستی در این اجلاس نقش فعالی ایفا می‌کند. این موضوع ممکن است به تصویر ایران در مجامع بین‌المللی آسیب بزند و این‌طور به‌نظر برسد که ایران به‌نوعی به این رژیم مشروعیت داده است. با وجود اینکه حضور در اجلاس کاپ ۲۹، فرصتی برای مذاکرات و گفت‌وگوهای بین‌المللی است، اما همزمان ممکن است به مثابه نشانه‌ای از پذیرش فشارهای بین‌المللی نیز درنظر گرفته شود. این موضوع بر روند مذاکرات هسته‌ای و سایر مسائل بین‌المللی ایران تأثیرگذار خواهد بود.

در نهایت، حضور رئیس‌جمهور در این اجلاس باید با تأکید بر منافع ملی و امنیت کشور همراه باشد. اگر این حضور به‌گونه‌ای باشد که منافع ایران را به خطر بیندازد، پیامدهای منفی بیشتری خواهد داشت. به‌طور کلی، حضور رئیس‌جمهور ایران در اجلاس کاپ ۲۹ با توجه به نقش رژیم صهیونیستی در این نشست، نیازمند بررسی دقیق و اتخاذ تصمیمات هوشمندانه‌ای است که منافع ملی و امنیت کشور را در اولویت قرار دهد.

البته ناگفته نماند در وضعیت فعلی جهان، نمی‌توان بدون توجه به مجامع بین‌المللی، سیاست‌گذاری‌های داخلی و خارجی کشور را ترسیم کرد؛ اما باید اولویت‌های جمهوری اسلامی که مهم‌ترین آن بهبود شرایط اقتصادی کشور و مردم است، در سیاست‌گذاری‌ها و رفتار دولت در مواجهه با توافقات بین‌المللی با دقت و اهمیت بیشتری مورد توجه باشد. این مسئله مختص به ایران نیست و بررسی رفتار بین‌المللی کشورهای گوناگون، از اولویت ملاحظات سیاسی و اقتصادی داخلی نشست به سیاست‌گذاری‌های توافقات و مجامع بین‌المللی حکایت دارد.

رئیس‌جمهور باید به باکو برود؟

سیدپویا هاشمی
روزنامه نگار

سخنگوی کمیسیون کشاورزی مجلس با اشاره به حضور پر رنگ یک هیئت سیاسی متعلق به رژیم صهیونیستی در اجلاسیه کاپ ۲۹ درباره حضور رئیس‌جمهور در این نشست، گفت: «با توجه به اینکه تصمیمات اتخاذشده در این اجلاس‌ها عمدتاً با سناریوهای صهیونیستی اتخاذ می‌شود و شرایط به گونه‌ای است که هیچ نشانه‌ای از کاهش تحریم‌ها وجود ندارد، پیشنهاد می‌شود که حضور رئیس‌جمهور در این اجلاس‌ها بازنگری شود.»

«سمیه رفیعی» سخنگوی کمیسیون کشاورزی، آب و منابع طبیعی مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با خبرنگار «صبح صادق»، درباره اجلاس کنوانسیون تغییرات اقلیمی و حضور هیئت ایرانی در این نشست اظهار کرد: «در سال‌های اخیر، اجلاس‌های مربوط به تغییرات اقلیمی به شدت مورد توجه قرار گرفته‌اند و تصمیمات کلیدی در زمینه محیط زیست در آنها اتخاذ می‌شود. این اجلاس‌ها به ویژه در طول دو یا سه سال اخیر، به منزله محلی برای بررسی و تبادل نظر درباره مسائل مهم زیست‌محیطی و اقتصادی شناخته شده‌اند. با این حال، باید توجه داشت این اجلاس‌ها در واقع تحت پوشش مسائل محیط زیستی، در بسیاری از موارد به سمت تصمیمات اقتصادی محدودکننده برای کشورهای در حال توسعه سوق پیدا کرده‌اند.»

وی ادامه داد: «در واقع، کنوانسیون تغییرات اقلیمی که به اختصار به آن «کاپ» نیز گفته می‌شود، به منزله یک پلتفرم برای بحث و تبادل نظر درباره تغییرات اقلیمی، به‌ویژه گرمایش زمین و اثرات آن بر محیط زیست عمل می‌کند؛ اما نکته‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد، این است که این اجلاس‌ها به‌طور فزاینده‌ای به سمت اتخاذ تصمیمات اقتصادی و محدودکننده‌ای برای کشورهای در حال توسعه گرایش پیدا کرده‌اند. به منزله یک کشور دارنده منابع انرژی فسیلی، جمهوری اسلامی ایران در وضعیت سخت تحریم‌ها قرار دارد.»

سخنگوی کمیسیون کشاورزی مجلس تأکید کرد: «با وجود اینکه ایران به‌طور داوطلبانه در کنوانسیون‌های محیط زیستی شرکت کرده و گزارش‌های به‌روزی ارائه داده، هیچ عایدی ملموسی از این کنوانسیون‌ها نصیب کشور ما نشده است. در واقع، جمهوری اسلامی ایران با وجود تلاش‌های مؤثر در زمینه کاهش انتشار گاز کربن، هیچ‌گونه تسهیلات خاصی از این کنوانسیون‌ها دریافت نکرده است. این موضوع به‌وضوح نشان‌دهنده نبود توازن در تصمیمات اتخاذشده در این اجلاس‌هاست.»

رفیعی همچنین خاطرنشان کرد: «در اجلاس‌های اخیر، تصمیماتی اتخاذ شده که به‌جای اینکه سمت‌وسویی محیط زیستی داشته باشد، رویکرد اقتصادی دارد؛ برای نمونه، از سال ۲۰۲۶ قرار است کالاهایی که شناسنامه اکولوژیک ندارند، با محدودیت‌هایی در تبادل و تجارت مواجه شوند. یکی از نخستین بخش‌هایی که قرار است این محدودیت ایجاد شود، حوزه حمل‌ونقل است. بر اساس تصمیمات اتخاذشده در اجلاسیه‌های اخیر، سازکاری طراحی شده که اگر سیستم حمل‌ونقل کشوری شرایط مندرج در اجلاسیه را نداشته باشد، باید در زمینه حقوق ترانزیتی مالیات پرداخت کند.»

وی تصریح کرد: «این موضوع فشار مضاعفی بر کشورهایی، مانند ایران که به انرژی‌های فسیلی وابسته‌اند، وارد می‌کند. به‌طور خاص، این محدودیت‌ها می‌تواند به معنای افزایش هزینه‌ها و کاهش دسترسی به بازارهای جهانی برای کشورهایی باشد که در حال حاضر با چالش‌های اقتصادی مواجه هستند. همگی این موارد نشان می‌دهد عمق تصمیمات اجلاسیه‌های کاپ معطوف به مسائل اقتصادی است و این امکان را دارد که شرایط کاملاً محدودکننده‌ای را ایجاد کند.»

عضو ناظر مجلس در شورای عالی محیط‌زیست با اشاره به وضعیت ویژه کشور، گفت: «ایران اکنون تحت تحریم‌های شدید اقتصادی قرار دارد و این تحریم‌ها بمشدت بر توانایی کشور در تعامل با جامعه جهانی تأثیر گذاشته است. به همین دلیل، توصیه و پیشنهاد من این است که هیئت ایرانی باید با رویکردی فعال و نه منفعلانه در این اجلاس‌ها شرکت کند و بر لغو تحریم‌ها تأکید ویژه‌ای داشته باشد. ایران باید در این نشست مراتب اعتراض و مطالبه‌گری خود را بیان کند، زیرا تصمیمات اتخاذ شده در این قبیل اجلاسیه‌ها، نه‌تنها چندجانبه‌گرایانه نیست؛ بلکه یکجانبه‌گرایانه است.»

وی تأکید کرد: «این موضوع تنها به نفع چند کشور توسعه‌یافته، مانند کشورهای عضو اتحادیه اروپا، ایالات متحده آمریکا و حتی رژیم صهیونیستی است. آنها به صراحت اعلام کرده‌اند که می‌خواهند جهت‌دهی برنامه‌های کشورها در حوزه تغییرات اقلیمی را به دست بگیرند که به نظر من این موضوع مورد قبول نیست.»

رفیعی افزود: «باید به این نکته نیز توجه کرد که کنوانسیون تغییرات اقلیمی در ظاهر یک کنوانسیون محیط زیستی است، اما در بطن آن تصمیمات اقتصادی و کاملاً محدودکننده‌ای گرفته می‌شود. برای نمونه، برای کشورهای در حال توسعه، مباحثی همچون تبادل تجهیزات و امکانات و همچنین ارائه تسهیلات در نظر گرفته شده؛ اما به دلیل تحریم‌ها، ایران از دریافت این امکانات محروم شده است. این امر نشان‌دهنده نبود توازن در تصمیمات اتخاذشده و نادیده‌گرفتن وضعیت خاص کشورهای در حال توسعه است.»

سخنگوی کمیسیون کشاورزی مجلس همچنین با اشاره به حضور پر رنگ یک هیئت سیاسی متعلق به رژیم صهیونیستی در اجلاسیه کاپ ۲۹، درباره حضور رئیس‌جمهور در این نشست گفت: «با توجه به اینکه تصمیمات در این اجلاس‌ها عمدتاً با سناریوهای صهیونیستی اتخاذ می‌شود و شرایط به‌گونه‌ای است که هیچ نشانه‌ای از کاهش تحریم‌ها وجود ندارد، پیشنهاد می‌شود حضور رئیس‌جمهور در این اجلاس‌ها بازنگری شود. به‌جای حضور در سطح بالا، هیئت ایرانی می‌تواند در سطح پایین‌تری در این نشست‌ها شرکت کند و در عوض بر روی تقویت دیپلماسی و همکاری‌های بین‌المللی تمرکز کند.»

وی در پایان خاطرنشان کرد: «در حالی که دنیا به‌طور یکجانبه تصمیم‌گیری می‌کند و به نظر می‌رسد منافع برخی کشورها در اولویت قرار دارد، ضروری است ایران با راهبُرد مشخص و منسجمی در این اجلاس‌ها شرکت کند. باید بر این نکته تأکید کرد که این اجلاس‌ها می‌توانند فرصتی برای بیان اعتراضات و مطالبات ایران باشند و باید به این موضوع توجه ویژه‌ای شود. در نهایت، هدف باید این باشد که ایران بتواند از مزایای کنوانسیون‌های بین‌المللی بهره‌مند شود و در عین حال از حقوق خود در برابر تصمیمات یکجانبه دفاع کند.»

منافعی که نادیده گرفته می‌شود!

گروه پرونده
صبح صادق

بیست‌ونهمین نشست کنوانسیون تغییر اقلیم سازمان ملل متحد موسوم به «کاپ ۲۹» در روزهای آینده با میزبانی کشور «آذربایجان» در شهر «باکو» برگزار می‌شود. یک کارشناس اقتصادی با اشاره به‌ضرورت حضور هوشمندانه ایران در این اجلاس گفت: «تصمیمات اتخاذ شده ممکن است برخلاف منافع اقتصادی کشورمان باشد.»

به گزارش «صبح صادق»، بیست‌ونهمین نشست سالانه اقلیمی سازمان ملل‌متحد، امسال در باکو، پایتخت جمهوری آذربایجان برگزار خواهد شد. بسیاری از کارشناسان محیط‌زیست باور دارند که توجه جدی به مسائل اقلیمی جهان بیش‌ازپیش ضروری است و درنظرنگرفتن پیامدهای استفاده مداوم از سوخت‌های فسیلی ممکن است تهدیدات جدی برای آینده بشر ایجاد کند.

گفتنی است، کنوانسیون بین‌المللی تغییر اقلیم (UNFCCC) از سال ۱۹۹۲ با هدف مبارزه با گرمایش جهانی تأسیس شده است، اما به تدریج مشخص شده که دغدغه‌های زیست‌محیطی تنها به‌منزله پوششی برای اهداف قدرت‌های بزرگ عمل می‌کند. در واقع برخی تحلیلگران معتقدند، یک اتاق فکر پنهان پشت صحنه این اجلاس‌ها فعالیت می‌کند که به‌دنبال تحقق مقاصد خاص خود است.

برخی تحلیل‌ها نشان می‌دهند برنامه‌های بلندمدت کشورهای قدرتمند شامل کاهش کامل کربن و جایگزینی منابع جدید انرژی، (از جمله انرژی هسته‌ای به‌جای سوخت‌های فسیلی) تا سال ۲۰۵۰ است. هدف نهایی این جریان، پیشبرد این برنامه‌ها تحت پوشش مسائل زیست‌محیطی و تغییر اقلیم است.

حفاظت از محیط‌زیست و کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی از نظر منطقی صحیح به نظر می‌رسد، اما ایران به دلیل تحریم‌های ظالمانه و محدودیت‌های بین‌المللی با چالش‌های جدی در زمینه توسعه و استفاده از منابع انرژی تجدیدپذیر و هسته‌ای مواجه است. این تحریم‌ها نه‌تنها دسترسی به فناوری‌های نوین را دشوار کرده، بلکه سرمایه‌گذاری در پروژه‌های انرژی پاک را نیز تحت‌تأثیر قرار داده است.

در این شرایط، ایران با وجود ظرفیت‌های بالای خود در زمینه انرژی‌های تجدیدپذیر مانند انرژی خورشیدی و بادی، به دلیل اعمال تحریم‌ها، قادر به بهره‌برداری کامل از این منابع نیست. همچنین، برنامه‌های هسته‌ای کشور که می‌توانند به تأمین انرژی پایدار و کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی کمک کنند، به‌دلیل فشارهای بین‌المللی و تحریم‌ها با موانع جدی روبه‌رو هستند.

این وضعیت نه‌تنها به امنیت انرژی کشور آسیب می‌زند، بلکه به تلاش‌های جهانی برای مقابله با تغییرات اقلیمی نیز لطمه می‌زند. ایران به‌مثابه کشوری با منابع غنی انرژی می‌تواند نقش مؤثری در توسعه انرژی‌های پاک ایفا کن؛ اما برای دستیابی به اهداف زیست‌محیطی و توسعه پایدار به حمایت و همکاری‌های بین‌المللی نیاز دارد که کسب این حمایت‌ها در وضعیت فعلی نهادهای بین‌المللی که تحت نفوذ آمریکا و جریان سلطه قرار دارند، دور از واقعیت به نظر می‌رسد. در این راستا، ضروری است کشورهای غربی به‌جای اعمال فشار، به همکاری و ایجاد فرصت‌های برابر برای کشورهای درحال‌توسعه توجه کنند تا بتوانند به‌طور مؤثر در مبارزه با تغییرات اقلیمی مشارکت داشته باشند.

چرا تصمیمات «کاپ ۲۹ باکو» بر اقتصاد منطقه تأثیرگذار است؟

«حسین احمدزاده شهرودی» پژوهشگر حوزه اقتصاد مقاومتی در گفت‌وگو با خبرنگار صبح صادق درباره حضور ایران در بیست‌ونهمین اجلاس کنوانسیون تغییر اقلیم سازمان ملل متحد، موسوم به «کاپ ۲۹»، اظهار داشت: «باوجود اهمیت نشست کاپ ۲۹ برای کشور، باید به این نکته توجه داشت که این اجلاس یک گردهمایی سیاسی است و برخی کشورها، از جمله رژیم صهیونیستی، درتلاش هستند از آن به نفع خود بهره‌برداری کنند.»

احمدزاده شهرودی تأکید کرد: «درحال حاضر نیازی نیست که نماینده ایران در اجلاس کاپ ۲۹ در سطح رئیس‌جمهور باشد. همچنین باید هوشیار باشیم و نگذاریم این قبیل نشست‌ها ما را به رژیم صهیونیستی و برخی کشورهای غربی وابسته کند، چراکه اکثر تصمیمات اتخاذ شده ممکن است برخلاف منافع اقتصادی جمهوری اسلامی ایران باشد.»

وی همچنین درباره حضور نماینده رژیم صهیونیستی در اجلاس کاپ ۲۹ و نوع مواجهه ایران با این موضوع گفت: «این یک موضوع سیاسی است و به‌نظر می‌رسد وزارت امور خارجه باید ابعاد آن را بررسی کند. من به‌منزله یکی از پژوهشگران در عرصه اقتصاد، تنها می‌توانم به پیامدهای احتمالی تصمیمات اتخاذشده در اجلاس باکو اشاره کنم.»

این کارشناس اقتصادی افزود: «در اجلاس کاپ ۲۷ که در مصر برگزار شد، سیاست‌هایی برای محدودسازی تجارت براساس تولید کربن به تصویب رسید؛ در حالی که در کاپ ۲۸، کاهش انتشار کربن به صفر تا سال ۲۰۵۰ مورد توافق شرکت‌کنندگان قرار گرفت. این اقدامات به معنای ایجاد محدودیت‌های جدی برای استفاده از منابع نفت و گاز کشورهای مختلف است و این مسئله به وضوح منافع اقتصادی نظام جمهوری اسلامی ایران را کاهش می‌دهد. درواقع، نظام سلطه با بهره‌گیری از یک استراتژی خبیثانه، توانسته است اهداف نامشروع خود را در قالب هدفی مشروع، یعنی حفظ کره زمین و محیط‌زیست به اجرا درآورد.»

احمدزاده شهرودی با اشاره به اظهارات رئیس‌جمهور آذربایجان درباره افزایش تولید گاز گفت: «با وجود اینکه آذربایجان به‌دنبال حفظ منافع اقتصادی خود به‌مثابه یک تولیدکننده نفت و گاز است، اما باید به نتایج دو اجلاس اخیر مصر و امارات اشاره کنیم که با وجود مخالفت ضمنی تولیدکنندگان نفت و گاز، مصوبات این اجلاس‌ها بدون درنظرگرفتن منافع کشورهای منطقه غرب آسیا نهایی شد.»

شبیه افسانه‌ها

مهدی سعیدی
دبیر گروه تاریخ

پیوند ملت و حضـرت امام خمینی(ره) یکی از استوارترین پیوندهایی بود که تاریخ به چشم خود دید. پیوندی برخاسته از اعتماد و ایمان کامل به ایـن بزرگ‌مرد که رفتـار و کلام او جز به صداقت و درستکاری شهادت نمی‌داد.

این پیونـد قدرتمند، حقیقتی نبود کـه از نگاه بیگانگان پنهان باشد و بسیاری از چهره‌های شناخته شـده که کینه و غـرض آنان را بـه کتمان حقیقت نکشـانده اسـت، به این پیوند ارزشـمند اعتراف کرده‌انـد. «هاملت چیپاشـویلی» نماینده سـابق پارلمان گرجسـتان و از فعالان سیاسی در ارتباط با جمهوری اسـلامی در مصاحبه‌ای این حقیقت را شـرح می‌دهد و می‌گوید: «امام خمینی یکی از برجسته‌ترین و بانفوذترین رهبران سیاسی جهان در عصر حاضر بوده اسـت. من دو بار از نزدیک منزل ایشـان در جماران را دیده‌ام و به شدت تحت تأثیر ساده‌زیسـتی و معنویتی که در آن موج می‌زد، قرار گرفتم. امام خمینی رهبری اسـت که بدون شـک نظیر او را در هیچ جای دنیای امروز نخواهیم یافت. ایشان رهبر یک ملت بود. رهبران ملت‌ها باید سبک زندگی امام خمینی را الگـوی خود قرار دهند و با اجتناب از تجمل‌گرایی، همین گونه ساده و همچون عمده مردم زندگی کنند.»

«میشـل فوکو» از نظریه‌پردازان پست‌مدرنیسم در بحبوحه انقلاب اسـلامی به ایران سـفر کرد و انقلاب را از نزدیک دید. وی خلاف نظریه‌پردازان مارکسیست عقیده داشت جز باورهای دینی هیچ عامل دیگری قدرت بسـیج این چنیـن توده‌ها را ندارد؛ بلکه این مذهب تشـیع است که با تکیه بر موضع انتقادی خود توانسته است این چنین بسیج سیاسـی راه بیندازد. وی درباره شخصیت کلیدی امام(ره) در مدیریت انقلاب می‌گوید: «شخصیت آیت‌الله خمینی پهلو به افسانه می‌زند، هیچ رئیس دولتی و هیچ رهبر سیاسـی حتی به پشتیبانی همه رسانه‌های کشورش نمی‌تواند ادعا کند که مردمش با او پیوندی چنین نیرومند دارند.»

«یرواند آبراهامیان» نویسـنده آمریکایی کتاب «ایران بین دو انقلاب» علـت محبوبیت امام(ره) نزد ملت را دو عامل اساسـی می‌داند و می‌گوید: «نقش تعیین‌کننده و محبوبیت وسیع ایشان را با دو عامـل می‌توان توضیح داد؛ عامل اول شـخصیت ایشان به‌خصوص زندگی ساده و سازش‌ناپذیری با طاغوت بود. در کشـوری که بیشتر سیاست‌مداران زندگی پرتجملی داشـتند، او زندگی زاهدانه‌ای، چـون عارفان و صوفیـان و عـاری از آلایش‌های مادی، چون مردمان عادی داشـت. در محیطی که رهبران سیاسی، کارچاق‌کن، اهل ساخت‌وپاخت، و اعمال‌نفوذ شخصی و خانوادگی بودند، آیت‌الله خمینی مصرّانه از هر گونه سازشی، حتی آن‌گاه که ناگزیر و لازم می‌نمود، سر پیچیدند؛ تأکید کردند که اگر فرزندان خود ایشان مستوجب مجازات باشند، خـود این کار را انجام می‌دهنـد؛ و همچون «مرد خدا»یی عمل کردند کـه نه به‌دنبال قدرت دنیوی، بلکه مرجعیت روحانی بودند. همچنین در دهه‌ای رسوا از کردار سیاست‌مداران خودپسند، بی‌تفاوت، فاسـد، نومید و بی‌ثبـات، امام خمینـی در عین صمیمیت، جسارت، تحرک، ثبات و بسیار مهم‌تر از همه، فسـادناپذیری ظاهر شـدند. کوتاه سخن ایشـان رهبر انقلابی پرجاذبه‌ای بودند در زمانی که چنین رهبری بسیار کمیاب و سخت موردنیاز بود.»

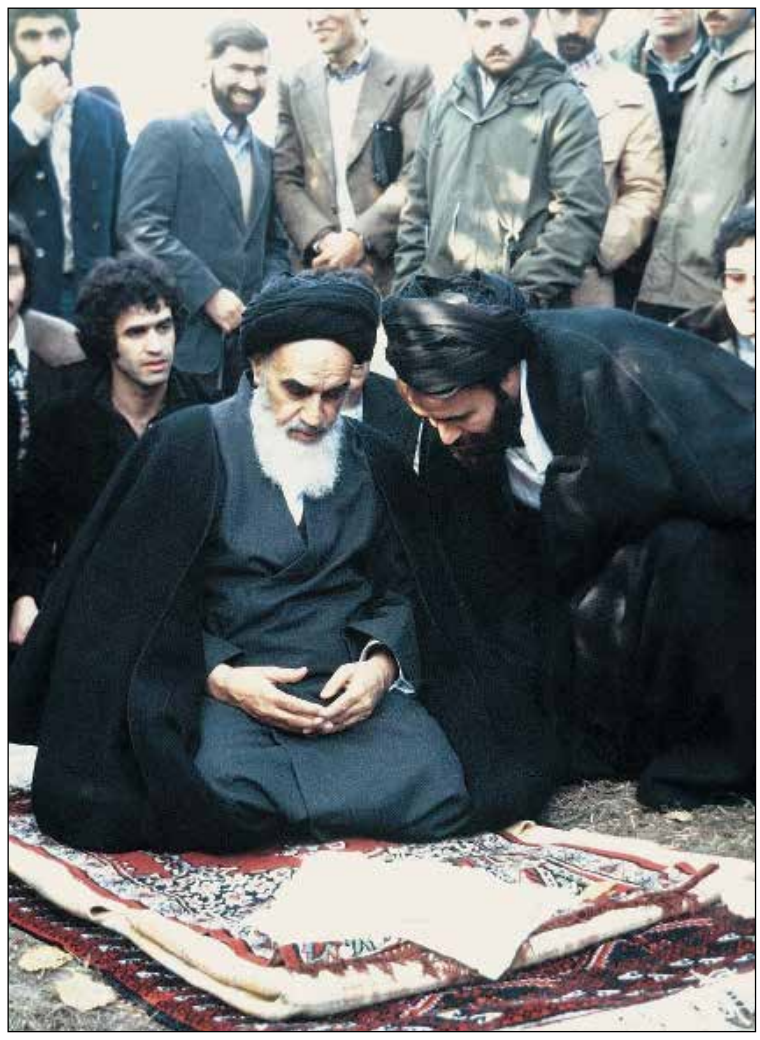

حضـرت آیت‌الله‌العظمـی خامنـه‌ای که از شاگردان و یاران امام خمینی(ره) بوده‌اند، در این باره می‌گویند: «امام خمینی، شخصیتی آن‌چنان بزرگ بود که در میان بزرگان و رهبران جهان و تاریخ، به جز انبیاء و اولیای معصومین(علیهم‌السلام)، به‌دشواری می‌توان کسی را با این ابعاد و این خصوصیات تصور کرد.» ایشان در تبیین مبانی هستی‌شناسانه حضرت امام(ره) به سـه باور بنیادین شـخصیت امام(ره) اشاره کرده و می‌فرمایند: «سه باور در امام بزرگوار ما وجود داشت، که همین سـه باور به او قاطعیت می‌داد، شجاعت می‌داد و استقامت می‌داد: باور به خدا، باور به مردم، و باور به خود. این سـه باور، در وجود امام، در تصمیم امـام، در همه‌ی حرکتهای امام، خود را به معنای واقعی کلمه نشـان داد... در باور بـه مردم، امام بزرگوار، ملت ایران را به معنای حقیقی کلمه می‌شناخت. امام اعتقاد داشت که این ملت، ملتی است با ایمان عمیق، باهوش و شجاع؛ که اگر پیشوایان لایقی در میان آنها پیدا شوند، این ملت می‌تواند مثل خورشید در میدان‌های مختلف بدرخشـد؛ امام این را قبول داشـت. اگر یک روز عنصر نالایقی مثل شاه سلطان حسین موجب شد که ملت ایران در لاک خود فـرو بروند، اما در روز دیگری، مرد شجاعی مثل نادرقلی - بدون آن القاب و عناوین - وقتی در میان مردم ظاهر می‌شـود و با شجاعت، پیشـوایی مردم را به عهده می‌گیرد، این ملـت می‌تواند میدان حرکـت افتخارآمیز خود را از دهلی تا دریای سیاه گسـترش دهد؛ این را امام در تاریـخ دیده بود، نظایر آن را مشـاهده کرده بود و اعتقاد و ایمان به این مطلب داشـت؛ ملت ایران را می‌شناخت، به ملت ایران اعتماد داشت. ایمان عمیق مردم که در زیر اندودهای سـاخته و پرداخته دنیاطلبان مخفی و پنهان شده بود، امام بزرگوار این ایمان عمیقِ تغییرناپذیر را شکوفا کرد؛ غیرت دینی مردم را برانگیخت و ملت ایران الگوی استقامت و بصیرت شد. مردم در چشم امام بزرگوار، عزیزترین بودند؛ دشمنان مردم، منفورترین بودند. اینکه شما ملاحظه می‌کنید که امـام در مقابله با قدرت‌های سلطه‌گر لحظه‌ای از پا ننشسـت، عمدتاً به‌خاطر همین بود که قدرت‌های سلطه‌گر، دشمن سعادت مردم بودند و امام دشمن مردم را دشمن می‌داشت.»

ایـن اعتماد تا پایان عمر حضـرت امام(ره) در عالی‌ترین سـطح ممکن باقی ماند و تشییع جنازه باشـکوه ایشـان که همتای آن را تاریخ بشریت به خاطر نداشـت، سـند معتبری بر بقای این اعتماد بود. به واقع، ملت ایران همان شکل که در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ به استقبال امام(ره) آمدند، در نیمه خردادماه ۱۳۶۸ نیز همانگونه برای وداع با ایشان آمده بودند.

تقویم انقلاب

توطئه بین‌المللی علیه ایران

سید مهدی حسینی
مورخ و پژوهشگر

تقویم تاریخی انقلاب اسلامی در نیمه اول سال ۱۳۶۱ به گواهی اسناد فراوان نهادهای امنیتی انقلاب ضربات سنگینی به گروهک تروریستی منافقین وارد کرد؛ به گونه‌ای که در ماه‌های پاییزی همان سـال مانند برگ خزان ریزش داشـتند. از این تاریخ به بعد، به قول خودشان در چارچوب راهبرد «فرار بزرگ» از ایران گریختند. البته بعدها معلوم شـد که این «فرار بـزرگ» از مغز متفکر دستگاه‌های امنیتی آمریکایی‌ها ناشی شده و با نشـان دادن چراغ سـبز آنها بوده که در کشورهای اروپایی پناه گرفتند تا بتوانند در سـازماندهی جدید و برنامه طراحی شده کشـورهای آمریکایی، اروپایی و صهیونی در درازمـدت علیـه ایـران وارد عملیات شوند. از طرفی با آمریکایی‌ها و دستگاه‌های جاسوسـی بین‌المللی هماهنگی صورت گرفت که به پشتوانه سازمان‌های بین‌المللی علیه ایران اقدامات جدیدی داشـته باشند. خیلی روشـن بود کـه آمریکایی‌ها توطئه جدیدی را در دسـتور کار خود قرار دادند تا علیه ایران در حال جنـگ با رژیم بعث عراق برنامه‌ریزی کنند. آن زمان «مسـعود رجوی» با آن همه جنایت به بغداد رفت و با صدام گفت‌وگو و توافق‌نامه همکاری امضا کرد که همه اینها بدون پشتوانه آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها ممکن نبود. «سـردار محسن رضایـی» فرمانده وقت سـپاه پاسـداران در خاطراتـش می‌گوید: «درگیری سـپاه پاسداران با منافقین از خیابان‌های تهران به میدان‌های نبرد جنگ تحمیلی کشانده شد، در حقیقت از نیمه دوم سال ۱۳۶۱ سر و کله منافقین در جبهه‌های عـراق]علیه ایران[مشـهود بود. آنها بعد از «فرار بزرگ» همه توان خود را به بیرون از مرزهای ایران بردند و در داخل]کشـور[عملیات موریانه‌ای را ادامه دادند.» وی در ادامه خاطراتش آورده است: «سـازمان منافقین بعد از اینکه ضد اطلاعاتش را از دست داد، تصمیم گرفت در یک برنامه بلندمدت کارهای موریانه‌ای]جاسوسـی و راه‌اندازی شبکه نفوذ به نفع دشـمن[در ایران انجام دهد. در عین‌حال، به‌عنوان بخشـی از اقدام بین‌المللی علیه ایران در کنار صدام و به‌عنوان سـتون پنجم وارد عمل شد.» در عالم واقع فرصتی برای گروهک تروریسـتی منافقین فراهم شد تا افرادی را که داخل کشور دارند، سازماندهی جدید کنند و به عنوان شـبکه‌های نفوذی نقش ایفا کنند. به‌عبارتی، باید گفت منافقین به منزله عوامل آمریکا و اروپا در کنار صدام علیه نظام جمهوری اسـلامی ایـران وارد جنگ شـدند و آمریکایی‌هـا و اروپایی‌ها امکانات و تجهیزات آنها را تأمین می‌کردند تا هم بتوانند در داخل ایران و هم در مرزها در کنـار ارتش بعثی علیه ایـران عملیات کنند. به همین دلیل آمریکایی‌ها سـازمان و تشـکیلات به‌هم‌ریخته و منهدم شده این گروهک تروریستی را بازسـازی کردند و سران آمریکایی، به ویژه سناتورها و دیگران در اجتماعات و جلسات‌شـان شـرکت می‌کردند و برای آنها کف می‌زدند. سردار محسـن رضایی در خاطراتش می‌گوید: «دولت پس از صـدام در عراق اعلام کرد که اینها]منافقین[باید از عراق بیرون بروند؛ ولی آمریکایی‌ها اولتیماتوم دادند که شـما چنین حقی را ندارید، اینها تحت حفاظت ما هسـتند.» وی در ادامه می‌گوید: «اقدام بین‌المللی علیه ایـران در جنگ تحمیلی از سـال ۱۳۶۱ به بعد، صورت جدی‌تری پیدا کرد.» بعد از این تاریخ شاهد لو رفتن عملیات‌ها بودیم.

دهلیز

اصطبل سلطنتی

نگاهی به ولخرجی‌های درباریان فاسد رژیم دیکتاتوری پهلوی

خاندان وابسـته پهلـوی در نیم قرن حاکمیت، نمـاد خاندانی وابسـته و بی‌اراده بود که منافع بیگانـگان را بر منافع ملی ترجیـح می‌داد و چندان تعلقی بـه جامعه ایران نداشـت. بنابراین، در مصرف بیت‌المال و اموال عمومی کشور بی در و پیکر عمل کرده و دست و دل‌بازانه به ولخرجی مشغول بودند.

از آنجایی کـه در قاموس رجال عصر پهلوی جایـی برای شـکوفایی اسـتعداد ایرانی وجود نداشـت، لذا برای جزئی‌ترین امـور نیز تلاش می‌شـد تا از خارجی‌ها استفاده شـود؛ از آشپز گرفته تا خیاط و آرایشگر و حتی کارمند و پرستار نیـز از میان افـراد خارجی انتخاب می‌شـدند. اغلب شـاهزادگان عصر پهلوی دارای معلم‌ها و سرپرسـت‌های خارجی بودند؛ محمدرضا در دامن یک زن فرانسوی به نام «خانم ارفع» پرورش یافته بود. نکته مشـترک در مـورد خارجی‌های مرتبـط با دربار حقـوق و مزایـای هنگفتی بود که دریافت می‌داشـتند و ایـن هزینه‌ها از خزانه شاهنشـاهی پرداخـت می‌شـد و در این زمینه محدودیتی نبود.

این وضعیت موجب شـده بود بسـیاری از آشنایان با این خلق و خوی دربار پهلوی تقاضامند باشـند که هر جور شده به ایران سـفر کرده و به خدمت دربار در آیند تا آینده خود و فرزندان خود را با اموال ملت ایران تضمین کنند! در این راستا خارجی‌های بسیاری را می‌توان نام برد که به دربار پهلوی رفت و آمد داشتند. برای نمونه، می‌توان به آقای «دکتر جودن» دامپزشـک اصطبل سلطنتی اشاره کرد. در بخشی از نامه استخدامی وی که در کتاب «هدایای دربار پهلوی به بیگانگان به روایت اسناد» به آن اشاره شده، آمده است:

«دکتـر جـودن اخیراً طـی نامـه‌ای اظهار خشـنودی نموده از اینکه قادر باشـد مجدداً به ایران بیاید و شـرایط ذیل را برای استخدام خود درخواست نموده است:

۱ـ حقوق ماهیانه معادل یک‌هزار دلار؛ ۲ـ خانه با استخر یا هزینه مسکن؛ ۳ـ اجازه ورود و ترخیص وسـایل زندگی شـخصی با معافیت از حقوق و عـوارض گمرکی؛ ۴ـ بلیط رفت و برگشـت به انگلستان برای خود و همسـرش؛ ۵ـ استفاده از بهداری دربار شاهنشاهی؛ ۶ـ وسیله نقلیه.

ضمناً نامبرده درخواسـت نموده اسـت که چنانچه بـا پیشـنهاد وی موافقـت می‌گردد به مشـارالیه اجازه داده شـود که قبل از شروع کار مقداری لوازم و ابزار دامپزشکی که مورد احتیاج است، از لندن خریداری و به ایران حمل نماید. در ضمن دکتر جودن اظهار نموده است که شش ماه پس از تاریخ عقد قرارداد، به ایران آمده و مشغول خدمت گردد.»

حافظه

زوال هند

وقتی حاکمان نالایق به استقبال استعمارگران رفتند!

در زمان آشنایی انگلیسی‌ها با هند در قرن هفدهم، فاصلـه تمدنی هند و انگلستان، بسیار فاحش و معنادار بود. «رالف فیچ» نخسـتین فرسـتاده الیگارشی تجاری انگلسـتان به هند، که در واپسـین سـال‌های سلطنت «اکبر کبیر» وارد این سرزمین شد، به شدّت تحت تأثیر عظمت شهرها و زندگی مرفه مردم قرار گرفت و در مقایسه با آن کشور خویش را فقیر و عقب‌مانده یافت و «سِـر توماس رو» نخستین سفیر انگلستان در دربار هند، خود را در میـان اعیـان دربار «جهانگیر» حقیر دید. بـه نوشـته «موریس کالیـس» مـورّخ انگلیسـی، حقـوق سالیانه رو، ۶۰۰ پوند استرلینگ بود؛ حال آن که رجـال هند هر یک سالیانه ده‌ها هزار و حتی صدها هزار پوند درآمد داشـتند. رو در دفتر خاطراتش می‌نویسد، از وضع لباس خود شرمسار است. او می‌افزاید، حتی درآمد پنج ساله‌ام نیز کفاف آن را نمی‌دهد که لباسی در شأن درباریان تهیه کنم.

در زمـان ورود اسـتعمارگران، خانـدان امپراتوری مغولی «گورکانیان» بر هند حاکمیت داشت. این امپراتوران از سال ۱۵۳۰ تا ۱۷۸۲، به مدت ۲۵۲ سال بر این کشور سلطنت کردند که آخرین پادشاه آنها، یعنی «بهادرشاه دوم» به وسیله انگلیسی‌ها به «رانگون» پایتخت «برمه» تبعید شد. آنها به سـبب دور ماندن از زندگی چادرنشینی و خو کردن به دربارهای باشکوه و حرم‌سراهای مجلل، شجاعت و جنگ‌جویی را که از ویژگی‌های مغـولان و تیموریان بود، از دسـت داده بودند و برای مانـدن بر اریکه سـلطنت، هرگونه امتیازی به اسـتعمارگران خارجی می‌دادند.

انگلستان در زمان سلطنت «جیمز اول» به سال ۱۶۱۱، امتیازات زیادی از هندی‌ها گرفت و تاجران پرتغالی را از سـواحل هندوسـتان اخراج کرد. جهانگیر، معاصر شاه عباس اول بـود. وی بـرای تأمین مخارج دربار خویش در سـال ۱۶۳۹، سرزمین «مـدراس» در جنوب هنـد را به انگلسـتان فروخت.

در سـال ۱۶۵۹، نوبت سـلطنت به «اورنگ زیب» رسـید. او منافع کمپانی‌های خارجی را بر استقلال ملّی هند ترجیح می‌داد. اورنگ زیب در سال ۱۷۰۷ درگذشـت و پس از او امپراتوری مغولی هند دچار تزلزل شد؛ زیرا جانشـین او بهادرشاه، نمی‌توانسـت با اقتدار حکومت کند. بنابراین در سـال ۱۷۱۵، کمپانی هند شرقی انگلیس، از دولت هند امتیازاتی از قبیل معافیت گمرکی دریافت کرد و در زمان محمدشاه گورکانی، نوه بهادرشاه به سال ۱۷۳۹، نادر به هند حمله برد و مدّتـی «دهلی» را گرفت و با غنایم زیادی به ایران برگشت.

گفت‌وگو با سعید مستغاثی منتقد و مدرس سینما درباره سینمای زیرزمینی

فیلم‌های سفارتی ماندگار نیستند

گروه فرهنگ
صبح صادق

یک سال گذشته، چند فیلم بدون دریافت مجوزهای قانونی و به شکل اصطلاحاً زیرزمینی ساخته شده و عازم جشنواره‌های غربی شده‌اند. از جمله این فیلم‌ها می‌توان به «کیک محبوب من» ساخته «بهتاش صناعی‌ها» و «مریم مقدم»، همچنین «دانه انجیر معابد» ساخته «محمد رسول اف» اشاره کرد که اولی در دوره اخیر «جشنواره برلین» و دومی در «جشنواره کن» حضور یافت، اما به جز تبلیغ و سر و صدای رسانه‌ای، نتیجه دیگری نداشتند و هیچ یک بین کارشناسان سینما، نمره خوبی دریافت نکردند. این در حالی است که این دو اثر، به منزله آثار شاخص سینمای غیرقانونی و زیرزمینی در ایران شناخته می‌شوند. جریانی که در سفارتخانه و محافل غربی و برخی از رسانه‌ها با حمایت‌ها و تبلیغات بسیاری همراه است. به بهانه این آثار و جریان فیلم‌های زیرزمینی و سفارتی، با «سعید مستغاثی» منتقد و مدرس سینما و مستندساز گفت‌وگو کردیم.

ماه‌های گذشته، بازار فیلم‌های به اصطلاح زیرزمینی که به طور غیر قانونی در داخل ساخته شده و به خارج صادر شده‌اند، داغ بوده است. جشنواره‌های غربی هم روی خوشی به این فیلم‌ها نشان می‌دهند.

اتفاقاً آنچه در جشنواره‌ها رخ می‌دهد، تحقیر این نوع فیلم‌هاست! امسال در جشنواره فیلم کن، جایزه‌ای جدید و ناگهانی به نام «جایزه ویژه» اختراع و فقط هم به خود «رسول اف» و نه فیلم دانه انجیر معابد اعطا شد. «گرتا گرویک» رئیس هیئت داوران جشنواره کن هم در توضیح اهدای این جایزه گفت: «برای جبران هزینه‌هایی که عوامل فیلم متحمل شده بودند، این جایزه به آنها داده شد!» به همین دلیل هم در تصاویر منتشر شده از رسول اف در حین دریافت این جایزه، زبان بدن او، گویای حقارت و خجالت‌زدگی است. البته به نظرم او نباید فقط ناراحت و غمزده سر به زیر می‌انداخت و در خود فرو می‌رفت، بلکه واقعاً باید از این همه تحقیر و ترحم، آب می‌شد و در زمین فرو می‌رفت!

این تحقیر که در پی حجم عظیمی از تبلیغات و پروپاگاندا و نمایش مفصل انجام شد، نشان داد با سر هم کردن هر نوع اراجیف و چاشنی کردن چند توهین و بد و بیراه، نمی‌توان به طور فله‌ای جوایز همین جشنواره‌های فرمایشی را هم دریافت کرد!

البته بی‌اعتنایی داوران جشنواره به فیلم رسول اف، چندان هم عجیب نبود؛ زیرا اصل فیلم دانه انجیر معابد، که حدود ۳ ساعت بود، چندان مورد پسند منتقدان قرار نگرفت، بلکه نمایش طولانی رسول اف بود که مانند یک فیلم هندی، آنها را تحت تأثیر قرار داد. بیشتر منتقدان خارجی و داخلی که فیلم را دیده‌اند، موضوع فیلم و ساختار آن را ناقص و دچار اشکالات فراوان دانستند! فیلم سه ساعته رسول اف پر از شعار و حرف و دیالوگ، به‌ویژه در یک ساعت و نیم نخست آن بود، به گونه‌ای که اغلب تماشاگران را کلافه کرد.

اما محمد رسول‌اف حکم قضایی دارد و گویا برای ساخت فیلم ممنوع بوده است!

درست است؛ جعفر پناهی و رسول اف هر چقدر که حکم قضایی گرفتند، بیشتر فیلم ساختند و جشنواره رفتند و جایزه گرفتند. ای کاش آن حکم‌ها با هوشمندی و درایت بیشتری صادر می‌شد! در واقع اگر رسول اف آن حکم قضایی و ممنوع‌الخروجی و آن نمایش‌های ننه من غریبم و مصیبت‌خوانی‌ها را نداشت، بنا به اذعان منتقدان خارجی، اگر هم فیلمش به جشنواره کن می‌رفت، هیچ جایزه‌ای نمی‌گرفت و حتی توجهی برنمی‌انگیخت و چه بسا با هوکردن تماشاگران مواجه می‌شد!

ای کاش ده روز پیش که خبر شرکت درخت انجیر معابد در جشنواره کن اعلام شد، ممنوع‌الخروجی رسول اف هم لغو می‌شد و می‌گفتند، بفرمایید این هم جشنواره کن!

باور کنید نمی‌رفت، چون دکانش در نرفتن یا آزادانه نرفتن بود. چنانچه چند سال پیش، طی رایزنی با قوه قضائیه، مجوز خروج جعفر پناهی از کشور و شرکت در جشنواره صادر شد، اما او حاضر نشد برود! همین امسال هم پیشنهاد داوری برای جشنواره کن را رد کرده، چون دیگر ممنوع الخروج نیست و نمی‌تواند دکانی باز کند!

درباره این اصطلاح «مستقل» که نسبت به این طیف از فیلم‌ها گفته می‌شود، توضیح می‌دهید؟ آیا فیلم‌های زیرزمینی، به معنای واقعی کلمه مستقل هستند؟

دادن لقب مستقل به چنین فیلم‌هایی حکم «مک گافین» در فیلم‌های «آلفرد هیچکاک» را دارد. مک گافین، یعنی سر و صدا به دلیل چیزی که اساساً وجود خارجی ندارد! چون اگر مستقل بودن در سینما به معنای این است که فقط از نهادهای دولتی و حاکمیتی در داخل کشور برای ساخت فیلم بودجه نگیرند و به‌جایش از سفارتخانه‌ها و دولت‌های اروپایی و جاهایی مانند «انستیتو فیلم دوحه امیر قطر» و جشنواره‌های خارجی پول بگیرند، بله خب، می‌توان گفت اینها فیلم مستقل هستند! اگر هم سفارشی نبودن به معنای آن است که فیلمنامه آنها در صدا و سیما و وزارت ارشاد تصویب نشود و چنانچه برای ساخت فیلم‌هایشان، مانند «گذشته» از مؤسسه «سینه یوروپ»(بخش سینمایی اتحادیه اروپا) و ده‌ها هزار یورو را به عنوان دستخوش قبل از ساخت آن دریافت کنند، سفارشی به شمار نمی‌آیند.

گفتنی است، محمد رسول اف به اصطلاح مستقل، از زمان ساخت فیلم‌های‌ی مانند «لِرد» که فیلمنامه‌اش با نام اولیه «رسوب شراب» در بنیاد Hubert Bals Fund (HBF) هلند تصویب شد، پیشاپیش برای ساخت آن پول گرفت و از همانجا هم تهیه‌کننده‌اش فردی به نام «کاوه فرنام» صاحب مؤسسه‌ای به نام Advanced Media بود که پیوست سینمایی و تلویزیونی رادیو اروپای آزاد یا همان «رادیو فردا» به شمار آمده؛ رسانه‌ای که تحت مدیریت سرویس اطلاعاتی آمریکا (CIA) فعالیت دارد. فیلم «شیطان وجود ندارد» نیز با همین تهیه‌کننده و سرمایه مؤسساتی در آلمان ساخته شد و اکنون فیلم دانه انجیر معابد نیز به همان روال سفارش داده شده و پول دریافت کرده است. آنها حتی یک سنت یا یک یورو بیهوده خرج نمی‌کنند و از شما حرف‌شنوی می‌طلبند. آنها فقط تا جایی مستقل هستند که به ایران و ایرانی فحش دهند.

درباره فیلم «کیک محبوب من» چطور؟ این فیلم چه وضعیتی دارد و از چه نهادهایی سفارش و پول گرفته است؟

در «سینه یوروپ» هفتادمین جشنواره برلین که در بهمن ۱۴۰۰ برگزار شد، مراسم سفارش فیلم کیک محبوب من و تأمین سرمایه آن هم اجرا شد. کیک محبوب من هم مانند فیلم گذشته جایزه مؤسسه سینه یوروپ دریافت کرد. فیلم جدید بهتاش صناعی‌ها که با همکاری همسرش مریم مقدم ساخته شده نیز مانندخیلی دیگر از این قبیل فیلم‌های به اصطلاح زیرزمینی که راهی جشنواره‌های خارجی شدند، نرخ روز ملاکش است و نه سینما و هنر. کارگردان فیلم فکر کرده است با نمایش چند زن بی‌حجاب کهنسال و شراب‌خواری و رقص در فیلمش، از خط قرمزها عبور کرده و می‌تواند توجه دست‌اندرکاران جشنواره‌های خارجی را به خودش جلب کند؛ اما از ساخت فیلم و به کار بردن تمهیدات هنری و سینمایی غافل شده است. کارگردانی فیلم آنقدر دچار اشتباه است (ازجمله جای اشتباه دوربین و اندازه نماها در صحنه‌های گوناگون) که هیچ حس و حالی را ایجاد نمی‌کند. عجیب اینکه سازندگان کیک محبوب من حتی از نگارش یک دیالوگ ساده هم ناتوان بوده‌اند و نتوانسته‌اند دو سه گفت‌وگوی خوب و جذاب را بین کاراکترهای فیلم طراحی کنند! فیلم کیک محبوب من هم مانند آثار محمد رسول اف و جعفر پناهی، خیلی زود از یادها می‌رود و هیچ گاه به خاطره‌ای برای علاقه‌مندان به سینما تبدیل نخواهد شد.

در پایان اگر نکته دیگری باقی است، بفرمایید.

نه، فقط اینکه کیک‌های نامحبوب می‌روند و سینمامی‌ماند.

یادداشت

سه سالگی تحول در صدا و سیما!

آرش فهیم
دبیر گروه فرهنگ

سه سال قبل در چنین روزهایی بود که «پیمان جبلی» رئیس جدید سازمان صدا و سیما کارش را آغاز کرد و در همان نخستین اظهارات و احکامش، بر کلیدواژه «تحول» تأکید فراوانی داشت. برای نمونه، جبلی در اولین صحبت‌هایش پس از دریافت حکم ریاست سازمان صدا و سیما گفت: «تمام ظرفیت‌های ملی باید مورد استفاده قرار بگیرد و به‌ویژه نخبگان جوان در برنامه تحولی دوره جدید صدا و سیما نقش محوری خواهند داشت.» وی همچنین در حکم انتصاب «وحید جلیلی» به عنوان قائم مقام رئیس سازمان صدا و سیما در امور فرهنگی و دبیر ستاد تحول و «محسن برمهانی» به عنوان معاون سیما توجه به تحول را در اولویت خواسته‌هایش قرار داده بود. در حکم انتصاب برمهانی تأکید شده بود: «پیگیری تحول در رویکرد، محتوا و سازکارهای معاونت سیما در جهت هویت محوری و عدالت‌گستری.» رئیس صدا و سیما تیر سال ۱۴۰۱ نیز از سند تحول صدا و سیما رونمایی کرد.

اما سؤال این است که آیا پیمان جبلی و یارانش تاکنون در ایجاد تحول در صدا و سیما موفق بوده‌اند؟

«محسن برمهانی» مهم‌ترین معاون پیمان جبلی که مسئولیت راهبردی و اصلی‌ترین شبکه‌های صدا و سیما را به عهده دارد، به تازگی در مصاحبه‌ای تأکید کرده است: «هنوز به اوج تحول نرسیده‌ایم.» می‌توان با یک بررسی، بخش‌هایی از صدا و سیما و برنامه‌های آن را نزدیک به شاخص‌های اعلامی تحول در صدا و سیما، نظیر هویت‌مندی، عدالت‌محوری و مردمی‌بودن دانست و برخی بخش‌ها را در ابتدای این مسیر ارزیابی کرد.

برای نمونه در دو، سه سال گذشته برنامه‌های صدا و سیما در قالب‌های مستند، سیاسی و خبری، موفقیت‌هایی را رقم زده‌اند. در این بخش‌ها، توجه به مسائل روز داخلی و خارجی کشور و همچنین دغدغه‌های مردم بازنمایی بیشتری یافته است. رفتن دوربین اخبار صدا و سیما به روستاها و انعکاس اتفاقات و آرمان‌ها و مطالبات روستایی‌ها یک کار عالی و نمونه‌ای از تحول در جهت عدالت رسانه‌ای است. توفیقات صدا و سیما در جریان حوادثی، چون حادثه تراژیک برای بالگرد رئیس جمهور شهید سیدابراهیم رئیسی و همراهانش و به‌ویژه عملیات غرورآفرین «وعده صادق۱و۲» نمود بیشتری یافت و رسانه ملی در اطلاع‌رسانی لحظه به لحظه وقایع در این دو کارزار، دست برتر را داشت. برخی برنامه‌های سیاسی، چون «مکث»، «پاورقی»، «دی بی سی» و ... با وجود کم هزینه و جمع‌وجور بودن، تأثیرگذار هستند.

در بخش تولیدات نمایشی، شاهد توجه بیشتر به موضوعات ملی و راهبردی کشور هستیم که با غنی‌سازی و فرآوری بیشتر می‌توانند گستره مخاطب بالاتری را هم پوشش دهند. تجربه نشان داده است، ساخت سریال‌های استراتژیک و در ژانر جاسوسی و امنیتی و به‌ویژه با رویکرد ژورنالیستی، افشاگر و موج‌آفرین در رسانه ملی، قدرت جریان‌سازی و جلب کنجکاوی عامه و خاصه را در پی دارد؛ مانند سریال «گاندو».

افزون بر این، آثار فاخر تاریخی ـ مذهبی به جز مخاطب انبوه داخلی، مخاطب بین‌المللی هم خواهند داشت، همچنان که «یوسف پیامبر» و «مختارنامه» موفقیتی کم‌نظیر کسب کردند. امید است در کنار تولید مجموعه‌های «سلمان» و «موسی» برای تولید سریال‌های دیگری از این قبیل نیز برنامه‌ریزی شود.

کتاب

خار و میخک

رمان شهید سنوار شنیدنی شد

رمان نوشته شده به قلم «شهید یحیی سنوار» فرمانده شهید مقاومت فلسطین به زبان فارسی و به صورت صوتی در دسترس قرار گرفت. رمان «خار و میخک» که شرح زندگی فردی به نام «احمد» است، به قلم شهید یحیی سنوار در طول دوران اسارت خود در زندان «بئرالسبع» رژیم صهیونی و به زبان عبری نوشته شده است.

«خار» در این کتاب نماد دردها و سختی‌هاست و «میخک» نمادی برای شادی‌ها و موفقیت‌هاست و سنوار با به‌کارگیری این نمادها، ابعاد گوناگون زندگی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مبارزاتی فلسطینی‌ها را به تصویر کشیده است.

سینما

سینماحقیقت

غزه در کانون توجه

دبیر هجدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران «سینماحقیقت» در دومین جلسه شورای سیاست‌گذاری این رویداد گفت: «بخش مقاومت و غزه برای ما شکل تزئینی ندارد!» وی در توضیح این موضوع افزود: «جهان امروز درگیر بحران انسانی است، ما در جشنواره هفدهم هم به مسئله غزه به طور ویژه پرداختیم، امسال هم با توجه به برنامه‌ریزی‌های یک سال اخیر، شاهد توجه ما به این مسئله خواهید بود. در فیلم افتتاحیه این دوره، مهمانان و کارگاه‌های ویژه و مفیدی با موضوع نسل‌کشی در غزه خواهیم داشت.» هجدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران «سینماحقیقت» آذرماه ۱۴۰۳ برگزار می‌شود.

جشنواره

شعر زندگی

جشنواره شعر انقلاب برگزار می‌شود

«میلاد عرفان‌پور» شاعر و مدیر مرکز آفرینش‌های ادبی حوزه هنری گفت: «دهمین جشنواره شعر انقلاب از اواخر آبان آغاز می‌شود و تا پایان سال به گام نهایی خود خواهد رسید.» وی شعار این جشنواره را «شعر انقلاب، شعر زندگی» اعلام کرد و افزود: «شعر انقلاب شعری است در همه ساحت‌ها و میدان‌ها با رنگ و بوی تعهد به گفتمان انقلاب اسلامی.» این شاعر در ادامه گفت: «این جشنواره که سال گذشته همراه با جشنواره داستان انقلاب برگزار شده بود، امسال به صورت مستقل و جدا از بخش داستان برگزار خواهد شد.»

شماره ۱۱۶۳ | دوشنبه ۱۴ آبان ۱۴۰۳
صبح صادق

نکته‌گرام

ستار هاشمی، وزیر ارتباطات: «مشکل رجیستری آیفون با تدبیر دولت وفاق، حمایت رئیس‌جمهور محترم و پیگیری فعالانه وزارت ارتباطات حل شد. معتقدم با کارکارشناسی، ایجاد وفاق، بدون هیاهو و غوغاسالاری می‌توان سایر مشکلات فضای مجازی و مطالبات مردم را حل کرد.»

داود منظور، رئیس سازمان برنامه و بودجه دولت شهید رئیسی: «گروهک «جیش‌الظلم» تحت تعالیم موساد و به نمایندگی از داعش جنایتکار از ابتدای امسال تاکنون ۷۰ نفر از عزیزان‌مان را در سیستان و بلوچستان به شهادت رسانده است. امید است هرچه زودتر نیروهای نظامی و امنیتی مقتدر کشور، این گروهک تروریستی را ریشه‌کن کنند.»

فؤاد ایزدی، فعال سیاسی: «چرا زمانی که ایران به رژیم صهیونیستی حمله می‌کند، ویدئوی اصابت ده‌ها موشک بالستیک ایران به سرعت در دنیا منتشر می‌شود؛ ولی زمانی که صهیونیست‌ها به ایران حمله می‌کنند یک ویدئوی اصابت هم پیدا نمی‌شود؟ صهیونیست‌ها جنگ رسانه‌ای را باختند.»

محمدسعید احدیان، دستیار سیاسی و رسانه‌ای رئیس مجلس: «عملیات تروریستی شرق کشور عملیات پوششی برای جبران شکست بزرگ عملیات رژیم کودک‌کش صهیونیستی بود.»

علی بهادری جهرمی، فعال سیاسی: «تجمیع توان عبری ـ غربی با قدرت‌نمایی پدافند ایرانی، برای رژیم جعلی صهیونیستی و حامیانش حتی مصرف داخلی هم نداشت! حق ایران در پاسخ به شهادت مدافعان ایران و نقض حاکمیت کشور محفوظ است؛» «نه تعلل می‌کنیم و نه شتاب‌زده عمل می‌کنیم.»

طحان نظیف، سخنگوی شورای نگهبان: «امنیت و اقتدار امروز آسمان ایران، مدیون تلاش و رشادت دلاوران پدافند ارتش جمهوری اسلامی و آرامش مردم در گرو جانفشانی‌های این عزیزان است. شهادت جوانان سلحشور و فداکار پدافند به ارتش قهرمان و مردم غیور کشورمان تسلیت باد.»

شهباز شریف، نخست‌وزیر پاکستان: «عمیقاً از تهاجم اخیر اسرائیل علیه ایران نگرانم. این اقدامات نه تنها تهدیدی برای صلح و ثبات منطقه‌ای است، بلکه ناقض اصول حاکمیتی و حقوق بین‌الملل است. پاکستان این اقدام را شدیداً محکوم می‌کند و در کنار ایران و سایر همسایگانش می‌ایستد. ما همه طرف‌ها را به خویشتن‌داری و خودداری از تشدید بیشتر تنش‌ها دعوت می‌کنیم.»

نجاح محمدعلی، فعال رسانه: «رسانه‌های عبری: مردم تهران در خواب هستند و حمله را احساس نکردند و ما بیدار هستیم. معلوم نیست ما حمله کرده‌ایم یا آنها؟ چرا نخست‌وزیر زیر زمین است؟»

حسن عابدینی، فعال رسانه: «عملیات وعده صادق قدرت بازدارندگی موشکی و پهپادی ایران اسلامی برای تنبیه متجاوز را فراروی گیتی گذاشت. جهانیان بامدادان هم از توان پدافند هوایی کشور آگاه شدند که رژیم صهیونیستی با جنجال یک ماهه و تدارک یکصد فروند جنگنده برای عملیات ضد منافع ایران، دستاوردی نزدیک صفر داشت.»

مهدی کشتدار، مدیرعامل خبرگزاری میزان: «حکایت برخی کانال‌های خبری عجیب است؛ ایران رژیم صهیونیستی را با موشک هدف قرار می‌دهد، منابع‌شان غربی و عبری است؛ در تهران هم که صدا شنیده می‌شود منابع‌شان همان است. در ایران فعالیت می‌کنند، اما از کانال رژیم صهیونیستی عکس و فیلم حمله به تهران را برمی‌دارند!»

تاد بی تاد؟

ماهواره پشتیبان ناجی صهیونیست‌ها در فضا منفجر شد

امیرمهدی صالحی
کارشناس فناوری اطلاعات

به‌تازگی خبر انفجار «ماهواره IS-۳۳e» ساخت شرکت «بوئینگ» آمریکا منتشر شده است؛ ماهواره‌ای که به‌منزله پشتیبان سامانه دفاعی پیشرفته آمریکا و متحدانش شناخته می‌شود. این ماهواره در شرایط نامشخصی با «ناهنجاری» روبه‌رو و در فضا منفجر شده است. از آنجا که IS-۳۳e نقش مهمی در شبکه دفاعی آمریکا ایفا می‌کرد، این اتفاق می‌تواند بر عملکرد سامانه‌های پدافندی از جمله سامانه «تاد» تأثیر قابل توجهی بگذارد. درصورت درستی این خبر، این شکست نشان‌دهنده ضعف احتمالی در ساختار دفاعی آمریکاست که می‌تواند پیامدهایی گسترده برای امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی داشته باشد.

انفجار یک ماهواره پیشرفته در فضا، معمولاً می‌تواند ناشی از عوامل مختلفی باشد؛ ازجمله نقص فنی در طراحی، مشکلات ساختاری، یا حتی در برخی موارد حملات سایبری که برای تخریب یا مختل‌سازی عملکرد ماهواره‌ها صورت می‌گیرد. ماهواره IS-۳۳e که از سوی بوئینگ برای پشتیبانی اصلی حلقه دفاعی طراحی شده بود، انتظار می‌رفت بتواند در شرایط بحرانی حمایت لازم را فراهم کند. انفجار این ماهواره این سؤال را مطرح می‌کند که آیا فناوری‌های دفاعی و فضایی آمریکا همچنان قادر به حفظ سطح اطمینان و کارایی مطلوب خود هستند؟ اگر این حادثه نتیجه نقص فنی باشد، ممکن است اعتماد به قابلیت‌های نظامی بوئینگ و فناوری‌های دفاعی آمریکا تضعیف شود.

«سامانه دفاع موشکی تاد» (THAAD) یکی از پیشرفته‌ترین سیستم‌های دفاعی آمریکا محسوب می‌شود که برای مقابله با تهدیدات موشکی از راه دور طراحی شده است. نقش ماهواره IS-۳۳e به‌منزله پشتیبان تاد، تأمین اطلاعات و هماهنگی‌های لازم برای شناسایی و رهگیری موشک‌ها در مراحل اولیه پرتاب بود. با انفجار این ماهواره، به‌نوعی نقص در حلقه دفاعی آمریکا ایجاد شده که به‌طور بالقوه می‌تواند به کاهش عملکرد و کارایی سیستم تاد منجر شود. این اتفاق درصورت تداوم، توانایی آمریکا در محافظت از خود و متحدانش در برابر تهدیدات منطقه‌ای و جهانی را به خطر خواهد انداخت.

انفجار IS-۳۳e، ایالات متحده را با یک خلأ امنیتی مواجه کرده است و احتمالاً این کشور مجبور خواهد شد به‌سرعت به‌دنبال جایگزین‌ها یا روش‌های دیگری برای پر کردن این شکاف باشد. هرگونه آسیب‌پذیری در سامانه‌های پشتیبانی و دفاعی آمریکا، اعتبار و اعتماد متحدان آن را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین، این حادثه ممکن است سایر کشورها را به تقویت سیستم‌های داخلی دفاعی‌شان یا به کارگیری فناوری‌های جدید به جای تکیه بر فناوری‌های آمریکایی ترغیب کند.

این رویداد نه‌تنها به خدمات ارتباطی میلیون‌ها نفر در اروپا، آفریقا و آسیا و اقیانوسیه آسیب زده، بلکه زنگ خطری جدی برای آینده اکتشافات فضایی به صدا درآورده است. انفجار این ماهواره که بخشی از «صورت فلکی Epic» «شرکت In-telsat» بود، هزاران قطعه زباله فضایی تولید کرده است. این زباله‌ها با سرعت بسیار بالا در مدار زمین حرکت می‌کنند و تهدیدی جدی برای سایر ماهواره‌ها و فضاپیماها محسوب می‌شوند.

کارشناسان هشدار می‌دهند افزایش زباله‌های فضایی می‌تواند پدیده‌ای موسوم به «سندرم کسلر» را ایجاد کنند. در این پدیده، برخورد زباله‌ها با یکدیگر باعث ایجاد زباله‌های بیشتر شده و درنهایت مدار زمین به‌قدری شلوغ می‌شود که انجام هرگونه مأموریت فضایی غیرممکن خواهد شد.

برخی منابع خبری معتقدند ماهواره متعلق به بوئینگ، ماهواره پشتیبانِ رادار سامانه پدافندی تاد اهدایی آمریکا به اسرائیل بوده است که اکنون سقوط کرده و از دسترس خارج شده است. به اعتقاد این منابع خبری، به این ترتیب سامانه تاد کاملاً قابلیت عملیاتی خود را از دست خواهد داد. این ماهواره که در سال ۲۰۱۶ پرتاب شد، ارتباطات سراسر اروپا، آسیا و آفریقا را فراهم می‌کرد.

تاد یکی از سامانه‌هایی است که صهیونیست‌ها از آمریکایی‌ها تحویل گرفتند تا بتوانند درمقابل حملات موشکی ایران دوام بیارند، اما گویا تاد نیامده کارکرد خود را از دست داده است! هنوز مشخص نیست که تاد با از کارافتادن این ماهواره چقدر تأثیر گرفته است و به‌طور رسمی خبری منتشر نشده است. اما بدون شک، انفجار یکی از مهم‌ترین ماهواره‌های ارتش تروریستی آمریکا در فضا، بر عملکرد سامانه‌ها و پایش‌های این ارگان تروریستی تأثیرگذار خواهد بود.

گزارش

آپارتاید فناوران!

مایکروسافت هم حق آزادی بیان را از کارمندانش گرفت

گروه مجازستان
صبح صادق

«مایکروسافت» دو کارمند این شرکت را که در دفتر مرکزی آن برای فلسطینیان به شهادت رسیده در غزه مراسم یادبود برگزار کرده بودند، اخراج کرد.

این دو کارمند به «آسوشیتدپرس» گفتند چند ساعت پس از برگزاری مراسم یادبودی که در دفتر مرکزی مایکروسافت در «ردموند»، واقع در «واشنگتن» ترتیب داده بودند، با آنها تماس تلفنی گرفته شد و به این شکل از اخراج خود مطلع شدند. این دو کارمند، عضو ائتلافی به نام «نه به نژادپرستی» بودند. این ائتلاف با فروش ابزار و خدمات «رایانش ابری» مایکروسافت به دولت صهیونی مخالف هستند. این دو کارمند تأکید کردند این رویداد مشابه رویدادهایی است که دیگر کارمندان مایکروسافت در حمایت از تحریم فروش محصولات و خدمات این شرکت برگزار کرده‌اند. «عبده محمد» محقق داده در واکنش به اخراج خود گفت: «افراد زیادی در مایکروسافت خانواده، دوستان یا عزیزان خود را از دست داده‌اند. اما مایکروسافت واقعاً نتوانست فضایی برای این افراد فراهم کند تا آنها در کنار هم جمع شوند، غم و اندوه خود را به اشتراک بگذارند و یاد و خاطره افرادی را که دیگر نمی‌توانند از خودشان دفاع کنند، گرامی بدارند.» مایکروسافت روز جمعه در واکنش به این خبر گفت: «به فعالیت برخی افراد در این شرکت مطابق با سیاست داخلی خود پایان داده است»، اما از ارائه جزئیات بیشتر خودداری کرد. عبده محمد که اهل مصر است، باید تا دو ماه دیگری کاری بیابد تا ویزای کار وی تمدید شود و جلوی اخراج خود به مصر را بگیرد. «حسام نصر» دیگر کارمند اخراجی مایکروسافت هدف از برگزاری مراسم یادبود و دعاخوانی برای شهدای غزه را ایجاد توجه به همدستی مایکروسافت با رژیم صهیونی در نسل‌کشی فلسطینیان دانست؛ زیرا ارتش اشغالگران از فناوری‌های مایکروسافت برای کشتار استفاده می‌کند. به گفته وی، خبر اخراجش تنها یک ساعت بعد از تماس تلفنی در شبکه‌های اجتماعی اعلام شد و گروهی به نام مقابله با یهودستیزی این خبر را پخش کردند. هنوز مشخص نیست این گروه حامی رژیم صهیونیستی چگونه از موضوع مطلع شده است. این گروه چند ماه قبل از «ساتیا نادلا» مدیرعامل مایکروسافت خواسته بود به علت مواضع صریح حسام نصر، علیه اشغالگران برابر وی اقدام کند. نصر که مصری است سال ۲۰۲۱ از دانشگاه هاروارد فارغ‌التحصیل شد و یکی از سازمان‌دهندگان «انجمن فارغ‌التحصیلان حامی فلسطین دانشگاه هاروارد» است. گوگل نیز در اوایل سال جاری میلادی بیش از ۵۰ کارمند خود را پس از برگزاری یک تجمع اعتراضی به علت انتقال فناوری به رژیم صهیونی در جریان حملات صهیونیست‌ها به غزه اخراج کرده بود. این شرکت، در قالب طرحی ۱/۲ میلیارد دلاری موسوم به «نیمباس» و با همکاری شرکت «آمازون»، از سال ۲۰۲۱ خدمات رایانش ابری و هوش مصنوعی به دولت صهیونی ارائه می‌دهد.

نرم‌افزار

کلم پیچ

چالش کالری شماری چهل روزه

از آنجا که نرم‌افزارهای کالری‌شمار بدون هدف هستند و معمولاً کاربران پس از مدتی کالری‌شماری را رها می‌کنند، ایده «چالش چهل‌روزه کلم‌پیچ» به‌وجود آمد. در این روش، به مدت چهل روز کالری روزانه هدف‌گذاری می‌شود و جمع‌بندی نهایی، کالری‌شماری را در کاربران هدفمند می‌کند. «کلم‌پیچ» براساس فرمول علمی «میفلین‌جوئر» و همچنین میزان فعالیت روزانه، کالری مورد نیاز بدن فرد در وزن فعلی را محاسبه می‌کند و براساس انتخاب کاربر، کالری مورد نیاز را کاهش/افزایش می‌دهد و در نهایت کاهش/افزایش وزن اتفاق می‌افتد.

پژواک

جریمه نجومی

گوگل اندازه کل پول دنیا جریمه شد!

روسیه گوگل را ۲/۵ دسیلیون دلار جریمه کرده که در تاریخ شرکت‌های فناوری بی‌سابقه است. یک دسیلیون برابر با عدد ۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ است. علت اصلی این جریمه حذف حساب‌های کاربری رسانه‌های روسی از گوگل و حذف محتوای مستقل تولید شده از سوی روس‌ها از این موتور جست‌وجوی آمریکایی است. گوگل در سال ۲۰۲۰ حساب‌های کاربری چندین رسانه روسی را با ادعای طرفداری از دولت روسیه از یوتیوب حذف کرد. این امر باعث شد دولت روسیه هر روز گوگل را صدهزار روبل جریمه کند. این جریمه‌های روزانه هر هفته دوبرابر می‌شود. «آلفابت» شرکت مادر تخصصی گوگل در سال ۲۰۲۳ درآمدی معادل ۳۰۷ میلیارد دلار داشته است.

خبر خوب

خانه هوشمند

محققان ایرانی دست به کار شدند

یک شرکت دانش‌بنیان با هدف ارتقای کیفیت زندگی و بهبود ایمنی ساختمان‌ها، اقدام به طراحی و تولید سیستم‌های هوشمند ساختمان کرده است. این شرکت با ارائه «بسته جامع خانه هوشمند» به منزله یکی از معدود تولیدکنندگان این حوزه در کشور شناخته شده است و قصد دارد با حذف نیاز به محصولات خارجی، تحولی در بازار هوشمندسازی ایجاد کند. برای نمونه، «پکیج خانه هوشمند» از محصولات دانش‌بنیان این شرکت است که همه ویژگی‌های کاربردی و مورد نیاز مصرف‌کننده را در خود گنجانده است و با قیمتی مناسب‌تر از نمونه‌های خارجی ارائه می‌شود.

اراده معتبر

جمهوری اسلامی ایران و مسئله بازدارندگی

مصطفی قربانی
دکترای علوم سیاسی

تحلیل نوع و ماهیت اقدامات رژیم صهیونیستی در برابر محور مقاومت و از جمله، حمله اخیر این رژیم به ایران، نشان می‌دهد این رژیم درحال اجرای بازی «جوجه یا جوانک ترسو» است؛ به این ترتیب که در رویارویی با محور مقاومت تلاش می‌کند با حملات کور و دیوانه‌وار، هراس لازم را در طرف مقابل ایجاد کرده و او را به تسلیم وادار کند. تمرکز رژیم صهیونیستی بر این بازی، به دلیل بن‌بستی است که این رژیم در برابر جبهه مقاومت اسلامی در آن گرفتار شده است. این رژیم از یک سو نمی‌تواند جنگ را بدون دستاورد مشخصی به پایان برساند و از سویی هم تمایل ندارد هزینه‌های بی‌شمار تداوم جنگ را تحمل کند. بنابراین، با روی آوردن به بازی مبتنی بر تشدید وحشت، می‌خواهد طرف مقابل را تسلیم کند. با توجه به آنچه گفته شد، سؤال این است که کیفیت مواجهه با رژیم صهیونیستی با درنظرگرفتن ماهیت بازیگری آن، باید چگونه باشد؟

راهبرد جمهوری اسلامی ایران در برابر رژیم صهیونی

راهبرد جمهوری اسلامی ایران در برابر رژیم صهیونی، مبتنی بر «تثبیت معادله بازدارندگی» است. بر این اساس، جمهوری اسلامی باید اقداماتی انجام دهد تا رژیم صهیونیستی از تجاوز به حریم ایران و محور مقاومت پشیمان شود و دیگر برای هیچ برهه‌ای، به حریم ایران اسلامی و سایر اضلاع محور مقاومت تجاوز نکند. در این میان، نکته مهم این است که عملیات‌های وعده صادق ۱ و ۲، با همین هدف صورت گرفتند؛ اما پرسش اینجاست که در مقطع کنونی چه باید کرد تا این بازدارندگی به‌صورت مطمئن و دائمی تثبیت شود؟ در توضیح باید گفت، بازدارندگی چهار رکن دارد که عبارتند از:

۱ـ قابلیت؛ به معنای داشتن ظرفیت‌های لازم برای پاسخ به حمله طرف مقابل؛

۲ـ اعتبار؛ یعنی داشتن اراده لازم برای ارائه پاسخ معتبر به تهدیدهای طرف مقابل؛

۳ـ ثبات؛ در این زمینه، زمانی اقدامی بازدارنده تلقی می‌شود که محاسبات رهبران طرف مقابل را تغییر داده باشد؛

۴ـ ارتباط؛ به معنای انتقال پیام به طرف مقابل درباره اهداف؛ به ویژه ارسال این پیام که درصورت ادامه تهدیدات وی، پاسخ محکم‌تری را دریافت خواهد کرد.

در بررسی تطبیق این ارکان با وضعیت قدرت جمهوری اسلامی ایران می‌توان گفت، جمهوری اسلامی از قابلیت‌های لازم و کافی برای پاسخ به تهدیدهای صهیونیست‌ها برخوردار است. برای نمونه، می‌توانیم به عملیات‌های موفق وعده صادق ۱ و ۲ اشاره کنیم. در این عملیات‌ها، پرتابه‌های ایران اعم از موشک و پهپاد، از لایه‌های گوناگون پدافندی رژیم صهیونیستی عبور کردند. این در حالی است که چندین کشور با صهیونیست‌ها در رهگیری پرتابه‌ها همکاری داشتند. همچنین، طی کردن مسافت زیاد به وسیله پرتابه‌ها از نکات قابل توجه در این عملیات بود. همچنین با وجود داشتن زمان کافی برای رهگیری این پرتابه‌ها، به‌ویژه در عملیات وعده صادق ۱، این پرتابه‌ها در اصابت قرار دادن اهداف تعیین شده در عمق سرزمین‌های اشغالی موفق عمل کردند.

در زمینه اعتبار نیز می‌توان به اراده جمهوری اسلامی ایران برای دادن پاسخ معتبر به طرف مقابل اشاره کرد؛ این در حالی است که جمهوری اسلامی می‌داند این رژیم نامشروع با زیرپاگذاشتن تمام پروتکل‌های حقوق بین‌الملل و کنوانسیون‌های آژانس جهانی هسته‌ای و از طرق غیرقانونی در پرتو حمایت‌های ظالمانه قدرت‌هایی، چون آمریکا، انگلیس، فرانسه و برخی از رژیم‌های منطقه‌ای به یک قدرت اتمی تبدیل شده است. درواقع، رویارویی با قدرتی با این مختصات، نشان‌دهنده اراده راسخ جمهوری اسلامی ایران برای موازنه‌سازی تهدیدهاست. سران بزدل صهیونیستی نیز می‌دانند ایران اراده و قدرت لازم برای مقابله با تهدیدهای این جرثومه فساد در منطقه را دارد.

با توجه به آنچه گفته شد، جمهوری اسلامی به‌خوبی ثابت کرده است که در برابر دشمن صهیونیستی و حامیان آن، هم از قابلیت‌ها و هم از اراده لازم برای ارائه پاسخ معتبر به تهدیدها و اقدامات آنها برخوردار است. رکن ارتباط نیز مربوط به موضع‌گیری‌های مقامات و اقدامات رسانه‌ای درباره اهداف عملیات وعده صادق بود که این نیز به‌خوبی ترسیم و اجرا شد.

با این حال، با توجه به رکن ثبات در بازدارندگی که مبتنی بر تغییر محاسبات طرف مقابل است، به‌نظر می‌رسد این رکن هنوز به‌صورت کامل حاصل نشده است. در واقع، اگرچه عملیات‌های وعده صادق با موفقیت انجام شده‌اند، اما هنوز طرف مقابل در قبال توانایی‌های جمهوری اسلامی گرفتار خطای محاسباتی است و به تعبیر عامیانه، «سر عقل نیامده است». در این شرایط، به اقتضای شرایط و ماهیت بازی رژیم صهیونیستی در برابر جمهوری اسلامی ایران و سایر اضلاع محور مقاومت، نوع پاسخ به رژیم صهیونیستی باید به‌گونه‌ای باشد که به تعبیر رهبر معظم انقلاب، ضمن «فهماندن قدرت ایران» به طرف مقابل، نظام محاسباتی او در برابر ایران تغییر کند.

سخن پایانی

دو نکته مهم در این زمینه آن است که به احتمال زیاد اکنون صهیونیست‌ها به خیال خام خود تصور می‌کنند توان عملیات و ضربه زدن را از جمهوری اسلامی سلب کرده‌اند و جمهوری اسلامی ایران به هیچ‌وجه آماده ورود به جنگ نیست و پاسخ خود را همواره در سطح ایجاد بازدارندگی حفظ می‌کند. مبتنی بر محاسبه دوم است که آنها فضای تصاعد و تشدید بحران در منطقه را تقویت کرده‌اند. بنابراین، در تلاش برای پاسخ به غلط اضافی صهیونیست‌ها باید دقت شود اول اینکه توانایی جمهوری اسلامی ایران، همچون گذشته برای طرف مقابل اثبات شود و دوم پیامدها و مخاطرات ورود جمهوری اسلامی به جنگ و آمادگی برای این مهم نیز برای طرف مقابل و همچنین منطقه غرب آسیا ترسیم شود. به نظر می‌رسد در این صورت است که نظام محاسباتی صهیونیست‌ها در برابر جمهوری اسلامی و محور مقاومت تغییر خواهد کرد و آنها دیگر گرفتار خطای محاسباتی نخواهند شد. در سایه توجه به این مهم است که قدرت بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران در برابر صهیونیست‌ها تثبیت می‌شود.

تبیین

جنگ روایت‌ها و جهاد تبیین - ۱۱۱

ضربه به استکبار

امیر قلی‌زاده
کارشناس سیاسی

سال گذشته، رهبر معظم انقلاب در دیدار با هزاران نفر از دانش‌آموزان و دانشجویان ضمن اشاره به سه مناسبت ۱۳ آبان، فرمودند: «آمریکایی‌ها در دو مناسبت به ملت ایران ضربه زدند؛ در ۱۳ آبان ۱۳۴۳ که پس از خروش امام خمینی(ره) در مخالفت شدید با مصوبه خفت‌بار کاپیتولاسیون، یعنی «مصونیت آمریکایی‌ها در ایران از پیگیری قضایی هرگونه جرم و جنایت»، ایشان را تبعید کردند و در ۱۳ آبان ۱۳۵۷ که رژیم دست‌نشانده آمریکا در ایران، جمعی از دانش‌آموزان را در مقابل دانشگاه تهران به خاک و خون کشید؛ اما در مناسبت سوم، یعنی تسخیر سفارت آمریکا به‌دست دانشجویان، ملت ایران به آمریکا ضربه زد و با افشای اسرار و اسناد پنهان سفارت، آبروی آمریکا را در جهان برد.»

«کاپیتولاسیون» یا حق قضاوت کنسولی در استعمار ریشه دارد و کشورهای استعمارگر این قانون را به کشورهای ضعیف تحت سلطه به‌منظور تحقیر آنها تحمیل می‌کنند. پس از سه دهه از لغو قانون کاپیتولاسیونی که طی معاهده ترکمانچای برای اتباع روسیه در ایران به رسمیت شناخته شده بود، پهلوی دوم آن را بار دیگر از طریق کابینه «اسدالله علم» در سیزدهم مهر سال ۱۳۴۲ با اعطای مصونیت قضایی به اتباع آمریکایی احیا کرد؛ اما امام خمینی(ره) طی نطقی تاریخی در ۴ آبان ۱۳۴۳ این اقدام طاغوت پهلوی را رسوا کرد و ملت ایران پس از ۱۴ سال این تحقیر را با عزت و کرامت انقلاب اسلامی علیه ساختار استبدادی وابسته به استعمار خارجی در بهمن ۱۳۵۷ جبران کرد.

روند مداخلات، جاسوسی‌ها، تهدیدها و اعمال فشارهای اقتصادی آمریکا ادامه داشت تا اینکه بار دیگر ملت انقلابی ایران با تسخیر لانه جاسوسی آمریکا، که به روز «مبارزه با استکبار جهانی» نامگذاری شده است، پیروزی‌ای بزرگ‌تر از انقلاب اول را رقم زد که امام راحل آن را انقلاب دوم نامیدند. حاصل انقلاب دوم ملت ایران، شکست هیمنه آمریکا در جهان بود. در ابتدای انقلاب و دولت موقت با هدف وادار کردن آمریکا به استرداد شاه و اموال ملت ایران، دانشجویان تصمیم گرفتند سفارت آمریکا را اشغال کنند. دانشجویان گرد هم آمدند و با وجود مقاومت محافظان و آمریکایی‌ها، سفارت را به تصرف کامل درآوردند. امام خمینی (ره) نیز در پیامی این حرکت را انقلاب دوم و بزرگ‌تر از انقلاب اول نامیدند. این حرکت دانشجویان معترض، خشم آمریکایی‌ها را برانگیخت و به اقداماتی ضد جمهوری اسلامی ایران دست زدند؛ از جمله فشار آوردن به مجامع بین‌المللی، مانند سازمان ملل، سازمان کنفرانس اسلامی، شورای امنیت و ...، ایجاد جو منفی تبلیغاتی علیه دانشجویان مسلمان و برخی اقدامات دیگر. اما پس از بی‌ثمر ماند.

آفاق

نسبت مصلحت با تفکر انقلابی-۳۳

سود و زیان مصلحت‌سنجی!

محمدرضا ملایی
پژوهشگر اندیشه سیاسی

آیا مصلحت‌سنجی با در نظر گرفتن معیارهای متعدد، در نهایت به سود مردم خواهد بود یا خیر؟ در واقع گویا این سؤال، از این ذهنیت برخاسته است که مصلحت همیشه باید به‌نفع مردم باشد و منفعت مردم پای معیارهای گوناگون، مانند مخالفت نکردن با کتاب و سنت الهی و یا حفظ نظام و... ذبح شده است! به عبارت دیگر، تنها چیزی که اهمیت ندارد، منفعت مردم است و فایده و سود مردم به یکی از معیارهای جزئی در کنار معیارهای گوناگون دیگر تبدیل شده و در عمل تحت‌الشعاع آنها قرار گرفته است. این در حالی است که کشورهای توسعه یافته، اگر به مصلحت‌سنجی دست می‌زنند، جهت تأمین منافع مردمِ خود این کار را می‌کنند.

این تحلیل هم از نگاه معرفتی و هم از منظر تجربی اشتباه است. از نگاه معرفتی اشتباه است، زیرا منفعت را در سود مادی و روزمره خلاصه کرده است. طبق این نگاه، صنعت هسته‌ای ایران، چون موجب تحریمِ‌های کنونی شده باید تعطیل شود. به تعبیر برخی‌ها، با وجود نفت فراوان ایران و فروش آن، به انرژی پردردسر هسته‌ای نیازی نداریم؛ اما مشکل اینجاست که این تصویر و ارزیابی از تحریم‌ها و انرژی فسیلی و صنعت هسته‌ای کاملاً اشتباه است؛ زیرا تحریم‌ها ارتباطی به صنعت هسته‌ای ندارند و ما اگر صنعت هسته‌ای هم نداشتیم، باز هم این تحریم‌ها را تجربه می‌کردیم؛ کما اینکه در دهه هفتاد که صنعت هسته‌ای ایران وجود نداشت، «تحریم‌های داماتو» تصویب شد.

حتی اگر بپذیریم تحریم‌ها به دلیل صنعت هسته‌ای است و اگر از این صنعت دست برداریم، تحریم‌ها برطرف می‌شوند، باز هم باید توجه کنیم سختی‌هایی که اکنون به دلیل تحریم‌ها تحمل می‌کنیم، به مراتب کمتر از سختی‌هایی است که بعد از اتمام انرژی فسیلی و نیاز به منابع جدید انرژی تجربه خواهیم کرد. در چنین شرایطی، با توجه به معیارهای گفته شده، طبیعی است منفعتِ مقطعی و ناپایدار چندساله را باید به دلیل منفعتِ قطعی و پایدار و همیشگی کنار بگذاریم. بنابراین تأکید بر انرژی هسته‌ای نه‌تنها به مصلحت مردم خواهد بود و دست برداشتن از آن، به‌ضرر مردم است. حال اگر معیارهای پیش‌گفته را رعایت نکنیم، ممکن است به این نتیجه برسیم که برای چند سال محدود و به‌طور موقت، از هسته‌ای شدن دست برداریم به امید اینکه در آینده، کشورهایی که اکنون به دلیل هسته‌ای‌شدن، ما را تحریم می‌کنند هنگام تمام شدن نفت، انرژی هسته‌ای را به ما می‌دهند. شاید چنین محاسبه‌ای بسیار بچه‌گانه و مضحک به‌نظر برسد؛ ولی این محاسبه در عالم واقع اتفاق افتاده است.

سیاست‌نامه

سیدمحمدباقر صدر- ۲۰

نگرش روش‌مند

مسعود پورفرد
کارشناس سیاسی

اینکه کسی صاحب مکتب فکری و علمی باشد، به‌تنهایی برای نشان دادن قدرت و برتری او در تولید محتوای علمی و تحلیلی کافی نیست، بلکه شیوه خلاقانه و نوآوری در روش هم مهم است. یکی از موفقیت‌های تفکر غربی در ارائه مباحث اندیشه‌ای و ایدئولوژیک از رنسانس به بعد، به نوع ارائه روش‌مند مباحث و یافته‌های علمی‌شان برمی‌گردد. از این منظر، «شهید صدر» در ابداع روش‌های ابتکاری در ارائه مباحث تفسیر موضوعی و همچنین در مباحث اقتصادی، الگو و نمونه‌ای درس‌آموز برای طلبه‌ها و دانشجویان مسلمان است. و حال آنکه معمولاً این مباحث در ضمن ابواب پراکنده فقهی، مثل مالکیت زمین، ربا، مزارعه و مضاربه طرح می‌شد.

از مشخصات اندیشه صدر، روش‌مندی علمی و فنی او در پرداختن به هر موضوعی است که برای تدریس یا تحقیق انتخاب می‌کرد. از این‌رو می‌بینیم مباحث فقهی و اصولی ایشان از لحاظ روش و ترتیب فنی بحث، نسبت به بحث‌های محققان گذشته کاملاً فرق می‌کرد. او نه‌تنها تمایل داشت این روش را در موضوع اقتصاد اجرا کند، بلکه می‌خواست در تمام شاخه‌های معرفت مانند تفسیر، تاریخ و سیره نیز به اجرا درآورد. او نمونه جالبی از اجرای این روش واقع‌بینانه را در مورد تاریخ زندگی ائمه(ع) به‌کار بست. در این جهت‌گیری و گرایش جدید، بنا به گفته شهید: «به تاریخ زندگانی هر امام براساس نگاه کلی و مجموعه‌ای پرداخته می‌شود نه جزئی‌نگری؛ یعنی به ائمه(ع) به‌عنوان یک مجموعه مرتبط با هم نگریسته می‌شود و تمام این مجموعه با هم تحقیق و بررسی شده و سیمای کلی و اهداف مشترک و درون‌مایه اصیل آن کشف شده و پیوستگی اجزای این مجموعه و در نتیجه نقش واحد همه ائمه در رشد حیات اسلامی فهمیده می‌شود.»

این روش واقع‌نگر در تقسیم‌بندی ابتکاری وی در «رساله فقهی الفتاوی‌الواضحه» و نیز در درس‌های «تفسیر موضوعی قرآن» ایشان در نجف اشرف، کاملاً مشهود است. در درس‌های تفسیر تأکید زیادی بر این نکته داشتند که برای رسیدن به نص قرآن و فهم آن باید حرکت را از متن واقع آغاز کرد. در این مورد تأکید می‌کرد: «تفسیر از متن واقع (واقعیات خارجی و اجتماعی) شروع شده و به قرآن ختم می‌شود نه اینکه از قرآن شروع و به قرآن ختم شود، چه در این صورت، قرائت قرآن بر کنار از واقع و بریده از میراث تجربه بشری است. بلکه تفسیر باید از واقع شروع و به قرآن پایان یابد، چراکه قرآن منبع ماندگاری است که در پرتو آن، جهت‌گیری‌های الهی انسان با واقعیت‌ها پیوند می‌خورد.»

هدف از اجرای این روش، همچنان‌که شهید در کتاب تفسیر موضوعی قرآن بدان تصریح می‌کند: «رسیدن به نظریه قرآنی نبوت، نظریه قرآنی نظام اقتصادی، نظریه قرآنی در سنت‌های تاریخ و آسمان‌ها و زمین است.»

یک جان ناقابل برای خرمشهر عزیز

روایتی از زندگی شهید محمد افتخاریان که در عملیات بیت‌المقدس شهید شد

فاطمه ساداتی
پژوهشگر

آن زمان که «حاج آقا مبارکه» مسجد محله‌شان را خشت به خشت و آجر به آجر بنا کرد، نه تهران چنین بزرگ و وسیع شده بود و نه مانند امروز همسایه، همسایه خود را نمی‌شناخت. «محله حسین‌آباد» و «میدان هروی» شبیه باغ محله‌ای کوچک در اطراف تهران بود که ساکنان، همه یکدیگر را خوب می‌شناختند. رودخانه بزرگی از میان محله عبور می‌کرد که دیگر امروزه خبری از آن نیست و هر طرف که چشم می‌چرخاندی، باغ و درخت بود که روح را نوازش می‌داد.

پدر «شهید محمد افتخاریان» از اهالی قدیمی و از معتمدان همین محله بود. به قول دخترش، «آنقدر این محله سرسبز و باصفا بود که هر سال سیزده بدر ۷۰، ۸۰ نفر از فامیل در خانه ما جمع می‌شدند و از روی پلی که روی رودخانه نصب شده بود (امروز دیگر، نه پل هست و نه رودخانه!) می‌گذشتیم و در باغ‌های اطراف خانه سیزدهمین روز عید را به در می‌کردیم. حتی تا همین چند سال پیش هم بخشی از خیابان‌های این منطقه خاکی بود و آسفالت نشده بود.»

«محمد افتخاریان» اصالتاً اهل «دامغان» است و بعدها خانواده‌اش به بهشهر نقل مکان کردند. هنوز انقلاب نشده بود که به خدمت سربازی رفت. حضرت امام (ره) که پیام فرار از سربازی را به سربازان داد، محمد هم در پادگان نماند. بعد از انقلاب به تهران رفت و ادامه سربازی‌اش را در پادگان ۰۶ پاسداران گذراند، مدتی هم به عنوان سرباز به طبس رفت، درست زمانی که آمریکایی‌ها برای انجام عملیاتی با هدف شکستن انقلاب اسلامی به طبس آمده بودند، اما گرفتار طوفان شن شدند. محمد پس از پایان سربازی در تهران ماند و در کمیته منطقه ۴ مشغول به کار شد. همانجا با یکی از دوستانش موضوع ازدواج را مطرح کرد.

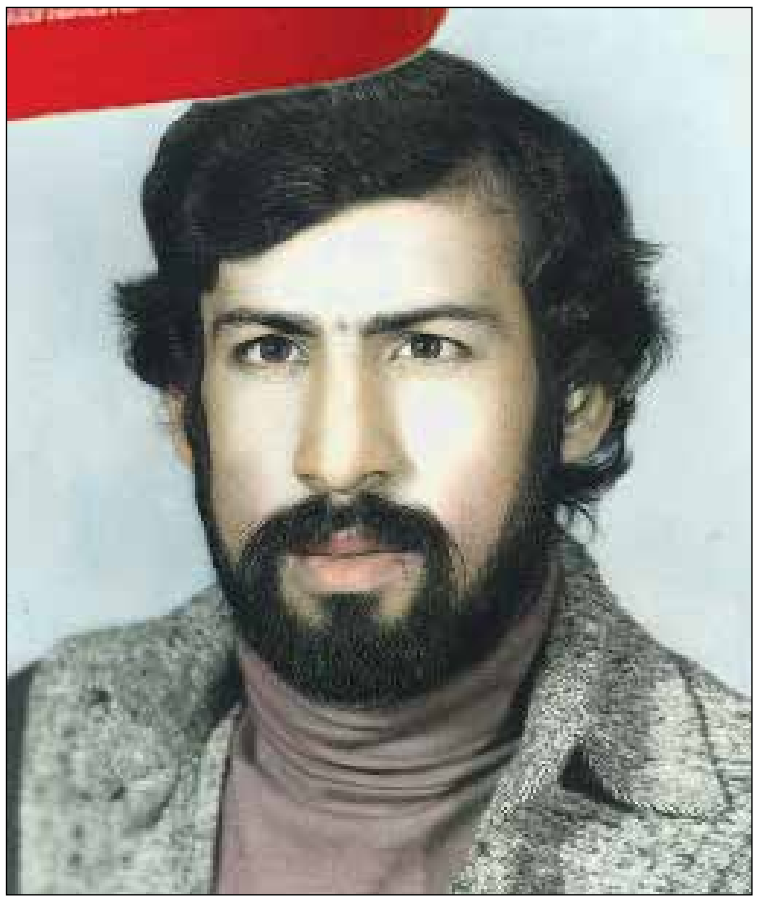

برای رزمنده‌ها دعا کنید

«خانم مبارکه» ادامه ماجرای زندگی محمد افتخاریان را اینگونه تعریف می‌کند: «پسرخاله من با آقا محمد در کمیته آشنا شد و وقتی خواسته محمد برای ازدواج را فهمید و احساس کرد پسر خوبی است، من را که از اقوام همسرش بودم، به محمد معرفی کرد، در واقع واسطه آشنایی ما شد.»

ثمره یک سال ونیم زندگی محمد افتخاریان و خانم مبارکه فرزندی بود که اسمش را «مهدی» گذاشتند. مهدی تازه به دنیا آمده بود که جنگ شروع شد، اما همزمانی تولد فرزند و شروع جنگ برای مردی که دلش در گرو اسلام و انقلاب بود، مانعی برای رفتنش به جبهه نشد. همسرش در این‌باره می‌گوید: «حرفش این بود که امام دستور داده مردم سنگرها را پر کنند و اگر من نروم، پس چه کسی برود؟ او از اولین عملیات‌های دفاع مقدس نیز در جبهه حضور داشت. همیشه به پدرم که اهل مسجد بود، می‌گفت در مسجد برای رزمنده‌ها دعا کنید، دعا کنید خرمشهر را پس بگیریم، حتی اگر شده برای وجب به وجب آن خون بدهیم. پدرم هم همین کار را می‌کرد و هر بار که به مسجد می‌رفت، چون از بانیان تأسیس مسجد و از بزرگان محله بود، از مردم می‌خواست برای رزمنده‌ها دعا کنند.»

من حسینی‌وار به جبهه می‌روم، تو زینبی‌وار راهم را ادامه بده!

مانند همه شهدا، محمد افتخاریان هم ویژگی‌های خوبی داشت که هم او را شبیه دیگر شهدا می‌کرد و هم متمایز از دیگرانی که در پی شهادت سال‌ها دویدند، اما قسمت‌شان شهادت نبود.

پاسخ سؤال مدیر «فرهنگسرای صدف» درباره ویژگی‌های شهید که دیدار با همسر شهید محمد افتخاریان با هماهنگی او انجام شد، از زبان همسر شهید اینگونه است: «محمد انسان مردم‌داری بود و هرجا که فرصتش پیش می‌آمد، سعی می‌کرد دست‌گیر باشد و البته تلاشش این بود که شناخته هم نشود. خیلی متواضع و قانع بود، زندگی را سخت نمی‌گرفت، اگر روزی غذا نمی‌پختم، می‌گفت مهم سیر شدن است، یک قابلمه آب داغ و نان تیلیت می‌کنیم و می‌خوریم. خیلی به پدر و مادرش احترام می‌گذاشت، تا زمانی که دامغان بودند مدام به آنها سر می‌زدیم و وقتی هم که به بهشهر رفتند، به آنجا رفت و آمد داشتیم، در عین حال به اقوامش هم سر می‌زد. همیشه می‌گفت اگر من حسینی‌وار رفتم جنگ، تو هم زینبی‌وار باش. خیلی هم به ورزش علاقه داشت و ورزش باستانی را در خانه کار می کرد.»

هر کس سهمی دارد!

«عملیات بیت‌المقدس» پس از گذشت حدود دو سال از جنگ با هدف بازپس‌گیری خرمشهر در اردیبهشت سال ۱۳۶۱ آغاز شد. محمد افتخاریان هم که دیگر به عنوان یک نیروی پاسدار مدت‌ها بود به خدمت اسلام و انقلاب درآمده بود، برای رفتن به عملیات سر از پا نمی‌شناخت. با اینکه دوستانش به محمد گفته بودند با وجود فرزند کوچکت بمان و ما به جای تو به عملیات می‌رویم، محمد قبول نکرده بود؛ چون معتقد بود هر کس در این کارزار باید سهم خودش را بدهد.

محمد به عنوان آرپی‌جی زن مشغول جنگیدن با صدامیان بود که به شهادت رسید.

فردای شهادت محمد، شهر آزاد شد تا آرزوی او برای بازگردندان شهر به خاک کشور برآورده شود. چند روز بعد خانواده‌اش خبر شهادت را برای همسر و فرزند یک ساله‌ونیمه‌اش بردند تا او اولین شهید محله لویزان و هروی باشد.

خانم مبارکه یادی هم از دیگر شهید خانواده افتخاریان می‌کند، «حبیب‌الله». حبیب‌الله از نخبه‌های پزشکی و تحصیلکرده دانشگاه بن آلمان بود و مسئولیت‌های فراوانی را در سپاه استان‌های گیلان و مازندران و گلستان برعهده داشت و مدتی نیز عهده‌دار فرماندهی سپاه شهر مریوان شد. «شهید حبیب‌الله افتخاریان» برادر بزرگ‌تر آقا محمد سه سال بعد از او در مریوان شهید شد. دو پسر داشت و دختر کوچکش را هنوز ندیده بود و جالب اینکه به همسرش گفته بود اگر من شهید شدم و فرزندم را ندیدم، قنداقه او را روی تابوت من بگذارید، که همانطور هم شد.»

دیدار شیرین

دیدار با رهبر معظم انقلاب برای خانواده شهدا مایه آرامش است، این را هر کدام از خانواده‌هایی که حضرت آقا به دیدارشان آمده یا خود به دیدار ایشان رفتند، لابه‌لای حرف‌های‌شان اشاره می‌کنند. این لطف شهید و جایگاه والای اوست که رهبر یک ملت، متواضعانه در مقابل خانواده شهدا حضور می‌یابد و مورد تکریم‌شان قرار می‌دهد. خانم مبارکه خاطره حضور حضرت آقا در منزل‌شان را اینگونه تعریف می‌کند: «سال ۷۵ـ۷۶ بود که حضرت آقا به منزل ما آمد، آنقدر این دیدار شیرین بود که واقعا اشک شوق می‌ریختیم، صبحی بود که تماس گرفتند و خبر دادند که از صدا و سیما قرار است بیایند منزل ما و هر مدارکی که از شهید داریم را دم دست داشته باشیم. نیم ساعت به اذان مغرب بود که گفتند رهبر معظم انقلاب هم قرار است بیاید، چه حالی داشتیم و انگار خودمان را گم کرده بودیم. سه شب قبلش تلویزیون جانبازان را نشان می‌داد که توی دلم گفتم خوش به سعادت‌شان که به دیدن آقا آمدند، یعنی قسمت ما هم می‌شود؟! درست سه روز بعد، ایشان خودشان به منزل ما تشریف آوردند.

دخترم فاطمه که از دیدن آقا شوکه شده بود، داخل اتاق رفته بود و بیرون نمی‌آمد، حضرت آقا که متوجه این موضوع شد، گفت من تا فاطمه را نبینم نمی‌روم. همین شد که فاطمه از اتاق آمد و ایشان هم دستی به سرش کشید. به آقا گفتم من از خدا خواسته بودم شما را از نزدیک ببینم، ایشان گفت، چرا من حقیر را خواستید، چیزهای بزرگ‌تری از خدا بخواهید.»

قبیله عشق

کلاس درس در خاکریز جنگ!

نبی‌الله سواد نداشت و برایم این پرسش مطرح شد که پس چگونه وصیت‌نامه‌اش را نوشته است؟ به سراغ دوست همرزمش رفتم که در آخرین روزهای حیات شهید در کنارش عکس یادگاری گرفته بود. او گفت: «ما با نبی‌الله سه ماه در مهاباد مستقر بودیم که به دلیل اوضاع نابسامانی که آنجا داشت، ما در مقری در میدان گوزن‌ها ماندگار شدیم. در مکانی که مأموریت‌مان بود، اوقات فراغت زیادی داشتیم. یک شب نبی‌الله گفت چون امام تکلیف کرده‌اند که درس بخوانیم، من می‌خواهم همراه با جنگ و حضورم در جبهه از فرصت‌ها استفاده کرده و درس هم بخوانم. این را که گفت، من هم استقبال کردم و شروع کردم به آموزش او. دفتری تهیه کرده بود و من هم هر شب سرمشقی داده و درسش را پیگیری می‌کردم. دو سه روزی به شهادتش مانده بود که گفت می‌خواهم وصیت‌نامه‌ای بنویسم. لذا دفترچه وصیت‌نامه‌ای را که تهیه کرده بود، به من داد و گفت هرچه می‌گویم بنویس. دفترچه را گرفتم و در حالی که اصلاً باورم نمی‌شد او اینگونه مقید به انجام فرایضش باشد، پرسش‌های دفترچه را می‌خواندم و پاسخ‌های او را می‌نوشتم. به صفحه ۱۱ وصیت‌نامه که رسیدیم، نوشته بود: «و مطالبات من به این شرح است»، دفترچه را از من گرفت و گفت این قسمت را خودم می‌خواهم بنویسم. دفترچه را به او دادم. هنوز املای بعضی از کلمات را به درستی نمی‌دانست. لذا از من می‌پرسید و من برایش روی کاغذ دیگری نوشته و او از روی نوشته من، می‌نوشت. وقتی نبی‌الله این چند جمله «طلبکاری‌هایم را بخشیدم. از مال دنیا یک تیشه و ماله دارم، آن را هم به جهاد سازندگی بدهید!» را در دفترچه‌اش نوشت، من خنده‌ام گرفته بود. گفتم: «آخه یک ماله چه ارزشی دارد که می‌خواهی در وصیت‌نامه‌ات آن را به جهاد بدهی؟» و او در کمال صداقت و سادگی گفت: «اتفاقاً ماله‌اش خیلی خوب است. از این ماله‌های معمولی نیست!»»

به نقل از برادر شهید نبی‌الله کریمی

«نبی‌الله کریمی» سال ۱۳۳۷ در روستای «قشلاق نوروز» از توابع شهرستان «بیجار» در خانواده‌ای متدین متولد شد. اسمش در شناسنامه باب‌الله و سال تولد ۱۳۴۳ ثبت شده است. با پیروزی انقلاب اسلامی، فعالیت ضدانقلاب و گروهک‌های تروریستی تجزیه‌طلب و جیره‌خوار استکبار در نقاط مختلف کردستان به ویژه بیجار آغاز شد. ضدانقلاب با پشتوانه استکبار و آمریکا برای ناامن جلوه دادن ایران اسلامی به میدان آمدند؛ اما با غیرتمندی مردم شهرها و روستاها نقشه‌های شوم آنان نقش برآب شد. او در آبان ماه ۱۳۶۰ زمانی که در میدان گوزن‌های «مهاباد» مشغول گشت‌زنی بود، مورد حمله منافقین قرار گرفت، نبی‌الله پشت یک کامیون سنگر گرفته و مشغول پشتیبانی از نیروها بود که به‌دست منافقین به شهادت رسید.

دیده‌بان

شهدای امنیت

پیکرهای مطهر چهار نفر از شهدای پدافند هوایی ارتش که در تجاوز رژیم صهیونی به کشورمان، سحرگاه شنبه، پنجم آبان به شهادت رسیدند، روز دوشنبه هفتم آبان در زادگاه این شهدا تشییع شد. بر این اساس، مراسم تشییع «شهید سرگرد منصوری» در کرمانشاه، «شهید سرگرد جهاندیده» در رامهرمز، «شهید استوار یکم شاهرخی‌فر» در شوشتر و «شهید استوار یکم نقوی» در بروجرد برگزار شد. همچنین پیکر «شهید اللهوردی رحیم‌پور» شهروند عادی که در حملات رژیم صهیونیستی در حومه تهران به شهادت رسیده بود، در نسیم‌شهر تشییع و در گلزار شهدای امامزاده حسن (ع) به خاک سپرده شد.

سنگر کتاب

حاج احمد

کتاب «حاج احمد» روایتی داستان‌گونه از زندگی «شهید احمد کاظمی» فرمانده لشکر ۸ نجف‌آباد، از کودکی تا زمان پرواز اوست که به قلم «محمدحسین علی‌جان‌زاده» نوشته شده و انتشارات شهید کاظمی آن را به چاپ رسانده است. در بخشی از کتاب آمده است: «فرمانده در حلقه میان سربازانش، از احمد کاظمی گفت. رهبر معظم انقلاب فرمود: «جمع دیگری از بهترین‌ها، رفتند و ما هنوز هستیم. دو هفته پیش شهید کاظمی آمد پیش من، گفت که دو تا درخواست دارم از شما؛ یکی این که دعا کنین من روسفید بشم. دوم اینکه دعا کنین من شهید بشم.»»

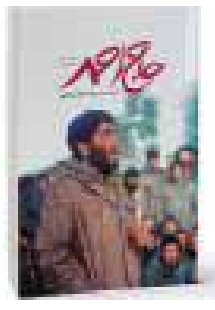

کوله‌بار

فرمانده قرآنی

استاد قرائتی درباره تسلط «سردار سیدمحمد حجازی» بر قرآن می‌گوید: «زمانی خدا توفیق داد و درباره سوره یوسف(ع) بحث کردیم. کل سوره یوسف ۱۱ صفحه است که ده صفحه‌اش قصه یوسف است و یک صفحه‌اش مربوط به آن حضرت نیست. خدا لطف کرد هشتصد نکته از این ده صفحه بیرون کشیدم؛ گفتم عقل ما که عقل کامل نیست، ممکن است دیگران هم چیزهای دیگر به ذهن‌شان بیاید. بعضی جاها اعلام کردیم که هر کس این هشتصد نکته را به نهصدتا برساند، یک عمره به او می‌دهیم. کسی که برنده جایزه شد، سردار حجازی بود. ایشان صد نکته تازه بیرون آورده بود.»

«سرلشکر حسین سلامی» فرمانده کل سپاه پاسداران در کنگره ۱۵ هزار شهید استان فارس اعلام کرد

پاسخ غیرقابل تصور در انتظار صهیونیست‌ها

«سرلشکر حسین سلامی» فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در کنگره ۱۵ هزار شهید استان فارس که در شهر شیراز برگزار شد، با یادآوری اصابت موشک‌های ایران در «عملیات وعده صادق ۲» و تجاوز صهیونیست‌ها به ایران گفت: «این بار هم دست به خطا زدید و پاسخی غیرقابل تصور خواهید چشید.»

وی با یادآوری حضور فرماندهان و مبارزان استان فارس در دفاع مقدس و تجربه جهاد خود در کنار آنها، از فرماندهانی همچون «سردار حاج جعفر اسدی»، «سردار حاج نبی رودکی»، «سردار غیب‌پرور»، «سردار مجید خادمی» و «شهید مرتضی جاویدی» به‌مثابه کسانی یاد کرد که در دوران مقدس درخشیدند و راه جهاد و مبارزه را روشن کردند.

فرمانده کل سپاه با بیان اینکه شخصیت‌های این استان چشمه‌سارند، گفت: «شیراز را می‌توان بسیار ستود. هر قومی جلوه‌ای از تاریخ و شخصیت‌های تاریخ‌ساز آن سرزمین است و این شهر و مردمان آن از شخصیت‌های آن جدا نیست.»

وی افزود: «مردمان این سرزمین تسلیم دشمن نمی‌شوند و در مقابل طاغوت سجده نمی‌کنند و دشمن هرچقدر مهیب و در هر مقیاسی بزرگ و هر چقدر پیشرفته و بزرگ باشد وقتی با قلب‌های مستحکم و قدم‌های ثابت جوانان این مرز و بوم برخورد می‌کند کوچک می‌شود.»

از تاریخ عبرت نمی‌گیرید؟!

سرلشکر سلامی با بیان اینکه دشمنان چنانچه در قرآن آمده است نمی‌توانند پشه‌ای خلق کنند، گفت: «تاریخ ایران اسلامی گواه این حقیقت بزرگ است که آن کسانی که بر منطق وحی و با حکمت الهام یافته از قرآن در میدان‌های جنگ حاضر می‌شوند، قدرت‌های باطل را شکست می‌دهند.» وی دفاع مقدس را یک حقیقت خواند و تأکید کرد: «یک ملت در اوج نابرابری سلاح و تجهیزات با یک جهان قدرت به‌هم‌پیوسته از غرب تا شرق عالم که با هم مجتمع شده‌اند نه تنها نمی‌ترسند، بلکه ایمان آنها افزوده می‌شود.»

به گفته فرمانده کل سپاه، «این روحیه و این تصویر حقیقی سیمای یک ملت مجاهد و مقاوم است. جنگ به ما آموخت نباید از سیمای ظاهری دشمنان ترسید. سرنوشت نبرد را قلب‌های مطمئن به پیروزی می‌رسانند نه تجهیزات؛ سلاح‌ها وقتی در دستان مؤمنان قرار می‌گیرند قدرت می‌یابند.»

وی با اشاره به وقایع منطقه و اوضاع غزه گفت: «امروز همه دنیای کفر برای اینکه بر قلب‌های یک ملت محاصره شده مسلط شوند با هم متحد شده‌اند؛ اما شما می‌بینید چگونه فرزندان این سرزمین قرآن می‌خوانند و دشمن را حقیر می‌پندارند.»

سرلشکر سلامی ادامه داد: «همه غرب با هم جمع شده‌اند تا اراده این مردم را بشکنند؛ آنها را می‌کشند و فرماندهان آنها را به شهادت می‌رسانند، اما اثری بر این مردم نمی‌گذارند؛ شرایط در لبنان نیز همین‌گونه است، اما صدای بمب‌ها نمی‌گذارد صهیونیست‌ها حقیقت را ببینند.»

فرمانده کل سپاه اضافه کرد: «این نظام‌ها وقتی به مرحله فروپاشی می‌رسند بدون رعایت هیچ قاعده‌ای کور عمل می‌کنند، چون خود را در مرز ممات می‌بینند.»

وی تأکید کرد: «ما به آنها هشدار می‌دهیم که به تاریخ رجوع کنید؛ به تاریخ ۴۵ سال گذشته رجوع کنید. عملیات‌های ما را در جنگ، آنگاه که همه شما بودید مرور کنید و رفتار ما را با دشمنان ببینید؛ شما در سال‌های پایانی دفاع مقدس وارد میدان شدید و ما شما را دیدیم. اکنون هم در محاصره‌های اقتصادی و فتنه‌ها می‌بینیم؛ شما هیچ کاری نتوانستید بکنید جز اینکه قدرت‌تان کم شد و مسیر زوال را طی کردید هر آنچه را به‌دست آورده بودید، از دست دادید و هنرتان عبرت نگرفتن از تاریخ بود.»

سرلشکر سلامی تصریح کرد: «وقتی رژیمی می‌خواهد از هم بپاشد منفور می‌شود؛ شما امروز این‌گونه هستید. شما امروز با بحران اقتصادی دست‌وپنجه نرم می‌کنید. شما امروز قدرت حرکت در زمین را ندارید و به چند موشک و هواپیما تکیه کرده‌اید. اینها نمی‌توانند مانع فروپاشی شما شوند؛ شما یک درخت بی‌ریشه هستید و سرانجام فروخواهید افتاد.»

زمان، همه‌چیز را ثابت خواهد کرد

فرمانده کل سپاه خطاب به سران رژیم صهیونیستی گفت: «آنچه که شما امروز فراهم می‌کنید یک بغض جاودان ایجاد می‌کند و بذر یک کینه عمیق را می‌کارد که کم‌کم به سلاح و مبارزه و جهاد تبدیل می‌شود؛ شما کوچک هستید و حتی جایی برای فرار ندارید؛ شما فکر می‌کنید می‌توانید با پرتاب چند موشک داستان تسلط یک قدرت بزرگ به نام اسلام را تغییر دهید.»

وی اظهار داشت: «قدرت و ملت ما را نشناخته‌اید؛ محاسبات‌تان غلط است و زمان همه‌چیز را ثابت خواهد کرد. شما در وعده صادق ۲ دیدید سپر موشکی‌تان چگونه عمل کرد. این بار هم به خطا دست زدید. پاسخ آن را خواهید چشید؛ پاسخی غیرقابل تصور.»

دیدار با خانواده نخستین شهید مدافع حرم شهرستان ورامین، «شهید مهدی حیدری»

آقا مهدی شما نمی‌ترسید؟

حسن نوروزی
دبیر گروه پاسدار

سه‌شنبه است و ما به همراه گروه نمایندگی ولی‌فقیه و «سردار فرجیان‌زاده» معاون هماهنگ‌کننده نمایندگی ولی‌فقیه و به نیابت از «حجت‌الاسلام والمسلمین حاجی‌صادقی» نماینده ولی‌فقیه در سپاه، راهی مقدس‌ترین نقطه تهران یعنی شهر ری، شهر سیدالکریم شده‌ایم.

سه‌شنبه‌ها از جنس توسل و شفاعت است؛ از جنس «یَا سَیِّدَنا وَمَوْلَانَا إِنَّا نَتَوَجَّهُنا وَاسْتَشْفَعُنا وَنَتَوَسَّلُنا بِكَ إِلَى اللّهِ وَقَدَّمْناكَ بَيْنَ يَدَى حَاجاتِنا، يَا وَجِيهاً عِنْدَ اللّهِ اشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللّه» است و چه زیباتر که پیش از این دعا توفیق شده است راهی منزل شهید شویم و دل شهیدی را به‌دست آوریم که نخستین شهید مدافع حرم شهرستان ورامین و شهر ری است. کسی که دو سال افتخار خدمت در حرم سیدالکریم را در کارنامه دارد.

زرنگی انسان‌ها به این نیست که مشکل و گره‌ای به زندگی دیگران بیندازند و افتخار کنند و فخر بفروشند؛ بلکه زرنگی انسان‌ها به این است که همیشه یاد خدا را در دل داشته باشند و به فکر انتهای زندگی‌شان باشند و چه آخرت و انتهایی بهتر از شهادت؟ «هانیه مالمیر» همسر شهید حیدری درباره دعای شهید مهدی برای شهادت می‌گوید: «یک شب که مهدی برای نوکری به حرم سیدالکریم رفته بود باید تا ساعت دوازده شب به منزل برمی‌گشت، اما مانده بود و ساعت دو نیمه شب به خانه رسید. وقتی آمد از او پرسیدم چرا انقدر دیر آمدی؟ گفت داشتم برای آمدن آماده می‌شدم که گفتن امشب غبارروبی مزار سیدالکریم است. با اصرار و التماس قبول کردند که بمانم؛ همان لحظه‌ای که داشتم مزار سیدالکریم را غبارروبی می‌کردم شهادت را خواستم.»

خواستن‌هایی که سر بزنگاه به سر آدم می‌زند، از دل تفکرات شبانه‌روزی آدم سر در می‌آورد. اینکه شهید حیدری در زمان غبارروبی به فکر شهادت است، از این روست که ساعت‌های زیادی از روزمره‌اش را پای تفکر شهادت گذاشته است. همسر شهید ادامه می‌دهد: «شهید حیدری دوره‌های رزمی و دفاع شخصی را گذراند و دوره‌های آموزشی سپاه را هم به پایان رسانده بود. ایشان با چند همکار خود در این رابطه صحبت می‌کند و از آنها می‌پرسد آیا من هم می‌توانم به سوریه بروم؟ همکاران در جواب گفته بودند مشکلی نیست، ولی فرماندهان ایشان، اجازه رفتن را صادر نمی‌کردند. فرمانده آقا مهدی به ایشان گفته بود ما در ایران به شما بیشتر نیاز داریم. لذا از زمانی که ایشان تصمیم قطعی برای رفتن به سوریه گرفت تا وقت اعزام ۸ ماه طول کشید. بعد از گرفتن اجازه پیش ما آمدند و چون می‌دانستم که جنگ در سوریه مثل جنگ ایران و عراق نیست و جنگ داعش با مسلمانان جنگ ناجوانمردانه است و چیزی به‌عنوان خاکریز و دفاع وجود ندارد، اولین جمله‌ای که به ایشان گفتم این بود که آقا مهدی شما نمی‌ترسید؟ شهید در جواب من گفت: «نه! نمی‌ترسم. ترس من از این است که در بستر بیماری و یا در تصادف اتفاقی برایم بیفتد. دوست دارم که اگر لیاقت داشته باشم، با شهادت عمرم به پایان برسد.»

در خانه شهید مهدی حیدری هستیم، اما فکر من جای دیگری است. با خودم می‌گویم کسی که با سیدالکریم گره می‌خورد مگر می‌شود عاقبت حسینی(ع) نداشته باشد؟ مگر می‌شود شهادتش رنگی از کربلا نداشته باشد؟ در همین فکرها هستم که همسر شهید می‌گوید: «همسرم در دفاع از حرم حضرت زینب(س)، در تاریخ ۲۱ دی ماه سال ۱۳۹۴ در سوریه و در جریان مبارزه با گروه‌های تروریستی و تکفیری به آرزوی دیرینه خود رسید و شهید شد، اما پیکرش خرداد ۱۳۹۵، یعنی پنج ماه بعد از شهادتش به کشور بازگشت.» دلم روضه می‌شود، به یاد پیکری که سه روز زیر تیغ آفتاب ماند و دفن نشد.

«محمدمهدی» پسر شهید حیدری است. به ده ساله‌های بازیگوش نمی‌خورد؛ خیلی فهمیده است. مهمان‌ها را به منزل دعوت می‌کند، پذیرایی می‌کند و خوش‌وبش می‌کند. کارهایی را که بزرگ یک خانواده انجام می‌دهد، مو به مو انجام می‌دهد. مادرش می‌گوید: «الحمدلله خیلی ازش راضی هستم، خیلی کمک حالم است. کاری نیست که محمدمهدی در آن به من کمک نکند. کمربند مشکی جودو دارد و مهربان است؛ دقیقاً شبیه پدرش.»

«سردار فرجیان‌زاده» که خودش برادر شهید است و جنگ‌دیده، از خاطراتش می‌گوید؛ از دلتنگی‌ها و از این پا و آن پا کردنش برای گفتن خبر شهادت برادر به مادرشان؛ اینکه مادرش گفته بود من می‌دانم که برادرت شهید شده و خوش به سعادتش؛ اینکه مادرش مرهم درد مادران شهید شده بود و آنها را تسکین می‌داد.

در آخر اینکه، قصه زندگی شهدا و ارتباط با آنان به اندازه اذان صبح تا طلوع آفتاب است؛ کوتاه ولی پرخاصیت. خوش به سعادت آنانی که این ساعت را بیدارند و می‌فهمند و درک می‌کنند.

کانون‌های علمی نمایندگی

احسان بهاری
خبرنگار

«عبدالعزیز نیک‌بین» معاون آموزش‌وپرورش نمایندگی ولی‌فقیه در سپاه، پیرو تشکیل کانون‌های علمی در مراکز علمی نمایندگی، درباره موضوع نام‌نویسی دانشوران علاقه‌مند به عضویت در این کانون‌ها توضیحاتی ارائه داد که در ادامه، این توضیحات به‌صورت پرسش و پاسخ ارائه می‌شود.

تاکنون چند کانون نمایندگی و با چه عنوان‌هایی تشکیل شده است؟

در حال حاضر، شش کانون علمی نمایندگی شامل فلسفه و کلام، قرآن و حدیث و جامعه‌شناسی اسلامی ـ زیرمجموعه پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق(ع)ـ کانون اخلاق و تربیت، علوم سیاسی و فقه (زیرمجموعه دانشکده شهید محلاتی) تشکیل شده است.

علاقه‌مندان چگونه می‌توانند با این کانون‌ها ارتباط برقرار کنند؟

علاقه‌مندان (دانشوران نمایندگی) برای عضویت در کانون‌های علمی یادشده می‌توانند به «سامانه علیم» به نشانی زیر مراجعه کنند:

https://alim.sep/#/auth/login

آیا عضویت در این کانون‌ها به شرایط خاصی نیاز دارد؟

ازجمله الزامات عضویت در کانون‌های علمی سپاه، ورود به سامانه علیم، ثبت اطلاعات عمومی و بارگذاری مدرک تحصیلی و مستندات شغلی است. خوبی این سامانه این است که پس از ثبت اولیه اطلاعات و بارگذاری مستندات، کانون‌های علمی مرتبط برای عضویت، از سوی این سامانه به دانشوران پیشنهاد می‌شود.

دانشورانی که مدارک‌شان ناقص است، باید چه اقدامی انجام دهند؟

دانشورانی که پیشتر نسبت به ورود اطلاعات و بارگذاری مدارک خود اقدام کرده‌اند؛ اما مدارک‌شان دارای نقص مدارک تحصیلی و شغلی غیرمرتبط، عدم بارگذاری مدرک است، در اسرع وقت نسبت به رفع نواقص اقدام کنند.

مراکز علمی دیگر هم می‌توانند به تشکیل کانون علمی در این مجموعه اقدام کنند؟

سایر مراکز علمی نمایندگی مانند گروه معارف دانشگاه جامع امام حسین(ع)، گروه معارف دانشگاه افسری امام حسین(ع)، گروه معارف دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله (عج) و...، حسب دستور نماینده محترم ولی‌فقیه در سپاه، می‌توانند کانون علمی در یکی از حوزه‌های علوم اسلامی تشکیل دهند و عناوین پیشنهادی کانون‌های خود را به این معاونت اعلام کنند.

روی خط

نسل نو انقلابی

۰۹۱۸۰۰۰۳۸۷۹/ سلام علیکم، خواهش می‌کنم پیگیر امنیت «بازارچه پرویزخان» باشید. مبارزه با قاچاقچیان سوخت را در دستور کار قرار دهید. از بسیجیان سینه سوخته، دلسوز واقعی و پشتیبان ولایت فقیه می‌خواهم فاتحین کرمانشاه را در کنترل قاچاق مرزی و بازارچه‌ها کمک کنید.

۰۹۱۱۰۰۰۴۹۴۴/ سلام، «ساتر» لطفاً کفش سازمانی باکیفیت‌تر تولید کند. بسیار ممنون.

۰۹۱۲۰۰۰۸۹۴۹/ سیاست‌های اصلی و مهم اقتصادی، شامل کاهش تورم، ثبات بازار و افزایش ارزش پول ملی و افزایش قدرت خرید مردم در کجای بودجه پیشنهادی دولت قرار دارد؟ آیا چرخه ناقص بودجه‌ریزی و افزایش نرخ ارز و حقوق کارکنان دولت، نسخه شفابخشی در این شرایط است؟ آیا همه مردم ایران کارمند دولت هستند که از افزایش حقوق منتفع شوند؟ تکرار روش غلط، افزایش مشکلات است.

۰۹۱۴۰۰۰۸۹۶۱/ سلام علیکم، همان‌طور که سردار نقدی عزیز گفتند، رژیم غاصب صهیونیستی در روزهای آینده با ابتکارات جدید، شکست‌های غافلگیرکننده بزرگ‌تری خواهد چشید و ضربات دردناک سهمگینی را به آنها وارد خواهیم کرد.

۰۹۱۸۰۰۰۳۰۴۲/ ان‌شاءالله که پاسخ درخوری به رژیم صهیونیستی جنایتکار داده شود. مگر رهبری نفرمودند: «اگر غلطی کرد جواب بدهید.»

۰۹۳۳۰۰۰۱۸۵۸/ سلام علیکم، پناهگاه‌های رژیم غاصب صهیونیستی را به گورستان تاریک ابدی تبدیل خواهیم کرد.

۰۹۱۲۰۰۰۵۵۳۴/ کشور آلمان که به حمایت از صهیونیست‌ها معروف شده و کشتار وحشیانه و غیرانسانی صهیونیست‌ها را نسل‌کشی نمی‌داند! برای یک شرور دو تابعیتی که یک رگش به خودشان می‌رسد، رگ کلفت کردند و خواستند اعدام نشود. «جمشید شارمهد» سرکرده معدوم «گروهک تروریستی تندر»، همان کسی است که آلمان‌ها سنگش را به سینه می‌زنند. آدمی که در یک عملیات تروریستی ۱۴ نفر را شهید و ۳۰۰ نفر را مجروح کرده است.

۰۹۱۸۰۰۰۴۲۱۹/ اینکه نوجوانان ما هنوز هم پای کار مبارزه با استکبار هستند و در روز ۱۳ آبان با مشت‌های گره کرده شعارهای «مرگ بر آمریکا»، «مرگ بر انگلیس» و «مرگ بر اسرائیل» سر می‌دهند، نشان می‌دهد که حقیقت انقلاب اسلامی را درک کرده‌اند. ای کاش برای دانش‌آموزان دوره‌های کوتاه‌مدتی را در مدرسه بگذارند تا تاریخ پیش از انقلاب و پس از آن را به‌طور خلاصه و جمع‌وجور آموزش بدهند.

۰۹۱۷۰۰۰۴۶۶۰/ سلام، از رئیس ستاد کل خواهش می‌کنیم فکری به‌حال حقوق نیروهای مسلح کنند.

۰۹۳۳۰۰۰۱۴۵۱/ دعا می‌کنیم که ان‌شاءالله خدا «شیخ نعیم قاسم» را در پیشرفت حزب‌الله لبنان کمک کند.

۰۹۲۱۰۰۰۴۲۷۳/ آمریکا می‌گوید پاسخ ایران ایجاد به هم ریختگی در انتخابات آمریکاست. یکی نیست یقه این مزدوران تاریخ را بگیرد و بگوید چطور وقتی هزاران تن سلاح به صهیونیست‌ها کمک می‌کنید، سیرک انتخابات به هم نمی‌ریزد؛ ولی کسی از خاک خودش دفاع می‌کند، می‌شود اختلاف در انتخابات شما؟! نابودی‌تان نزدیک است ان‌شاءالله.

۰۹۱۵۰۰۰۲۴۱۵/ ولادت حضرت زینب(س) را به همه، به‌ویژه پرستاران و همسران جانباز تبریک عرض می‌کنم. امیدوارم نگاه به پرستاران در سال‌های آتی بهبود پیدا کند.

۳۰۰۰۹۹۰۰۳۳
سامانه پیامکی هفته‌نامه صبح صادق
۰۲۱۷۷۴۶۰۱۰۰
هفته‌نامه صبح صادق

صبح صادق

هفته‌نامه
سیاسی، فرهنگی و اجتماعی
صاحب امتیاز
معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه

مدیرمسئول: یدالله جوانی
سردبیر: علی حیدری

شورای سیاست‌گذاری:
سیامک باقری، سعدالله زارعی، عزیز غضنفری، فرهاد مهدوی، مهدی سعیدی، فتح‌الله پریشان، علی قاسمی، حسین عبداللهی‌فر
دبیر تحریریه: سیدفخرالدین موسوی
مدیر فنی: محمدصالح نادری
نگارش و ویرایش: محبوبه حاجی آقایی
صفحه‌آرا: علی اکبر هدایتی
عکاس: حامد گودرزی
ناظر چاپ: سعید قاسمی

چاپ: مرکز چاپ سپاه: ۳۸۵۲۲۴۴۶(۰۲۱)
تلفن: ۱۱۰ و ۷۷۴۶۰۱۰۰ (۰۲۱)
basirat.ir
@ssweekly
نمابر: ۷۷۴۸۸۴۲۶
سامانه پیامک: ۳۰۰۰۹۹۰۰۳۳

شماره ۱۱۶۳ | دوشنبه ۱۴ آبان ۱۴۰۳

صبحانه

رزق حلال

هرچه ریشه درخت پنهانی می‌خورد، اثر آن در شاخ و برگ ظاهر می‌شود. اگر آب گوارایی یا غذای محبوب گیاه باشد، میوه و ثمره بهتر خواهد بود، انسان اگر مال حلال و پاکی در زندگی بیاورد، پس فرزندانی پاک و منزه و یکتاپرست خواهد داشت. به آنچه در زندگی‌تان می‌آورید، بیش از هر چیز دقت و وسواس داشته باشید.

صادقانه

وطن دوستی

امیرالمؤمنین علی(ع) می‌فرمایند: «از نشانه‌های ارزش و شخصیت انسان آن است که نسبت به عمر از دست رفته، که در آن کوتاهی کرده است، ناراحت باشد و حتی اشک بریزد و نسبت به وطنش علاقه‌مند و غیور باشد.»

(بحارالانوار، ج ۷، ص ۲۶۴)

داستان

فدایی

به یاد جان‌باختگان معدن طبس چهل روز پس از حادثه تلخ استان خراسان جنوبی

مرتضی درخشان
نویسنده

عاطفه گوشی را از من گرفت و از بشقاب اُملت عکس انداخت. همین که خواست عکس را برای پدرش ارسال کند، با هیجان و بریده بریده گفت: «مامان بابا پیام داده: مریم جون...من...زندگیمو...برای...تو وعاطفه....می‌دم...نگران...نباش... درست... می‌شه...» ذوق کرد و عکس را توی صفحه پیامک پدرش فرستاد و زیرش نوشت: «املت عاطفه‌پز! بابا جات خیلی خالیه ببینی دخترت چه آشپزی شده!» بعد نگاهم کرد و وقتی دید عصبانیتی توی چهره‌ام نیست، دو تا گل فرستاد. زیرش نوشت: «نگران نباش عزیزم، شام خوردیم» و لبخندی از سر شیطنت زد و فرار کرد.

چند لقمه با بی‌میلی خوردم. سر شام به همه چیز فکر می‌کردم، غیر از مدرسه عاطفه. آنقدر از صبح با اکبر بحث کرده بودم، که همه‌چیز یادم رفته بود. از اینکه در این ساختمان نیمه‌کاره که نه آب و برق درستی داشت و نه گاز و تلفن، خسته شده بودم. اردیبهشت بود که صاحب‌خانه خبر داد باید خانه را خالی کنیم. اکبر با کلی التماس و قول و قرار راضی‌ام کرد که به خانه نیمه‌کاره‌مان بیاییم. قول داد که وام می‌گیرد و تا پاییز تمامش می‌کند. از مستأجری و کرایه و اسباب‌کشی خسته بود. هر دو خسته بودیم. هوا کم‌کم رو به سردی می‌رفت. من هم خسته بودم. سه ماه بود که قول شهریور را داده بودند تا وام را واریز کنند، اما خبری نبود. حتی نمی‌توانستم کسی را به این خانه مخروبه دعوت کنم. بالاخره زدم به سیم آخر و شروع کردم به جمع کردن وسایل. اکبر که آمد از دیدن وسایل جا خورد. گفتم: «من دیگه نمی‌تونم اکبر! خسته شدم! می‌رم زیرزمین بابام، هر وقت وامتو دادن، خونه آماده شد بیا دنبال ما...» اکبر مستأصل شده بود. هر کاری می‌کرد تا من را راضی کند، مرد مهربان و پدر خوبی بود، اما من مثل دیوانه‌ها داد و فریاد کردم، گریه سر دادم، غذا نخوردم و آخرش بی‌حوصله و بی‌قرار خوابم برد. غروب بود که اکبر صدایم کرد.

ـ مریم! من وام رو به اسم تو نوشتم، همین روزاس واریز بشه، هرچی تو بگی! وام رو بگیر، خواسی خونه کرایه کنیم، نخواسی همین‌جا رو می‌سازیم. پاشو من دیرم شده باید برم. از صبح تا حالا چیزی نخوردی...پاشو من خیالم راحت بشه، برم.

و بعد رفت. شرمنده و پشیمان بودم. بیچاره اکبر چه گناهی داشت. این همه تلاش می‌کرد و من نمی‌دیدم.

عاطفه گوشی را به سمتم گرفت و گفت: «مامان چرا بابا جواب پیاممو نداده؟» بی‌توجه گفتم: «بابا تو معدنه! اونجا خط نمی‌ده...صبح جواب می‌ده.»

صبح در گیرودار فرستادن عاطفه به مدرسه، پیامک واریزی وام آمد. از خودم و رفتار دیروزم خجالت‌زده بودم. شماره اکبر را گرفتم تا هم خبر واریز وام را بشنود و هم عذرخواهی کرده باشم. خاموش بود. عاطفه را راهی کردم، اما هوای شهر، عادی نبود. ذوق و شوقی در اولین روز مدرسه دیده نمی‌شد. انگار همه داغدار بودند. چرا همه جا اسم معدن روی زبان‌ها می‌چرخید؟ شماره اکبر را گرفتم. ده بار، صدبار، شماره سرکارگر را هم...باورم نمی‌شد.

حالا یک هفته‌ای می‌شود که پیام‌های عاطفه بی‌جواب می‌ماند و باورم نمی‌شود اکبر همان چیزی را که گفت، عمل کرد. زندگی‌اش را داد...زندگی‌اش را برای من و عاطفه داد... .

غیر رسمی

چرا به شما می‌گویند صادق‌الوعد؟

سخنرانی رهبر معظم انقلاب چهار ویژگی دارد: ۱ـ همیشه حرف جدید دارد؛ ۲ـ کذب ندارد؛ ۳ـ در صحنه بین‌الملل تأثیر دارد؛ ۴ـ پیش‌بینی‌های ایشان قطعی است. برای پیش‌بینی قطعی مثالی می‌آورم: یکی از دوستان ابوی تعریف می‌کرد، در دیدار با «سیدحسن نصرالله» در لبنان از او سؤال کردم، در خیابان‌های لبنان تبلیغاتی دیدم با عنوان «سید حسن، صادق الوعد»، چرا به شما صادق‌الوعد می‌گویند؟

ایشان گفت، رهبر معظم انقلاب، گاهی اوقات پیام‌هایی به من می‌دهد و من پیام‌های حضرت آقا را در سخنرانی‌های خودم بیان می‌کنم و آن اتفاق می‌افتد، مردم فکر می‌کنند این حرف‌های من است.

یک مورد را حاج قاسم در سخنرانی خودش در جمع استادان بسیجی در قم گفت. حاج قاسم گفت، روز سی‌ام جنگ سی‌وسه روزه لبنان، پیامی را از سیدحسن نصرالله برای رهبر معظم انقلاب آوردم. موقع نماز خدمت حضرت آقا که رسیدم، به رهبر معظم انقلاب گفتم، رژیم صهیونی تونل‌های مخفی حزب‌الله را شناسایی کرده و ادامه مقاومت فوق‌العاده سخت شده و امکان ندارد. اگر اجازه بدهید به سمت آتش‌بس برویم. حاج قاسم گفت، حضرت آقا پیام را که شنید، برای نماز آماده شد و نماز را خواندیم، بعد از نماز حدود بیست دقیقه، تعقیبات نماز حضرت آقا طول کشید و من احساس کردم که رهبری نمی‌خواهند جوابی به من بدهند؛ ولی بلند شدند و سؤال کردند: «حاج قاسم هست؟» نزدیک رفتم و گفتند: «به سیدحسن نصرالله بگویید، فقط سه روز دیگر مقاومت کنید و دقیقاً در این سه روز، آمریکایی‌ها التماس کردند.

حجت‌الاسلام سیدسعید حسینی
امام جمعه کاشان

کتیبه

از جنس ایمان

این مرز و بومِ آبرومندی که داریم
امنیت و حسّ خوشایندی که داریم
مدیون میدان‌داری یک عده مَردیم
آرامش و امّید و لبخندی که داریم
خورشیدهایی که به آن گرم است حتی
پشتِ همین کوه دماوندی که داریم
پای تمام آرمان‌ها ایستادند
مردانِ سخت کوه مانندی که داریم
سینه سپر کردند، در امن و امان است
ایران...همین سرو تنومندی که داریم
کارِ ابَر قدرت به حیرانی رسیده
از این همه علم و توانمندی که داریم
ناوِ هواپیمابر و پهپاد و موشک
جانم به این دست هنرمندی که داریم
رمزش «توکّلتُ علیَ الله» است و هستیم
ممنون از الطاف خداوندی که داریم
وقتِ اذان صبح، دشمن سنگی انداخت
غافل شد از تسبیح و سربندی که داریم
دیدیم با چشمان دل مکر خدا را
از جنس ایمان است؛ ترفندی که داریم
شد بی در و پیکر همه پرتابه‌هایش
حیدر مدار است این پدافندی که داریم

مرضیه عاطفی

دسته گلی پرپر

برای شهدای غیور مرزدار

با قدم‌هایت سکوت دشت را در هم بریز
ردّپای توست مرز سرزمین مادری
با نگاه بی کرانت دشت را تسخیر کن
تا نیفتد سرزمین تو به دست دیگری
از افق سر می‌زند هر صبح مهر خاوران
سایه تو پرچم در اهتزاز میهن است
در هجوم بادهای دربه‌در محکم بایست
مثل کوهی که سراسر پیکرش از آهن است
هر نسیمی که گذر کرده است روزی از برت
دشت‌ها را سر به سر با بوی تو آکنده است
زندگی جاری است در چشم تو چون زاینده‌رود
زندگی در هر نگاه بیقرارت زنده است
بر لبت آوازهای بومی‌ات گل کرده است
خاطرات کهنه تو عشق را در بر گرفت
روی خاک سرزمینت می‌نویسی نامه را
نامه‌ای که سطرهایش عشق را از سر گرفت
مثل سربازی که جان بر کف لب مرز آمده است
دوستت دارم، به شوقت در خطر افتاده‌ام
بعد تو دسته گلی بر روی سیم خاردار
پرپرم کرده است و از تو بی خبر افتاده‌ام

علی اصغر شیری

تلخند

وقتی پا از گلیم درازتر می‌شود! کارتونیست: کمال اشرف/ یمنی

راه نرفته

از گفت‌وگو فرار نکن

عزیزه هاشمی
کارشناس روانشناسی

ما در زندگی خود درگیر روابط متعدد و متفاوتی هستیم و در هر یک از این روابط بروز اختلاف نظر و تعارض کاملاً طبیعی است. خواهر و برادرها هم که از یک ژن هستند و در یک محیط بزرگ شده‌اند، با یکدیگر دچار چالش می‌شوند، چه برسد به انسان‌هایی که سر راه هم قرار می‌گیرند و هیچ شناختی از اخلاق و عادت‌های فردی و اجتماعی هم ندارند. در اغلب روابط، زمانی که اختلافی به وجود می‌آید، می‌توانید مدتی کوتاه رابطه را مسکوت بگذارید به این معنا که با فاصله گرفتن از یکدیگر و زمان دادن به رابطه، اجازه دهید خشم ناشی از اختلاف فروکش کند و سپس با گفت‌وگویی آرام و منطقی مشکل را حل کنید. با این راهکار رابطه ترمیم شده و مشکلات و اختلافات به فراموشی سپرده می‌شود، اما در رابطه حاصل از ازدواج و در واقع در یک رابطه عاشقانه شرایط متفاوت است. در روابط دیگر اکثراً طرفین به یکدیگر وابستگی شدیدی ندارند، اما در روابط زن و شوهری دلبستگی و وابستگی شدیدی بین دو طرف وجود دارد، که لازمه یک رابطه عاشقانه طولانی‌مدت است. بنابراین حرف نزدن از مشکلات تداوم زندگی مشترک را به خطر می‌اندازد. برای نمونه، زوجی که بر سر تربیت فرزند با یکدیگر اختلاف نظر دارند، زمانی که به اختلاف برمی‌خورند، هر دو یا یکی از زوجین سکوت کرده و به نوعی از مشکل فرار می‌کنند. در واقع، این سکوت به معنای پذیرش نیست؛ بلکه اعتراضی بی‌صداست که در آن هر طرف فقط به خود حق داده و دیگری را سرزنش می‌کند. ادامه این روند روز به روز باعث فاصله گرفتن و دور شدن بیشتر زوجین از یکدیگر می‌شود. بنابراین، برای جلوگیری از این فاصله گرفتن‌ها باید بیاموزیم درست با یکدیگر گفت‌وگو کنیم و از گفت‌وگو کردن نهراسیم.

سلامت

انرژی زمستان!

محبوبه‌سادات رضوی
کارشناس تغذیه

با شروع فصل پاییز و زمستان، بهتر است برای صبحانه، وعده‌ای مقوی و گرم در برنامه غذایی خانواده به ویژه کودکان گنجانده شود.

«شیره و ارده» انرژی‌زا بوده و برای فصل زمستان که بدن به انرژی بیشتری برای گرم کردن خود احتیاج دارد، بهترین غذا به شمار می‌آیند. ارده و شیره از لخته شدن خون در بدن جلوگیری می‌کنند و سطح کلسترول خون را کاهش داده و با جریان بخشیدن به خون و جلوگیری از لخته شدن آن، فشار خون و ضربان قلب را تنظیم می‌کنند. همچنین، برای سلامتی و بهبود عملکرد بدن مفیدند و به تنهایی بخش مهمی از نیازهای بدن را برطرف می‌کنند. ارده و شیره برای نرم کردن سینه مفید است، مسهل است و یبوست را رفع می‌کند. تسکین‌دهنده درد است و به ترمیم زخم کمک می‌کند. ارده و شیره به درمان اختلالات کبد و کلیه نیز کمک می‌کند. مانند یک ضدآفتاب طبیعی از پوست در برابر نور خورشید محافظت می‌کند. ترکیب شیره انگور و ارده کنجد به ورزشکاران توصیه می‌شود؛ چراکه افزون بر مقوی بودن، باعث افزایش حجم عضلات می‌شود.

مصرف شیره انگور برای پیشگیری از سرطان مفید است. شیره با ارده پلاکت خون را افزایش می‌دهد و برای افرادی که پلاکت خون پایینی دارند، مفید است. با توجه به نکات گفته شده و مزایای این غذای لذیذ باید توجه داشت که در صورت مبتلا به دیابت و همچنین کم تحرکی، ارده و شیره را باید با احتیاط مصرف کرد، چراکه به چاقی و افزایش قند خون منجر خواهد شد.

حسن ختام

غم دل

ای آفتاب دل‌های تاریک، ای مهتاب روشن ویرانه‌های جان، در کوچه باغ دل، نسیم انتظار می‌وزد و دل، چشم به راه تو بی‌قرار می‌شود. کجایی که هر روز ما غروب جمعه است و تنهایی و غربت این روزها همچون سوز نخراشیده بادی است که بر غصه هر روزه ما می‌افزاید. مولا جان! بیا که این دل حرف‌ها برای تو دارد، اما «گفته بودم چو بیایی غم دل با تو بگویم چه بگویم که غم از دل برود چون تو بیایی.»

آقاجان! در این شب‌های تاریک، همچون شمعی در باد دل من می‌سوزد از این هجران، ای کاش که می‌رسیدی و این ظلمت شب به نور قدوم تو روشن می‌شد. می‌دانم که می‌شناسی مرا، می‌دانم که می‌بینی مرا و دعایم می‌کنی! اما ای کاش می‌شد برای یک لحظه می‌دیدمت، می‌شناختمت تا عمری را همچون عارفانه‌ترین نامه‌ها، عاشقانه می‌زیستم.

مولای من! در خواب می‌بینم که می‌آیی و با لبخند مرهمی بر زخم‌های دلم می‌ریزی! ای کاش که این خواب، حقیقت می‌شد و در آغوش تو آرامش می‌یافتم.